



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بمبارک جسونسی (۱)
مجموعه متن‌های برنامه‌های ویژه
گروه‌های برنامه‌ساز جوان
شعبه مسابقات پژوهش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلوک جوانی: مجموعه متن های برنامه ای ویژه گروه های برنامه ساز جوان

نویسنده:

شکیبا سادات جوهری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	سلوک جوانی: مجموعه متن های برنامه ای ویژه گروه های برنامه ساز جوان
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۰	دیبچه
۲۲	پیش گفتار
۲۵	معنویت جوان
۲۷	دوستی جوان با خدا
۲۹	انس جوان با خدا
۳۱	بهره مندی جوان از قرآن
۳۴	روزه داری جوان
۳۶	عبادت و جوان
۳۸	نمازگزاری و جوان
۴۰	خردورزی و جوان
۴۲	دوراندیشی جوان
۴۳	حفظ آداب و رسوم اجتماعی
۴۴	احترام جوان به قانون
۴۵	انعطاف پذیری و جوان
۴۶	هویت یابی و جوان
۴۸	دانش جویی و جوان (۱)
۵۰	دانش جویی و جوان (۲)
۵۲	هدفمندی جوان
۵۴	برنامه زندگی جوان

۵۶	نظم جوان
۵۸	تقویت نیروی خرد
۶۰	پرسشگری و جوان
۶۲	آشنایی جوان با آموزه های دینی
۶۴	مسئولیت جوان در برابر تن درستی خود
۶۶	مسئولیت جوان در امور روحی
۶۸	مسئولیت اجتماعی جوان
۷۰	فضیلت های اخلاقی جوان
۷۲	خوش خلقی
۷۴	فروتنی
۷۶	متانت و بخشندگی
۷۸	تهذیب نفس
۸۰	امیدواری به آینده
۸۲	خودشناسی
۸۳	پاک دلی
۸۵	فضیلت خواهی
۸۷	دین گرایی
۸۹	باریک بینی و مشورت
۹۰	مبارزه با مشکلات
۹۲	صبر و پشتکار
۹۴	کنترل خشم
۹۶	درک روحیه جوان
۹۸	نیکی به جوانان
۱۰۰	رفتار شایسته با جوان
۱۰۱	چشم پوشی از خطای جوانان
۱۰۳	مدارا با جوان

- ۱۰۵ احسان مشترک با جوان
- ۱۰۶ انس و الفت با جوان
- ۱۰۸ نشاط و آراستگی جوانی
- ۱۱۰ علاقه مندی جوان به زیبایی و آراستگی
- ۱۱۲ نوگرایی و جوان
- ۱۱۴ برابر خواهی جوان
- ۱۱۶ رعایت حقوق و احترام به والدین
- ۱۱۸ اطاعت از والدین
- ۱۲۰ حفظ حریم جوانی
- ۱۲۲ دوری از محیط های فاسد
- ۱۲۴ دوری از اعتیاد
- ۱۲۵ نفی سرکشی و نافرمانی
- ۱۲۷ گناه گریزی
- ۱۲۸ کنترل نگاه
- ۱۳۱ آثار مثبت حفظ نگاه
- ۱۳۳ چشم چرانی
- ۱۳۵ عفت و پاک دامنی
- ۱۳۷ تقوای جوان، عامل دوری از گناه
- ۱۳۹ جوان و توبه
- ۱۴۱ جوان و دوری از محیط آلوده
- ۱۴۳ خوبستن داری جوان
- ۱۴۵ مبارزه با شهوت جنسی
- ۱۴۷ جوان و بازگشت
- ۱۴۹ راه های بیدار باش
- ۱۵۱ ازدواج
- ۱۵۲ تشویق به ازدواج در جوانی

- ۱۵۵ همسرگزینی
- ۱۵۷ معیارهای همسرگزینی
- ۱۵۹ ناپسندی مجرد
- ۱۶۱ انتخاب دوست
- ۱۶۳ دوستان جوان
- ۱۶۵ کناره گیری از دوستان ناشایست
- ۱۶۷ دوستی ها جوان
- ۱۶۹ دوستی های پایدار
- ۱۷۱ خیرخواهی و دل جویی از دوستان
- ۱۷۳ شادی در زندگی و شاد ساختن دیگران
- ۱۷۴ شوخی
- ۱۷۶ اوقات فراغت جوان
- ۱۷۸ تفریح و سرگرمی
- ۱۸۰ ورزش پهلوانی
- ۱۸۲ سیر و سفر
- ۱۸۴ کار و تلاش
- ۱۸۷ کتاب نامه
- ۱۹۱ درباره مرکز

سلوک جوانی: مجموعه متن های برنامه ای ویژه گروه های برنامه ساز جوان

مشخصات کتاب

سرشناسه : جوهری، شکیباسادات

عنوان و نام پدیدآور : سلوک جوانی: مجموعه متن های برنامه ای ویژه گروه های برنامه ساز جوان/ شکیباسادات جوهری؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۴]، ۱۳۰ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۸۴.

شابک : ۱۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۵۱-۷

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۲۷] - ۱۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : جوانان مسلمان

موضوع : جوانان -- راه و رسم زندگی

موضوع : جوانان -- احادیث

موضوع : جوانان -- جنبه های اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : ۱۶۵/۲۳۰BP/ج ۸۸ س ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۷۸۰۸۱

ص: ۲

سلوک جوانی (۱): مجموعه متن های برنامه ای ویژه گروه های برنامه ساز جوان

کد: ۱۲۸۴

نویسنده: شکیباسادات جوهری

نام ویراستار: رقیه چاووشی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۶۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۱۹۶۷۰-۲۹۱۵۵۱۰ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۵۱-۷-۹۶۴-۲۷۶۱-۵۱-۷-۹۷۸

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۴

دیباچه ۸

پیش گفتار ۱۰

معنویت جوان ۱۳

دوستی جوان با خدا ۱۵

انس جوان با خدا ۱۷

بهره مندی جوان از قرآن ۱۹

روزه داری جوان ۲۲

عبادت و جوان ۲۴

نمازگزارى و جوان ۲۶

خردورزی و جوان ۲۸

دوراندیشی جوان ۳۰

حفظ آداب و رسوم اجتماعی ۳۱

احترام جوان به قانون ۳۲

انعطاف پذیری و جوان ۳۳

هویت یابی و جوان ۳۴

دانش جویی و جوان (۱) ۳۶

دانش جویی و جوان (۲) ۳۸

هدفمندی جوان ۴۰

برنامه زندگی جوان ۴۲

نظم جوان ۴۴

تقویت نیروی خرد ۴۶

پرسشگری و جوان ۴۸

آشنایی جوان با آموزه های دینی ۵۰

مسئولیت جوان در برابر تن درستی خود ۵۲

مسئولیت جوان در امور روحی ۵۴

ص: ۵

مسئولیت اجتماعی جوان ۵۶

فضیلت های اخلاقی جوان ۵۸

خوش خلقی ۶۰

فروتنی ۶۲

متانت و بخشنده‌گی ۶۴

تهذیب نفس ۶۶

امیدواری به آینده ۶۸

خودشناسی ۷۰

پاک دلی ۷۱

فضیلت خواهی ۷۳

دین گرایی ۷۵

باریک بینی و مشورت ۷۷

مبارزه با مشکلات ۷۷

صبر و پشتکار ۸۰

کنترل خشم ۸۲

درک روحیه جوان ۸۴

نیکی به جوانان ۸۶

رفتار شایسته با جوان ۸۸

چشم پوشی از خطای جوانان ۸۹

مدارا با جوان ۹۱

احسان مشترک با جوان ۹۳

انس و الفت با جوان ۹۴

نشاط و آراستگی جوانی ۹۶

علاقه مندی جوان به زیبایی و آراستگی ۹۸

نوگرایی و جوان ۱۰۰

برابر خواهی جوان ۱۰۲

رعایت حقوق و احترام به والدین ۱۰۴

اطاعت از والدین ۱۰۶

حفظ حریم جوانی ۱۰۸

دوری از محیط های فاسد ۱۱۰

دوری از اعتیاد ۱۱۲

نفی سرکشی و نافرمانی ۱۱۳

گناه گریزی ۱۱۵

کنترل نگاه ۱۱۶

آثار مثبت حفظ نگاه ۱۱۹

چشم چرانی ۱۲۱

عفت و پاک دامنی ۱۲۳

تقوای جوان، عامل دوری از گناه ۱۲۵

جوان و توبه ۱۲۷

جوان و دوری از محیط آلوده ۱۲۹

خویشتن داری جوان ۱۳۱

مبارزه با شهوت جنسی ۱۳۳

جوان و بازگشت ۱۳۵

راه های بیدار باش ۱۳۷

ازدواج ۱۳۹

تشویق به ازدواج در جوانی ۱۴۱

همسرگزینی ۱۴۳

معیارهای همسرگزینی ۱۴۵

ناپسندی تجرد ۱۴۷

انتخاب دوست ۱۴۹

دوستان جوان ۱۵۱

کناره گیری از دوستان ناشایست ۱۵۳

دوستی ها جوان ۱۵۵

دوستی های پایدار ۱۵۷

خیرخواهی و دل جویی از دوستان ۱۵۹

شادی در زندگی و شاد ساختن دیگران ۱۶۱

شوخی ۱۶۲

اوقات فراغت جوان ۱۶۴

تفریح و سرگرمی ۱۶۶

ورزش پهلوانی ۱۶۸

ص: ۷

سیر و سفر ۱۷۰

کار و تلاش ۱۷۲

کتاب نامه ۱۷۵

دیباچه

دیباچه

از زمانی که انسان به عرصه وجود پا می نهد، دوره های گوناگون را پشت سر می گذارد: نوزادی، شیرخوارگی، خردسالی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان سالی و پیری. هر یک از این دوره ها، شرایط ویژه خود را دارند. از میان این دوره ها، جوانی، بهاری است که سرنوشت انسان در آن رقم می خورد، شخصیت وی شکل می گیرد و استعدادهايش، بارور و پایه های دینی و عقیدتی اش استوار می شود. جوانی، بهار زندگی است؛ بهاری ارزشمند، ولی زودگذر. جوانی، فصل رویش ها، شکفتن ها، دوران درخشندگی و نشاط زندگی، زمان ظهور غریزه ها، کشش ها و آرزوهاست.

روح کنجکاو و پرخروش جوان، همیشه درصدد جست وجو و آشنایی با پدیده های وجودی خود و پیرامون خویش است. بر اساس موقعیت، محیط زندگی، شرایط زمانی و هم نشینی با دوستان، زمینه های شکل گیری دیدگاه ها، باورها، عواطف و شخصیت جوان فراهم می شود. اندیشه جوان همواره از مسائل و عوامل درونی و بیرونی اثر می پذیرد و هر لحظه به شکلی، توجه وی را به خود مشغول می کند و رشته خواسته ها و اندیشه های او را به سوی خود می کشاند.

همه این حالت ها و نوسان های روحی و روانی، از ویژگی های دوران جوانی است. جوان برای درک بهتر خود و آشنایی با پیرامون خویش، به راهنمایی و آگاهی نیاز دارد. او همواره در حال رشد و نمو است و رشد جسمی اش، به طور طبیعی، همراه با حالت ها و هیجان های روحی و عاطفی است. اگر او از نظر تربیتی، فکری و اعتقادی در راه درست و الهی و در مسیر تکاملی قرار گیرد، بالندگی و کمالش حتمی و عینی است. بنابراین، جوان به راهنمایی مربیان رستگار و خیراندیش نیازمند است تا چگونه زیستن را به او بیاموزند.

در این میان، تربیت اصولی و آموزش درست و مطمئن در جوانی، بیشترین اثر را در آینده انسان دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر ارزش و اهمیت دوره جوانی تأکید می کند و در سفارشی به ابوذر می فرماید:

يَا أَبَاذَرٍّ اِغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ... شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ. (۱)

ای ابوذر، پنج چیز را قبل از پنج چیز درباب و غنیمت شمار... جوانی ات را قبل از پیری.

این اثر، به همین مقصود به وسیله پژوهشگر فرزانه سرکار خانم شکیباسادات جوهری، آماده شده و امید است توشه ای تربیتی برای جوانان و ذخیره ای آخرتی برای فرهنگ سازان این اثرگذارترین دستگاه ارتباطی باشد.

اِنَّهٗ وَلِيّ التَّوْفِيقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

دوران جوانی، نعمتی الهی است که باید از آن به بهترین شکل بهره برداری کرد تا هنگام بازخواست از آن، پاسخی درخور درگاه خداوند داشته باشیم که هر ذره‌ای را حسابی است. ما برآنیم تا تصویری کوتاه در قالب متن‌های برنامه‌ای از لابه‌لای آیه‌های الهی و روایت‌های اسلامی، تحفه راه‌برنامه‌سازان کنیم. بی‌شک، شناخت همه جنبه‌های روحی جوانان و دستورهای لازم برای هر کدام، در توان این نوشتار کوتاه نیست و تنها می‌توان به گوشه‌ای کوچک از وظایف و مسئولیت‌ها اشاره کرد. در فرهنگ غنی اسلام، یکی از راه‌های حفظ دین، آگاهی و علم معرفی شده است. امام علی علیه‌السلام به طور ویژه به جوانان سفارش می‌کند که دین خود را با کسب آگاهی و دانش حفظ کنند و در رهنمودی به اولیای جوانان می‌فرماید:

عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا يَغْلِبُ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ بِرَأْيِهَا. (۱)

به بچه‌هایتان چیزی را آموزش دهید که خداوند به وسیله آن، سودی به آنها برساند تا اینکه گروه مرجئه و منحرفان فکری با نظریه‌های خود بر آنها چیره نشوند.

فرصت‌ها مانند ابرها در حرکتند و فرصت جوانی نیز چنین است. پس جوان عاقل آن است که از هر فرصتی برای حرکت، توشه‌ای بردارد:

فَأْتِهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ. (۲)

فرصت همچون ابرها می‌گذرد. پس فرصت‌های نیک را دریابید.

جوانان باید به این واقعیت توجه کنند و هرگز از آن غافل نباشند که نعمت جوانی،

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۱۷.

۲- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات تبلیغات، ۱۳۶۶، ص ۴۷۳.

در عین اینکه سرچشمه بسیاری از خیر و برکت هاست، بسیار زودگذر است. به فرموده امام علی علیه السلام:

ما أَقْرَبَ الدُّنْيَا مِنَ الدَّهَابِ وَالشَّيْبِ مِنَ الشَّبَابِ. (۱)

دنیا چه قدر نزدیک رفتن و پیری چه قدر نزدیک جوانی است.

بسیار پیش می آید که جوان هنوز در فکر برنامه زندگی است یا حتی هنوز به فکر برنامه ای برای زندگی اش نیفتاده است که جوانی را از دست می دهد و زمانی به خود می آید که غبار پیری بر چهره اش هویدا می شود. پس باید لحظه های جوانی را غنیمت شمرد. با این حال، چه بسیارند کسانی که این گوهر را به رایگان می فروشند. امام علی علیه السلام می فرماید:

شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ. (۲)

دو چیز است که کسی به ارزش آن پی نبرد، مگر اینکه آن را از دست دهد؛ جوانی و سلامت.

از این رو، آدمی باید عمر گران مایه را به سادگی و بیهوده از دست ندهد و بکوشد از جوانی خود برای پیری ذخیره ای بیندوزد و از دنیای خود برای آخرت، توشه ای بردارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خُذْ مِنْ شَبَابِكَ لِهَرْمِكَ؛ از جوانی برای پیری خود بیندوز.» (۳) ایشان در جای دیگر فرموده است:

فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ فِي الشَّيْبِ قَبْلَ الْكِبَرِ

۱- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات تبلیغات، ۱۳۶۶، ص ۱۳۳.

۲- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات تبلیغات، ۱۳۶۶، ص ۳۷۱.

۳- حسن بن ابی الحسن دیلمی، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ هـ. ق، ص ۳۳۹.

وَفِي الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ (۱).

هر فرد باایمان باید از توانایی خویش برای خویشتن، از دنیا برای آخرت، در جوانی قبل از پیری و در زندگی قبل از مردن توشه بگیرد.

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

هَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ عَصَاظِهِ الشَّبَابَ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ (۲).

آیا کسی که اهل خوشی و تن پروری جوانی است، جز ناتوانی و ذلت پیری را انتظار می کشد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۰.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۵۸.

معنویت جوان

معنویت جوان

توجه به امور معنوی، از مسائل مهم دوران جوانی است. به گفته روان شناسان، هر انسانی چهار حس دارد: اول، حس کنجکاوی که پدیدآورنده دانش های بشری است؛ دوم، حس نیکی که پدیدآورنده اخلاق و تکیه گاه انسان در کارهای نیک است؛ سوم، حس زیبایی که پدید آورنده هنر و سبب تجلی انواع زیبایی است و چهارم، حس مذهبی است. از نظر روان شناسان، زمان شکوفایی این حس در جوانان از شانزده سالگی است. از نظر استانلی، این موضوع را می توان صورتی فشرده از شخصیت جوان دانست. این احساس، به جوان که تحت تأثیر نیروهای گوناگون قرار می گیرد، اجازه می دهد علت نهایی خود را در وجود خدا بیابد. (۱) اهتمام جوانان به معنویت و به کار گرفتن حسی مذهبی، گاه بسیاری از مشکلات پدید آمده و ترس از آینده را برطرف می سازد. شخصی که به ایمان و معنویت در زندگی اهمیت می دهد، همانند کسی است که در پرتو پشتیبانی های نیرومندی، در پیمودن راه های پرپیچ و خم زندگی از او یاری می طلبد. بی شک، چنین افرادی کوشاتر و موفق تر از کسانی هستند که به امور معنوی توجهی نمی کنند. پرداختن به امور معنوی همچون نماز، روزه، توسل به اهل بیت علیهم السلام و تلاوت قرآن کریم، آرامش خاطری به انسان می بخشد که هیچ گاه از امور مادی چنین آرامشی برای انسان انتظار نمی رود. از سوی دیگر، ارج نهادن و عمل کردن به امور معنوی و عبادی، چنان محبوبیتی به انسان می دهد که هرگز احساس بی کسی و تنهایی یا خواری در نگاه مردم نداشته باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. (مریم: ۹۶)

همانا آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند آنها را (در نظر مردم) محبوب می سازد.

همچنین کسی که به امور معنوی پای بند است، می داند که همه لذت ها و ناگواری های دنیوی به دست خداوند است و اوست که جهان را برای رشد و کمال انسان آفریده است. پس هرگز در راه رسیدن به هدفش از سختی ها و گرفتاری ها هراسی ندارد و اگر در راه کمال و سعادت با موانعی روبه رو شود، با شجاعت تمام با آنها مبارزه می کند.

خداوند، متوکلین، مقسطین و مطهرین را دوست می دارد، رحمانیت و لطف خود را به بندگان نشان می دهد. در این میان، خداوند خود می گوید که جوانان را به سبب جوانی شان دوست دارد و به آنان احترام می گذارد.

دوستی جوان با خدا

دوستی جوان با خدا

اوج بندگی و طاعت، در دوستی با خداست؛ ویژگی برجسته ای که مقربان الهی در پی آن بودند و همواره آن را درخواست می کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آرزو و دعای حضرت داود علیه السلام حکایت می کند که چنین می فرمود:

خداوندا! من از تو، دوستی تو را و دوستی کسی که تو را دوست دارد و کاری که مرا به دوستی تو می رساند، می خواهم. خداوندا! دوستی خودت را برای من از وجودم، خانواده ام و از آب خنک، محبوب تر قرار ده. (۱)

باب دوستی اگر گشوده شد، دوسویه خواهد بود و نتیجه دوستی، دیدار خدا خواهد بود که خدا دیدار او را نیز دوست خواهد داشت. این نکته، در گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز نهفته است. ایشان می فرماید:

چون بنده ای دیدار مرا دوست بدارد، دیدارش را دوست می دارم؛ اگر در خلوت یادم کند، در خلوت یادش می کنم و چون در میان گروهی یادم کند، در میان گروهی بهتر یادش می کنم و چون یک وجب نزدیک تر شود، یک ذراع به او نزدیک می شوم و چون یک ذراع به من نزدیک شود، یک باع (به اندازه دو بازوی انسان) به او نزدیک می شوم. (۲)

البته میزان و اندازه دوستی خدا نیز در گرو عمق و چگونگی ارتباط آدمی با خداست:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَغْلَمَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَغْلَمْ مَا لِلَّهِ عِنْدَهُ. (۳)

۱- سید محمد تقی حکیم، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۶۴۴.

۲- سید محمد تقی حکیم، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۳.

۳- احمد بن محمد بن برقی، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۵۲.

هر که دوست دارد بداند نزد خدا چه مقدار محبوبیت دارد، باید بداند خدا نزد او چه مقدار محبوب است.

جوان هر اندازه در دوستی با پروردگار استوار باشد و بداند محبوب حقیقی که می تواند به درستی به او امید ببندد و نشانه دوستی خدا را بندگی و طاعت او قرار دهد، شیرازه این پیوند قرار دهد، خداوند نیز او را در دایره محبوبان خود و کسانی قرار می دهد که پیامبر راستین بدان ها مژده داده اند:

پروردگار مهربان، نشانه دوستی و رسم محبت با خود را چنین بیان می کند: کسی که محبوبی را دوست می دارد، قولش را تصدیق می کند. کسی که به محبوبی رضایت می دهد، به فعلش راضی و خشنود است. کسی که به محبوبی اعتماد و علاقه پیدا می کند، در رسیدن به او می کوشد. (۱)

البته نشانه دوستی و محبت، یاد محبوب است؛ چنان که حضرت محمد صلی الله علیه و آله، آن عاشق راستین خداوند می فرماید: «عَلَاقَةُ حُبِّ اللَّهِ تَعَالَى حُبُّ ذِكْرِ اللَّهِ؛ نشانه دوستی خدای متعالی، دوست داشتن ذکر و یاد خداست». (۲)

اگر یاد خدا فزونی یابد و در مسیر او گام برداشته شود، محبت خدا را در پی خواهد داشت.

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲.

۲- بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۵۲.

انس جوان با خدا

انس جوان با خدا

روزها و دوران جوانی، بهترین فرصت است تا جوان، خود را از هر ناپاکی، صاف و پیراسته سازد و از زندگی معنوی بهره برد. این پالایش هرگز ممکن نیست، مگر آنکه دوستی با خدا را غنیمت شمارد و پیوند خویش را با معبود محکم سازد. یکی از راه های مؤثر در این پاک سازی، انس با خداست. پای بندی به نمازهای روزانه، به ویژه به جای آوردن آن در اول وقت، خواندن نمازهای مستحبی همانند نماز شب، دعا و نیایش و مناجات با معبود، نشانه های خوبی از انس با خدا هستند. جوانانی که از راه عبادت و اهتمام به بندگی خدا، انس خود را با معبود یگانه مستحکم می سازند، در روز قیامت در سایه عرش الهی قرار خواهند گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

سَبَعَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ؛ ... شَابٌ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

هفت دسته اند که در سایه عرش خداوند هستند، روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست. ... جوانی که بر عبادت پروردگار، تربیت یافته و بزرگ شده است.

همچنین آن بزرگوار می فرماید:

مَا مِنْ شَابٍّ يَدْعُ لِلَّهِ الدُّنْيَا وَ لَهْوَهَا وَ أَهْرَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صِدِّيقًا. (۲)

هر جوانی که دنیا و سرگرمی های بیهوده آن را برای خدا رها کند و جوانی خود را در راه اطاعت و بندگی او به پایان برساند، خداوند پاداش ۷۲ صدیق را به او کرامت می کند.

۱- بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۱.

۲- محمد بن حسن طوسی، امالی، قم، دارالثقافه، ص ۵۳۵.

بهره مندی جوان از قرآن

بهره مندی جوان از قرآن

پیشوایان معصوم علیهم السلام هم همه مردم، به ویژه جوانان را به تلاوت قرآن کریم و انس گرفتن با آن فرا خوانده اند تا از معارف ناب و انسان ساز این کتاب آسمانی، بهره روزافزون ببرند. جوان هر چه به روح قرآن نزدیک شود، صفا و معنویت در او جلوه گر خواهد شد و به همان نسبت، از انحراف های اخلاقی به دور خواهد بود.

شگفت آور است؛ برخی جوانان آن قدر با قرآن بیگانه اند که حتی از عهده روخوانی آن نیز بر نمی آیند. جوانان باید به قرآن اهمیت دهند و آن را بهترین مونس خود بدانند. امام زین العابدین علیه السلام درباره قرآن، این بهترین مونس جوانان فرمود: «اگر همه اهل مشرق و مغرب از دنیا بروند، هرگز از تنهایی وحشت نمی کنم، هنگامی که قرآن همراه من باشد»^(۱).

به راستی که قرآن، سرمایه ای جاودانه است که هرگز از بین رفتنی نیست و بنا به گفته امامان: «کسی که از رهنمودهای قرآن استفاده می کند، زبینه نیست دیگری را از خود دارتر بدانند، اگرچه مالک همه دنیا باشد»^(۲). امام صادق علیه السلام در کلامی گهربار می فرماید:

هر که در حال جوانی قرآن بخواند و با ایمان هم باشد، قرآن با گوشت و خونس بیامیزد و خدای بلندمرتبه، او را با فرشتگان پیام برنده و نیک رفتار رفیق کند و قرآن برای او در روز قیامت، پرده و مانعی از آتش باشد و گوید: پروردگارا! هر کارگری به مزد خویشتن رسیده، جز کارگر من. پس گرامی ترین عطاهای خود را به او برسان. پس خدای عزیز و جبار دو جامه از جامه های بهشتی به او بپوشاند و بر سرش تاج کرامت نهد. سپس به قرآن گفته شود: آیا ما تو را درباره این شخص خشنود کردیم؟ قرآن گوید: بار پروردگارا! من برتر از این را درباره او میل داشتم. پس امان نامه از دوزخ را به

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۲.

دست راستش دهند و فرمان جاویدان ماندن در بهشت را در دست چپش گذارند و وارد بهشت شود. سپس به او گفته شود: قرآن را بخوان و یک درجه بالا برو. آن گاه به قرآن گویند: آیا آنچه تو خواستی، به او رسانیدیم و تو را خشنود کردیم؟ گوید: آری. حضرت فرمود: هر کس قرآن را بسیار بخواند و با اینکه حفظ آن بر او دشوار است، آن را به ذهن خویش بسپارد، خدای بلندمرتبه دوبار پاداش آن را به او می دهد. (۱)

امام حسن عسکری علیه السلام ذیل آیه «وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ...» می فرماید:

قرآن در روز قیامت می آید و جوانی را که قرآن تلاوت کرده است، با خود می آورد و عرضه می دارد: بارها! این جوان در راه تلاوت من، خود را به زحمت انداخت. حال پاداش او را مرحمت فرما. خداوند می فرماید: رحمت و بهشت جاویدان را بی دریغ در اختیار او می گذارم و با همسران بهشتی خواهد بود و بر اندام والدین او، جامه های بهشتی بپوشانند و تاج کرامت نیز بر سرش نهند که خود از آن همه فضل الهی، تعجب کنان می گوید: خداوند این همه پاداش از چیست؟ خطاب می رسد: برای آن است که شما قرآن را به فرزندانان آموختید و اسلام را به او شناسانید آنان دوستی خاندان رسالت را در قلب او کاشتید. (۲)

پیامبر گرامی اسلام درباره جوانی که جوانی خود را در بندگی خدا بگذراند، می فرماید:

إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ شَابٌّ حَدَّثَ السُّنَّ فِي صُورِهِ حَسَنَةً جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهَ لِلَّهِ وَطَاعَتِهِ ذَلِكَ الَّذِي يُبَاهِي بِهِ الرَّحْمَانُ مَلَائِكَتَهُ يَقُولُ: هَذَا

۱- بحارالانوار، ج ۷، ص ۳۰۵.

۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۹۰.

عَبْدِي حَقًّا. (۱)

دوست داشتنی ترین آفریده ها پیش خداوند متعالی، جوانی زیباروست که جوانی و جمال خویش را برای خدا و در طاعت خداوند قرار دهد.

خدا به چنین جوانی، بر فرشتگان می بالد و می فرماید: به راستی که این جوان، بنده من است.

باباطاهر می گوید:

اگر دل دلبری، دلبر کدامی

اگر دلبر دلی، دل را چه نامی

دل و دلبر به هم آمیخته دیدم

ندانم دل که و دلبر کدامی

روزه داری جوان

روزه داری جوان

پاک شدن از آلودگی ها دو گونه است: گاه بدن و لباس آدمی آلوده می شود که این گونه آلودگی را با آب می توان پاک کرد. گاهی آلودگی ها، روحی و باطنی هستند که با گناه و نافرمانی پدید می آیند و پاک شدن از آن راه های خاصی دارد. یکی از این راه ها، روزه گرفتن است که گناهان را می سوزاند و انسان را از آلودگی ها پاک می سازد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

هر که ماه رمضان را درک کند و روزها را روزه بدارد و پاسی از شب را نیز به نماز بپردازد و زبان خود را نگه دارد و چشم خود را فرو پوشاند و از آزار دیگران پرهیزد، از گناهان خود بیرون می رود، همانند روزی که از مادر متولد شده است. (۱)

بی شک، وقتی جوان روزه دار، حرمت ماه خدا را نگه داشت و فرمان پروردگار را با جان و دل پذیرفت، خدای مهربان، به فرشتگان مأموریت می دهد تا به کمکش بشتابند و برای او دعا و استغفار کنند و در شب قدر از سر شب تا سحرگاه به او سلام دهند. از همه مهم تر اینکه خداوند نزد فرشتگان به چنین بنده ای مباحثات می کند و آنها را برای آمرزش او به شهادت دادن می طلبد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَكَلَّ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ بِالْدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ؛ خداوند، فرشتگان خود را موکل می کند تا برای روزه داران دعا کنند.» (۲) درست است که جوان با روزه داری و امساک، اندکی در رنج و زحمت بدنی می افتد، ولی در مقابل، پاداش بی پایانی از خداوند خواهد گرفت. به فرموده امام باقر علیه السلام:

خداوند فرشتگانی دارد که مأموریت یافته اند تا هر روز برای روزه داران آمرزش بخواهند و در هر شب، هنگام افطار فریاد زنند: بندگان خدا، بشارت

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۷.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۴.

باد شما را که زمان کمی گرسنه ماندید، ولی بدانید که بسیار سیر خواهید شد. در آخرین شب از ماه رمضان ندا می دهد: بندگان خدا، شما را بشارت باد که آمرزیده شدید و توبه تان پذیرفته شد. پس بنگرید که پس از ماه رمضان، عمل را چگونه آغاز می کنید. (۱)

۱- محمد جواد مروجی طبسی، جوان از منظر معصومان علیهم السلام، قم، انتشارات سلسال، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۴۹، به نقل از: فضائل الا شهر الثلاثه، ص ۷۳.

عبادت و جوان

عبادت و جوان

عبادت، از عوامل رشد روحی و معنوی انسان است. عبادت و یاد خدا، آرام بخش و ارتباطی روح افزا برای آدمی است. زیبایی عبادت به این است که انسان با برترین وجود؛ یعنی کمال بی نهایت و سرمنشأ هستی، ارتباط ناب و عمیق برقرار می کند و بی هیچ پرده و حجابی با او سخن می گوید. این موهبت ارزشمند را خداوند، به بندگانش ارزانی داشته و در این میان، به ستارگان تکلیف و اطاعت یعنی جوانان، بهای بیشتری داده است. جوانان از اینکه خداوند با نگاه عظمت و افتخار به عبادت آنان می نگرد، باید به خود بیالند و شکرگزار باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ يَقُولُ: أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي. (۱)

خداوند به جوان عبادت کننده، بر فرشتگانش مباحات و افتخار می کند و می فرماید: «بنده مرا ببینید که شهوت را به خاطر من رها کرده است».

ایشان در کلامی دیگر فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يُفْنِي شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. (۲)

خداوند جوانی را که جوانی اش را در راه اطاعت الهی صرف می کند، دوست دارد.

عبادت، راه رسیدن به کمال است. فردی که در جوانی در این راه قرار می گیرد، راحت تر و خالصانه تر می تواند به مراحل کمالی خویش برسد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است:

فَضَّلُ الشَّابَّ الْعَابِدِ الَّذِي يَعْبُدُ فِي صِبَاهٍ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي يَعْبُدُ بَعْدَ مَا كَبُرَتْ

۱- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۷۳۶ و ۸۰۰.

۲- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۷۳۶ و ۸۰۰.

سُنُّهُ كَفَضْلِ الْمُزْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ. (۱)

برتری جوانی که از کودکی به عبادت مشغول است، بر پیری که پس از بزرگسالی به عبادت می پردازد، مانند برتری پیامبران بر دیگر مردم است.

عبادت هر چند اندک در دوران جوانی، مایه رضایت الهی است. جوان مؤمن جام عبادت را با معرفت و بصیرت سر می کشد و سر بر آستان معبود فرود می آورد و خداوند را عاشقانه می پرستد. امام صادق علیه السلام فرمود:

در عبادت بسیار می کوشیدم، در حالی که جوان بودم. پس پدرم به من گفت: فرزندم! کمتر از آنکه می بینم، بکوش؛ زیرا خداوند هنگامی که بنده ای را دوست دارد، به کمتر از این نیز راضی می شود. (۲)

۱- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۷۶.

۲- کافی، ج ۲، ص ۸۶.

نماز گزاری و جوان

نماز گزاری و جوان

یکی از مهم ترین نیروهای کنترل کننده، نماز و راز و نیاز و اعلام بندگی به درگاه پروردگار است. خداوند در قرآن کریم، آشکارا نماز را عامل بازدارنده انسان از گناه و خطا می داند و می فرماید:

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (عنکبوت: ۴۵)

و نماز را برپا دار که نماز، (انسان را) از زشتی ها و گناه بازمی دارد.

از امام صادق علیه السلام در روایتی می خوانیم:

هر کس دوست دارد بداند نمازش پذیرفته شده یا نه، باید بنگرد که نمازش او را تا چه حد از زشتی ها و بدی ها باز داشته است. پس به همان مقدار از او پذیرفته شده است. (۱)

مولا علی علیه السلام نیز از اثرگذاری نماز این گونه یاد می کند: «نماز، قلعه محکمی در برابر حمله ها و غلبه های شیطان است.» (۲) در شرع مقدس اسلام، نماز عامل رستگاری و بهترین عمل است. قرآن کسانی را هدایت می کند که پرهیزکار باشند و نماز را برپا دارند:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ. (بقره: ۲ و ۳)

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است؛ کسانی که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند.

کوچک شمردن نماز از گناهان بزرگ به شمار می رود و پی آمدهای ناپسند بسیار دارد. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که نمازش را کوچک

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۵.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۷.

می شمارد، از ما نیست.» (۱) و باز می فرماید: «وقتی بنده ای نمازش را کوچک می شمارد، خدای متعالی به فرشتگانش خطاب می کند، آیا بنده مرا نمی بینید، گویا گمان می کند کسی جز من نیازهایش را برآورده می سازد. آیا نمی داند برطرف ساختن نیازش به دست من است؟» (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۴.

۲- کافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

خردورزی و جوان

خردورزی و جوان

عقل، درختی است که میوه اش، اندیشیدن و بیداری است و قوه ای است که خوبی ها را از بدی ها تمیز می دهد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

فَبَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (زمر: ۱۸)

پس ای رسول! تو هم آن بندگان را به لطف و رحمت من بشارت ده؛ بندگانی که چون سخن حق را بشنوند، نیکوتر آن را عمل کنند. آنان کسانی هستند که خدا آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده است و هم آنان به حقیقت، خردمندان عالمند.

بنابراین، عاقلان که عنایت و ارشاد خدا همراهشان است، افرادی هستند که به برکت عقلشان، سخن و عمل خوب را از بد می شناسند. آن گاه خوب را می گیرند و بد را رها می کنند. در قرآن کریم بارها بر عقل و استفاده از آن تأکید و پافشاری شده، به گونه ای که جمله هایی مانند «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، «أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ»، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»، بسیار آمده است. در واقع، با این همه تذکر، همه انسان ها به ویژه نسل جوان را به بهره گیری درست و همیشگی از عقل و فرجام اندیشی در همه لحظه های زندگی فرا می خواند و پی آمدهای شوم نیندیشیدن را برمی شمارد. در معارف روایی نیز عقل، وسیله پرهیز از گناه و دوری جستن از عیب ها و ناراستی ها معرفی شده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْعَاقِلُ مِمَّنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّهَ مِنَ الْغُيُوبِ». (۱)

در مقابل، نداشتن و به کار نبستن عقل، از بالاترین مصیبت ها دانسته شده است؛ چنان که می خوانیم: «لَا مُصِيبَةَ كَعِيْدِمِ الْعَقْلِ». (۲) از این رو، نیروی عقل برای تأمین آینده جوان،

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۵.

دانش اندوزی، حقیقت یابی و حقیقت جویی، عاقبت به خیری و رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی، بسیار مؤثر، بلکه ضرورت است.

دوراندیشی جوان

دوراندیشی جوان

جوانان پیش از پرداختن به هر کار باید درباره آن بیندیشند و ببینند آیا این کار به صلاح آنهاست یا خیر؟ با تکیه بر نیروی خرد می توان در برابر احساسات زیان بار ایستاد و آن را کنترل کرد. برای شکرگزاری از نعمت بزرگی چون عقل، شایسته است به نیکوترین حال از آن بهره گیریم و آن را در مرحله های گوناگون زندگی به کار بندیم. به تعبیر ساده بزرگان اخلاق، عقل، نظیر چراغ اتومبیل، بلکه از آن هم بالاتر، مانند فرمان ماشین است. اگر اتومبیل شما چراغ نداشته باشد، موانع و دست اندازها را بر سر راه خود نمی بینید و دیر یا زود از راه منحرف می شوید و اگر فرمان خراب باشد، یا به درستی از آن استفاده نکنید، همان لحظه های نخست تصادف می کنید. از این رو، تأکید بر آن است که اگر کسی در زندگی، بی فکر پیش رود و عقل و فهم خویش را به کار نیندد، یقین بداند که به زودی آسیب می بیند. به کارگیری عقل و دوراندیشی، به اندازه ای در اسلام اهمیت دارد که از آن به «پیامبر باطن» یاد می شود. حتی موفقیت ظاهری پیامبران نیز در اجرای رسالتشان، به وجود این پیامبر باطن؛ یعنی خرد و شعور بستگی دارد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ؛ دوست هر کس، عقل او و دشمنش، نادانی اوست.»^(۱) حضرت علی علیه السلام نیز در سخن ماندگار می فرماید: «الْعَقْلُ صَدِيقُ مَحْمُودٍ؛ عقل، دوست شایسته و پسندیده ای است.»^(۲) و «الْعَقْلُ مُصْلِحُ كُلِّ امْرِئٍ؛ عقل، مایه اصلاح همه کارهاست.»^(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۰۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸.

حفظ آداب و رسوم اجتماعی

حفظ آداب و رسوم اجتماعی

رعایت و ارزش گذاری به آداب و رسوم اجتماعی، عاملی کنترل کننده برای جوانان است. این آداب و رسوم، در صورتی که به دور از خرافه ها، موهوم ها و گناهان باشد، عاملی مهم و بازدارنده از کج روی و تباهی خواهد بود و باید در سراسر زندگی نسل جوان، از رفتار و گفتار گرفته تا تصمیم و عمل رعایت شود. رعایت سنت ها و آداب و رسوم صحیح و معقول به قشر و طبقه خاصی اختصاص ندارد. در قرآن کریم از زنان خواسته شده است که همانند زن های دوره جاهلیت، خود را در معرض دیدگان همه آرایش نکنند و از سنت غلط آنان پیروی نکنند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و مانند دوره جاهلیت نخستین، آرایش و خودآرایی نکنید.» (احزاب: ۳۳) از این رو، شایسته نیست پسران و دختران جوان لباسی بپوشند که محرک باشد و مایه تحریک شهوت یا انگشت نما شدن میان دیگران شود. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، پس از شکست در تهاجم نظامی، در این مسائل سرمایه گذاری می کنند تا با ترویج فرهنگ غربی و تهی کردن مردم از فرهنگ و رسوم سازنده، ضربه نهایی را به جامعه اسلامی وارد کنند. به بیان دقیق تر، هر چه تعصبات درست مذهبی و ملی ما بیشتر خدشه دار شود یا از بین برود، بدنه فرهنگ، ضربه پذیرتر خواهد شد. یکی از موارد رعایت آداب و رسوم اجتماعی در جامعه اسلامی آن است که جوانان باید در محیط خانه به زیور ادب و حیا آراسته باشند و از به کار بردن واژه های زشت بپرهیزند. آنان باید در برابر پدر و مادر، فروتنی پیشه کنند و در هیچ وضعی، حالت پرخاشگری به خود نگیرند.

احترام جوان به قانون

احترام جوان به قانون

احترام به قانون نیز از جمله عوامل کنترل کننده جوان است. محترم شمردن و رعایت کردن قوانین در هر جامعه ای ضروری است و موفقیت حزب، تشکل، کشور و دینی افراد به پای بندی عضو آن گروه اجتماعی به اجرای قانون بستگی دارد. خداوند در قرآن کریم به نقش حیاتی قانون و اثرگذاری آن در سعادت مردم اشاره می کند و می فرماید که پیامبران خود را همراه با قانون (کتاب و میزان) فرستادیم تا به سبب این دو، عدل و قسط در میان مردم اقامه شود:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید: ۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

اجرای قانون، اگرچه برای بعضی از افراد همچون هرج و مرج طلبان دشوار است، برای جامعه و سلامت افراد آن مفید است و منافع بسیار دارد. جوان نیز نه تنها از اجرای این قانون ها معاف نیست، بلکه به سبب شرایط سنی و دوران حساس جوانی، به منظور حفظ سلامت جسمی و روانی خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند، به اجرای این قوانین نیازمندتر است. او باید به بهترین شیوه و دقیق ترین شکل، به ظاهر شرع و قوانین جاری در خانه و اجتماع، به دیده احترام بنگرد و در اجرای آنها کوشا باشد. بی شک، در صورت قانون شکنی، آسیب های فراوانی به تک تک افراد جامعه وارد می آید و در این میان، جوانان نیز از زیان های هرج و مرج و قانون شکنی در امان نخواهند ماند.

انعطاف پذیری و جوان

انعطاف پذیری و جوان

عامل مهم دیگری که جوان را از انحراف حفظ و سعادت طلبی و حقیقت جویی او را تضمین می کند، نرمی و به عبارت عامیانه، لجوج نبودن و دست برداشتن از سرسختی و لج بازی است. اگر مردم و به ویژه نسل جوان در پی سعادت‌مندی باشند، باید از سرسختی‌ها که در واقع، حق‌کشی و گمراهی و سرانجامش، عذاب و دوزخ است، دست بردارند و در این راه خطرناک قدم نگذارند. با لج بازی، حرف و توصیه هر چند عالی و منطقی گوینده، حتی اگر با جاذبه بیان شود و وعظ و خطابه نیز خیرخواهانه باشد، باز نمی تواند اثرگذاری چندانی داشته باشد.

شاهدیم که حتی کلام قرآن و جاذبه پیامبر گرامی اسلام نیز نتوانست در دل افراد لج باز اثر کند. قرآن کریم با اشاره به همین موضوع می فرماید: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ و از قرآن آنچه شفا و رحمت است، برای مؤمنان نازل می کنیم.» (اسراء: ۸۲) در مقابل، همین قرآنی که شفا و رحمت و نسخه کامل سعادت است، برای افرادی که سرسختی نشان می دهند و دشمنی و لجاجت می ورزند، اثرگذاری معکوس دارد: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ ... و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی رساند.» (اسراء: ۸۲)

پس باید عوامل ایجاد لجاجت را از میان برداشت که یکی از آنها، کبر و خودخواهی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ؛ کسی که ذره ای کبر در قلبش باشد، وارد بهشت نمی شود.» (۱) انسان اگر انعطاف پذیر نباشد، پیامبران با کتاب های آسمانی نیز بر او اثر نمی گذارند. وقتی پای دشمنی و لجاجت به میان می آید، انتظار اثرگذاری کلام آسمانی نیز از بین می رود. بنابراین، در برابر حرف حق باید نرم و پذیرا بود و سرسختی نشان نداد، زیرا نرم نبودن و نپذیرفتن حق و داشتن روحیه لج بازی، جز زیان و سقوط در پرت گاه نیستی، سرانجامی نخواهد داشت.

هویت یابی و جوان

هویت یابی و جوان

هویت هر فرد، نیازمند احساس پایدار و منسجم او از یگانگی خود اوست. در این حال، جوان ارتباط خود را با خدا، طبیعت، جامعه و حتی خویشتن درمی یابد. در مقابل، سرگردانی در هویت، مسئله ای است که جوان نمی داند کیست و چه نقشی در اجتماع دارد، برای چه به دنیا آمده و به کجا خواهد رفت. در این حال، به جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش خود می شود، هماهنگی و تعادل روانی اش به هم می خورد و به بحران هویت کشیده می شود. خطر این بحران، در پایان نوجوانی و آغاز جوانی جدی است و با تردید و شک درباره هدف های بلندمدت، انتخاب شغل، الگوهای دوست یابی، تمایل جنسی و تشخیص مذهبی، با نظام ارزش های اخلاقی و تعهد گروهی روبه رو خواهد شد. بدین تربیت، می توان بحران هویت را جست وجویی برای جهان بینی درست، به منظور راه یابی به هدف های زندگی نامید. در این وضع، جوان به یافتن حقایق جهان هستی و سپس عملکرد مناسب با آن نیازمند است. در واقع، خرد و اندیشه در بنای زیبای زندگی و انسجام و پایداری هویت جوان نقشی اساسی دارد؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عقل را عامل رسیدن به همه خوبی ها می داند و می فرماید:

إِسْتَرَشِدُوا الْعَقْلَ تُرْشِدُوا وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنِدُمُوا. (۱)

از عقل راهنمایی بخواهید تا شما را هدایت کند و از دستور عقل سرپیچی نکنید که سرانجام پشیمان خواهید شد.

دین، به انگیزه جوان در ساختن هویت او پاسخ می دهد؛ زیرا روح آدمی عطشی ذاتی دارد که فقط با پیمودن راه خدا فرو می نشیند. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ الرَّاغِبُ إِلَى اللَّهِ كَالظَّمِ أَنْ يَرِدَ الْمَاءَ؛ كَيْسَتْ كِه شَتَابَانِ وَ بَانَشَاطِ بِه سَوِي خَدَا حَرَكْتِ كَنْد؟ چُونَانِ تَشْنَه كَامِي

که به سوی آب می دود؟» (۱) روی آوردن به دین، فراگیری آن و نیک اندیشیدن در معارف آن، از دستوره‌های همیشگی پیامبر خدا است. آن بزرگوار می فرماید: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ؛ برترین خیر و نیکی خدا بر بندگان آن است که او را در فهم دین دانا کند». (۲)

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه ۱۲۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.

دانش جویی و جوان (۱)

دانش جویی و جوان (۱)

دانش در اسلام، ارج و بهای بسیار دارد و قرآن، دانش و دانش جویی را برتری انسان ها می داند و می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟ آیا کسانی که می دانند، با آنان که نمی دانند، برابرند.» (زمر: ۹) علم، گنجینه، راهنمای زندگی، چراغ عقل، چشمه فضیلت و اساس هر خوبی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ؛ علم، اساس هر خوبی است.» (۱) جوینده علم در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به چنین مرتبه ای رسیده است: «مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَتْ الْجَنَّةُ فِي طَلْبِهِ؛ هر کس در جست و جوی دانش باشد، بهشت در جست و جوی او برمی آید.» (۲) جوانی، بهار دانش جویی است و بستر فراگیری و آموختن در این دوران به قدری مهیاست که حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجْرِ؛ فراگیری دانش در جوانی، به نقشی ماند که بر سنگ ترسیم شده باشد.» (۳)

این سخن امام علی علیه السلام برای دانش جویی جوان، شنیدنی است که می فرماید:

أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَخْدَاتُ الْأَشْيَاءَ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا اِحْتَأَجُوا إِلَيْهَا. (۴)

بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد بگیرند، چیزهایی است که در بزرگ سالی نیازشان خواهد بود و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود بهره گیرند.

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۵.

۲- کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۶۲.

۳- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

جوان با پله های دانش، توان صعود دارد و در غیر این صورت، به تعالی و تکامل نمی رسد. ناصر خسرو چه زیبا می سراید:

ز دانش، زنده مانی جاودانی

ز نادانی نیابی زندگانی

بُود پیدا بر اهل علم، اسرار

ولی پوشیده گشت از چشم اغیار

البته علمی نافع است که با عمل همراه باشد. امام علی علیه السلام نیز به علم همراه با عمل سفارش می کند:

أَلْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ. (۱)

علم با عمل همراه است و آن که آموخت، به کار می بندد و دانش، عمل را فرا می خواند؛ اگر پاسخ داد که خوب و گرنه روی از او بگرداند.

دانش جویی و جوان (۲)

دانش جویی و جوان (۲)

مهم ترین و زیربنایی ترین عنصر تکامل و پیشرفت انسان در هر دوره از زندگی، به ویژه در دوران جوانی، بهره گیری از دانش و به کارگیری اندیشه و خرد است. بنا بر اهمیت آموختن علم در دوره جوانی، افزون بر اینکه رشد و موفقیت جوان و تکامل شخصیت او در آینده تضمین می شود، عامل حفظ دین و ایمان و معرفت الهی او نیز به شمار می رود؛ زیرا جوان بر اثر دانش، به بینش درست دینی می رسد و به سادگی، فریب شیادان فکری و عقیدتی را نمی خورد. امام علی علیه السلام در این باره به جوانان سفارش می کند:

یا مَعْشَرَ الْفِتْيَانِ حَصِّنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِالْأَدَبِ وَ دِينَكُمْ بِالْعِلْمِ. (۱)

ای جوانان! آبرو و شخصیت خود را با حفظ ادب و دین خود را به وسیله دانش نگه دارید.

دانش، زیبایی زندگی و عامل صفای هستی و روح بشر است. دانش جویی برای جوانان، خواسته پیشوایان معصوم علیهم السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيَا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَّطَ، فَإِنْ فَرَّطَ ضَيَّعَ فَإِنْ ضَيَّعَ أَثِمَ وَ إِنْ أَثِمَ سَكَنَ النَّارَ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ. (۲)

دوست ندارم جوانی از شما را ببینم، مگر در یکی از دو حالت: یا دانشمند باشد یا در حال دانش آموختن. اگر به دنبال دانش نرود، کوتاهی کرده و سبب تباهی و نابودی عمر خود شده است و اگر عمر خویش را تباه کند، گناه و عصیان کرده است. در این صورت، سوگند به خدایی که محمد

۱- محمد ابراهیم آیتی، ترجمه تاریخ یعقوبی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، در آتش دوزخ ساکن می شود.

دانش آموختن برای جوانان از این نظر اهمیت دارد که فراگیری دانش در سال های جوانی، دوام و ثبات بیشتری دارد. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجْرِ. (۱)

هر که در جوانی علم و دانش بیاموزد، همانند نقشی بر روی سنگ باقی می ماند.

از آثار دانش آموزی در جوانی می توان از حفظ دین و ایمان، نجات از تباهی و عذاب الهی، دوام آموخته ها، پیشرفت روزافزون و بزرگی و احترام در جامعه نام برد.

هدفمندی جوان

هدفمندی جوان

از جمله عوامل مؤثر در رشد و بالندگی انسان ها، وجود دو عنصر مهم و زیربنایی هدف و برنامه است. بی شک، هر انسانی برای زندگی معنادار خود، هدفی را دنبال می کند و برای رسیدن به آن هدف، برنامه ای را تدارک می بیند. هدف هر چند کوچک و نزدیک، مایه عشق به زندگی و ایجاد معنا و جهت در آن است. بدیهی است هر چه هدف انسان، بزرگ تر و پربهتر باشد، تلاش و فعالیت بیشتر، صبر و تحمل افزون تر و همت بلندتری را می طلبد. بنابراین، برای اینکه جوانان در فعالیت های زندگی دچار ناامیدی و شکست های جبران ناپذیر نشوند، باید در انتخاب هدف، پس از تعیین هدف نهایی که همان رسیدن به خداست، هدف های کوچک و نزدیک تری را برگزینند تا با رسیدن به آنها، امید بیشتر و نیروی تازه تری به دست آورند. هدف در زندگی انسان دو گونه است: هدف مادی برای رسیدن به آسایش نسبی در معیشت دنیوی و هدف معنوی برای رسیدن به سعادت مطلق در معیشت دنیوی و اخروی. هدف مادی، هدفی کوچک تر است که با دورانیشی و حساب گری انسان ها و تلاش و همت آنان دست یافتنی است. با این حال، اهمیت و اثرگذاری فراوانی در زندگی دارد و برای رسیدن به هدف دوم ضروری است. هر انسان و هر جوانی باید در فکر ایجاد زندگی با عزت و آسایش دنیوی باشد و برای رسیدن به این هدف از تلاش و کوشش فروگذار نکند. یکی از معصومین علیهم السلام می فرماید:

مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ (۱)

کسی که در امور دنیوی تنبلی کند، در امور اخروی بیشتر تن پروری و تنبلی خواهد کرد.

در مقابل این هدف، هدفی والاتر و ویژه مقام بی مانند انسان است و آن، دست یابی به

سعادت و کمال جاودان انسانی است. داشتن هدف مقدس دینی برای انسان ها، در راه تعالی روحی و عمل به برنامه های مذهبی که گاه از حد درک انسان ها بالاتر است، نه فضیلت، که ضرورتی اجتناب ناپذیر است. وظایف دینی و فضیلت های اخلاقی، مطمئن ترین راه در رسیدن به سعادت جاودان بشری و آسایش فردی و اجتماعی است؛ زیرا خداوند آگاه و آفریننده انسان با شناخت کافی درباره جنبه های آفرینش آدمی، آنها را تنظیم کرده است.

برنامه زندگی جوان

برنامه زندگی جوان

انسان برای رسیدن به هدف مادی و معنوی اش، به دو برنامه نیاز دارد: یکی، برنامه معاش و دیگری، برنامه معاد که هر دو در پرتو برنامه سعادت قرار دارند. دین، برنامه کامل سعادت است. پس هر دو برنامه به طور کامل با هم در ارتباط دارند و از هم جدایی ناپذیرند. اسلام برای امور مادی نیز حدود و احکامی قرار داده است. در مقابل، آدمی را از پرداختن کامل و انحصاری به امور دنیوی نهی و حتی در مسائل صرف مادی نیز احکام عبادی تعیین کرده است. برای کسی که به منظور تأمین نیازهای خود کسب و کار می کند و بیش از نیاز سالانه خود به دست می آورد، عبادت بزرگ و پر رمز و رازی مانند خمس و زکات قرار داده و به او راه های درست و باطل را نشان داده است. برای نمونه، «ربا» را که پدیده ای ننگین و ضد مصالح اجتماعی است، حرام کرده و معامله کنندگان را از آن باز داشته است. «قرض» را نیز پدیده بسیار پرمصلحت اجتماعی است، عبادت معرفی می کند.

بشر در زمینه شناخت خود و آگاهی از همه جنبه های زیستی و محیطی و درک روح و روحيات پیچیده انسان، ناتوان است؛ زیرا لازمه شناخت دقیق هستی و انسان، احاطه کامل بر آن است. همچنین آدمی هرگز نمی تواند درباره زندگی جاودان و سعادت ابدی اش در سرای پس از مرگ، دانش کامل و جامعی داشته باشد؛ زیرا در قفس زمان اسیر و از آینده بی خبر است. بنابراین، در به دست آوردن برنامه کامل زندگی، به نیرویی فرا بشری نیاز دارد و آن، نیروی الهی و کمال مطلق خداوندی است که هرگز درباره مهم ترین نیاز انسان کوتاهی نکرده است. خداوند، همه پیامبران را برای همین منظور برانگیخت تا بتوانند انسان را به جایی برسانند که کامل ترین دین و نهایی ترین برنامه زندگی را برای نیک بختی دنیا و آخرت دریافت کند. دین اسلام دربردارنده آخرین آموزه های آسمانی و کامل ترین دستورهای الهی است. بی شک، برنامه ای موفق است که در راه رسیدن به هدف والای بشری، جنبه های گوناگون انسان و نیازهای بی شمار او را در نظر گرفته باشد. یکی از دستورهای ارزشمند که از پیشوایان شیعه و هم دوشان وحی

الهی به ما رسیده، گفتار بلند امام رضا علیه السلام است. ایشان در آن می فرماید:

وَاجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ لِلَّهِ لِمَنَاجَاتِهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يُعَرِّفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلْمَدَائِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهِذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ السَّاعَاتِ. (۱)

زندگی شما چهار بخش باشد: بخشی برای مناجات و عبادت و خلوت با خدا (بعد معنوی و حیات الهی انسان)؛ بخشی برای تأمین زندگی (بعد مادی و حیات جسمانی انسان)؛ بخشی برای ارتباط با هم نوعان و کسانی که شما را به عیب هایتان آگاهی دهند و در نهان، به شما خلوص نیت داشته باشند (بعد اجتماعی زندگی و سازندگی مشترک)؛ بخشی را برای لذت ها و تفریح های سالم خود اختصاص دهید و به این وسیله، بر انجام دادن بخش های سه گانه دیگر نیرو بگیرید (بعد روحی – روانی و اوقات فراغت و استراحت).

بنابراین، یک فرد معتقد به ارزش بالای انسانی و دین دار به دین پاک اسلام، هرگز از استفاده بهینه و رو به رشد از عمرش غافل نمی شود و با در نظر گرفتن هدف بلند و برنامه عمیق و دقیق، در پی آرمان های اصیل خود گام برمی دارد؛ آرمان هایی که در فطرت ثابت انسان ریشه دارد.

نظم جوان

نظم جوان

وجود نظم در زندگی جوان، یکی از مسائل بسیار مهم است و موفقیت او در آینده تحصیلی، مرهون رعایت کامل نظم و ترتیب در زندگی است. انسان در سایه نظم، بهتر می‌داند که چگونه زندگی کند و چه طور از اوقات فراغت خود به گونه‌ای شایسته بهره‌برد. نظم در زندگی، دامنه‌ای گسترده دارد و همه مسائل زندگی، همچون لباس پوشیدن، نظافت کردن، خوردن، خوابیدن، مسواک زدن، رفتار با دوستان، چیدن وسایل نوشت افزار و فراگیری معلومات را در بر می‌گیرد. جوان باید زمان خواب و بیداری، مطالعه و تفریح و ورزش خود را تعیین کند. قوای ذهنی و عقلی جوان، در سایه نظم، ترتیب منطقی می‌یابد و سبب موفقیت‌های وی خواهد شد. بر اثر نظم، زندگی قاعده‌می‌پذیرد، مشکلات سریع‌تر حل می‌شود و جوان از آشفتگی در کارها رهایی می‌یابد. هدف اصلی نظم در زندگی، بهره‌گیری و صرفه‌جویی در وقت و داشتن ضابطه و معیار حساب شده برای اندوختن دانسته‌ها در ذهن است.

رعایت نظم و ترتیب در زندگی، از نظر روانی سبب می‌شود که جوان، حتی هنگام فراگیری دانش، یافته‌ها و دارایی علم خود را قاعده‌مند و منظم به ذهن بسپارد. به سبب رعایت کردن نظم، افکار جوانان شکل می‌گیرد و زمینه نوآوری و آفرینش‌های هنری، علمی و فرهنگی در آنها فراهم می‌شود. در مقابل، بی‌نظمی در جسم و جان آثار ناگواری به جا می‌گذارد. معمولاً افراد بی‌نظم، در زندگی عصبانی‌اند و رفتارشان غیرعادی و نامتعادل است؛ زیرا بی‌نظمی در واکنش‌های روحی و اخلاقی آنان اثرگذاری مستقیم و متقابل دارد و سبب تضعیف اراده و زمینه‌ساز پی‌آمدهای ناگوار و ناکامی‌های فراوان در تحصیل آنان می‌شود. بی‌نظمی، سبب هدر رفتن وقت، تباه شدن عمر، داشتن احساس ناراحتی و ایجاد روحیه شک و تردید می‌گردد. از این رو، مولا علی علیه السلام در آخرین لحظه‌های حیات خود می‌فرماید:

أَوْصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَاٰهْلِی وَاَمِّنْ بَلَّغُهُ كِتَابِی بِتَقْوَى اللّٰهِ وَ نَظْمِ اَمْرِكُمْ. (۱)

شما و همه فرزندان و خانواده ام و همه کسانی که سخن من به آنان می رسد، به رعایت تقوا و نظم در کارها سفارش می کنم.

تقویت نیروی خرد

تقویت نیروی خرد

نیروی عقل و اندیشه، از عناصر مهم و عوامل محوری رشد و تعالی بشر است که در مورد جوانان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا آنان برای موفقیت آینده و شناخت عوامل پیش برنده، به بهره‌مندی از این موهبت الهی نیاز فراوان دارند. جوانان، تحت تأثیر دگرگونی‌های جسمی و روحی شدید، به طور طبیعی از نیروی عقل و اندیشه خود به خوبی استفاده نمی‌کنند. بدین ترتیب، غرور جوانی، کامل نشدن قوه تعقل و در محاصره قرار گرفتن میان گزینه‌های گوناگون، توانایی عقل را کاهش می‌دهد. بنابراین، همان‌گونه که جوانان در بُعد جسمی در پی تقویت جسم و آموزش فنون رزمی و انواع ورزش‌ها می‌کوشند، باید با پذیرش این واقعیت که در بُعد روحی و معنوی نیز به آموزش و تقویت نیروی فکر و اندیشه نیازمندند، با استفاده از دانش و تجربه، زمینه رشد و شکوفایی عقل خود را فراهم آورند. تجربه، عامل اساسی در تقویت عقل است؛ به گونه‌ای که روایت می‌شود: «الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ؛ بهره‌گیری از سرگذشت دیگران و پی‌بردن به عامل افت و خیز انسان‌ها، بالاترین توشه راه پیشرفت و تقویت تجربه است.» به فرموده امام علی علیه السلام: «کسی که از سرگذشت دیگران عبرت نگیرد، هیچ پشتیبانی برای خود نمی‌گیرد» (۱).

جوانان می‌توانند با بهره‌گیری از پیش‌آمدهای ریز زندگی، بیشترین تجربه اندوزی‌ها را داشته باشند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّجَارِبُ لَا تَنْفُضِي وَ الْعَاقِلُ مِنْهَا فِي زِيَادَةٍ؛ تجربه‌های آدمی پایان ندارد و عاقل از آنها در زیاد کردن عقل بهره می‌گیرد» (۲) در کنار تجربه، استفاده همیشگی و پیوسته از نیروی اندیشه، عامل رشد فکری و روشنی عقل است. امام علی

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۳.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۴.

علیه السلام می فرماید: «بَبَّه بِالْفِكْرِ قَلْبَكَ؛ به وسیله نیروی فکر، عقل و قلب خود را بیدار کن.»^(۱) در همین زمینه، امام صادق علیه السلام می فرماید: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ؛ مطالعه و اندیشه زیاد در دانش، مایه شکوفایی عقل می شود.»^(۲) بنابراین، هر که خواهان تقویت نیروی عقل است، باید از مطالعه و تفکر در مسائل علمی غفلت نرزد. همچنین از دانش و اندیشه دیگران بهره مند شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْعُلَمَاءِ.^(۳)

بر هر فرد عاقل سزاوار است که به نظر خود، نظر دیگران را هم بیفزاید و از دانش دانشمندان بهره گیرد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۵.

پرسشگری و جوان

پرسشگری و جوان

حس کنجکاوی و جست و جوگری انسان، به ویژه در دوران جوانی، این دریچه را به روی وی می گشاید تا درباره همه موجودات جهان آفرینش بیندیشد و برای نادانسته های خود پاسخ معقول و منطقی بیابد. از این رو، دوست دارد راز آفرینش را بداند، به هدف بعثت انبیای الهی پی ببرد و هزاران پرسش دیگر در این باره برای او حل شود. با این حال، برای رسیدن به گم شده خود، گاه راه درست و مناسب را برمی گزیند و زمانی به بی راهه می رود. دست یابی به هر چیزی، راه ویژه ای و رسیدن به دانش ها و معارف، کلیدی دارد و کلید هر چیز، پرسش است. امام صادق علیه السلام به حمran بن أعین می فرماید: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ إِذْنَهُمْ لَا يَسْتَمْلُونَ؛ علت هلاکت مردم آن است که نمی پرسند.»^(۱) در روایتی دیگر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است: «علم، قفل دارد و کلید آن، پرسش است.»^(۲) فردای قیامت، خداوند به بنده ای که به فرمان هایش عمل نمی کرده است، می گوید: «آیا می دانستی؟ اگر گفت: آری، به او می گوید: چرا به علمت عمل نکردی؟ و اگر گفت: نمی دانستم و نادان بودم، ندا می رسد: چرا یاد نگرفتی تا به آنها عمل کنی.»^(۳)

تنها راه رسیدن به عمل، دانستن است و کلید دانستن نیز پرسشگری است. برخی از جوانان دوست دارند به مسائل مذهبی و غیر آن آگاهی یابند، ولی شرم و حیا را مانع پرسشگری می دانند. البته حجب و حیا در جای خود بسیار لازم است، ولی نه به بهای

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۰.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۸۵؛ کافی، ج ۱، ص ۴۰.

۳- مفید، امالی، ص ۲۲۷.

نادانی فرد. این حیا، حیایی ناپسند و زیان آور است. در نتیجه، هرگاه جوانان به معرفت و آگاهی نیاز یافتند، باید با کنار گذاشتن این نوع از حیا بپرسند تا دانا و در پی آن عامل شوند و به سعادت برسند. امیر مؤمنان علی علیه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردم را به پرسشگری فرا می خواند. ایشان در بالای منبر فرمود: از من بپرسید، پیش از آنکه مرا نیابید و فرمود:

سَلُونِي عَنْ طُرُقِ السَّمَوَاتِ فَإِنِّي أَعْرِفُ بِهَا مِنْ طُرُقِ الْأَرْضِ. (۱)

از من درباره راه های آسمان ها بپرسید که آنها را از راه های زمین بیشتر می شناسم.

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دارالکتاب، ۱۴۰۱ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۳۰.

آشنایی جوان با آموزه های دینی

آشنایی جوان با آموزه های دینی

بنا بر جهان بینی الهی اسلام، همه خلقت با هدف سعادت جاودان بشری آفریده شده و دین، برای نشان دادن راه های رسیدن به سعادت و کمال در دنیا و آخرت آمده است. از این رو، دین اسلام برای همه عرصه های زندگی بشر، برنامه و روشی وضع کرده است و برای هر فعل و انفعالی که از انسان سر می زند، دستورهای کلی و جزئی فراوانی ارائه می دهد. دین در عقیده پویای اسلامی، فقط ارتباطی کوتاه مدت با خدا نیست، بلکه عهده دار برنامه حرکت در مسیر سعادت و شیوه زندگی هدفمند است. بر همین اساس، برخی اندیشمندان مبارز درباره سیاست دینی گفته اند: سیاست ما، عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست. دین، عامل حرکت و حیات است. اسلام با توجه کامل به جنبه های روحی بشری، پیش از آغاز سال های جوانی و طغیان غرایز، دستورهای دینی و اخلاقی کارگشا و راه بردی به جوان می دهد. پدر و مادر جوان را برای نظارت و تربیت او مکلف می کند و عوامل تعدیل کننده فطری جوانی را در قالب احکام دینی در نهاد جوان استوار می سازد. در این وضع، جوان دین دار با عقیده ای پاک و استوار و وجدانی آگاه و بیدار در برابر غریزه های طغیانی می ایستد. از آن جا که جوانان در هر زمان در معرض توفان باورهای خرافی و انحرافی شیاطین هستند، رهنمودهای مؤکدی داده شده است تا در وهله نخست، جوانان در امر دینی و احکام الهی آگهی یابند و سپس با مظاهر مذهبی و آموزه های دینی به آمیختگی روحی برسند. از این رهگذر، طمع دشمنان بر ایشان کارگر نیفتد و نیز بتوانند با بینش و دانش، از دین خود دفاع کنند. امام باقر علیه السلام درباره اهمیت آموزش دینی جوانان می فرماید:

لَوْ أُتِيَ شَابٌّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَأَوْجَعْتُهُ. (۱)

اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد بیاورند که به دنبال بینش دینی نباشد، او را

مجازات می کنم.

امام صادق علیه السلام نیز درباره آمیختگی روحی جوان با آموزه های دینی و ندای وحی الهی می فرماید:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابُّ مُؤْمِنٍ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ. (۱)

کسی که در دوران جوانی قرآن بخواند و ایمان داشته باشد، قرآن با گوشت و خونس در می آمیزد.

۱- حسن بن ابی الحسن دیلمی، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ. ق، ص ۱۰۱.

مسئولیت جوان در برابر تن درستی خود

مسئولیت جوان در برابر تن درستی خود

از جمله مسئولیت های آدمی، مراقبت کامل از بدن و پیکره مادی است؛ جسمی که از نظر اسلام، حامل پرتویی از روح الهی و بالاترین و ارزنده ترین چیزهاست. جسم برای روح، چونان مرکب و نردبانی است که رشد و تعالی بدون آن امکان ندارد. جسم، نیازمند رسیدگی و رفع خواسته هایش از جمله خواب، خوراک و استراحت است؛ البته به حد متعارف و به دور از هر گونه افراط و تفریط. حال اگر مراقبت از جسم، زیاده از حد صورت گیرد، هم روح و هم جسم، تنبل می شوند و از عهده هیچ مسئولیتی برنمی آیند. قرآن کریم درباره افراد بی مسئولیتی که در زندگی خود اسراف روا می دارند و به عیاشی روی آورده اند، می فرماید:

وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ وَ ظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ. (واقع: ۴۱ - ۴۶)

و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی، آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند و در سایه دودهای متراکم و آتش زاء، سایه ای که نه خنک است و نه آرام بخش. آنها پیش از این، (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند.

مسئله دیگر، نشاط بخشی به جسم است. اگر غم و غصه، آشوب خاطر، دلهره و نگرانی برای جوان پیش آمد و احساسات او را جریحه دار کرد و به ضعف اعصاب او انجامید، طبیعی است که چنین جوانی نمی تواند مؤثر باشد. امروزه پزشکان معتقدند بیشتر دردها زائیده غم و غصه، نگرانی و هراس روحی است که در رأس همه آنها ضعف اعصاب است. وقتی جسم بیمار شد، روح را نیز بیمار می کند. از این رو، جوان باید برای رسیدن نشاط و آرامش، جسمی سالم و شاداب داشته باشد. در قرآن کریم، ذکر گفتن و یاد خداوند، مایه آرامش و اطمینان قلب انسان ها دانسته شده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد». (رعد: ۲۸)

جوان باید به زندگی با دید مثبت بنگرد و بی تابى نکند و زبان ناشکری نداشته باشد. اگر همه ثروت های دنیا را بدهند، ولی سلامت جسمانی را از او بگیرند، فایده چندانی برایش نمی تواند داشته باشد.

مسئولیت جوان در امور روحی

مسئولیت جوان در امور روحی

باید بدانیم ما انسان‌ها با مسئولیتی به مراتب سنگین‌تر از مسئولیت جسمی روبه‌رو هستیم و عقل سلیم حکم می‌کند با دقت و شدت مراقب باشیم تا خود، ضربه‌ای به روحمان نزنیم و بکوشیم هر چه بیشتر، خود را به پیامبران و بزرگان الهی شبیه کنیم تا توفیق بیابیم در روز رستاخیز با آنها باشیم و شفاعتشان ما را در برگیرد. بی‌شک، تا تناسب و شباهتی در کار نباشد، بهره‌مندی نیز بی‌معنا خواهد بود. درست همانند شیشه در بسته‌ای که در میان اقیانوسی از آب قرار گیرد و تا وقتی در آن بسته است، کوچک‌ترین نصیبی از اقیانوس نخواهد داشت و هیچ‌گونه اعتراضی نیز به اقیانوس وارد نیست. جوانان باید بدانند که همه افراد بشر، با سرشتی انسانی _ الهی به دنیا می‌آیند، ولی به تدریج در پی قطع ارتباط با خالق و مربی هستی، رفتارها و گفتارهای خلاف شأن آدمی، از آن روحی که زمینه و ظرفیت انسان ملکوتی شدن و رنگ‌خدایی به خود گرفتن داشت، صورتی دیگر ساختند و خود را به هویتی ناپسند برگرداندند. آنها می‌توانستند بیندیشند، ببینند و بشوند، ولی از هیچ کدام از اینها بهره‌نبردند و خود را در حیوانیت غوطه‌ور ساختند؛ چنان‌که گویی برای دوزخ آفریده شده‌اند. خداوند در قرآن کریم، اعتراض کسانی را که در روز قیامت کور محسور شده‌اند، در حالی که در دنیا چشم داشته و بینا بوده‌اند، چنین نقل می‌کند: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا؛ می‌گویند پروردگارا! چرا نابینا محسورم کردی؟ من که بینا بودم.» (طه: ۱۲۵)

سپس در آیه بعد، پاسخ آنها را این‌گونه بیان می‌فرماید:

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى. (طه: ۱۲۶)

می‌فرماید آن‌گونه که نشانه‌های من برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز تو نیز فراموش خواهی شد.

در مقابل، اگر جوانی ارتباطش را با خالق هستی حفظ و امر و نهی‌های او را اجرا کرد و با تقوای الهی مأنوس شد و در خدمت به خلق خدا و خشنودی پیشوایان معصوم علیهم السلام کوشید، روح او هویتی انسانی می‌پذیرد، جلا می‌یابد و به مقام جانشینی خدا

ص: ۵۵

می رسد.

مسئولیت اجتماعی جوان

مسئولیت اجتماعی جوان

جایگاه انسان در جامعه را می توان به سلول های بدن زنده تشبیه کرد که در آن هر کس باید با وظیفه حساس خود آشنا باشد و به آن عمل کند تا به سلامت و پیشرفت جامعه خللی وارد نیاید و سبب مختل شدن کارها و برنامه ها نشود؛ چنان که با سرپیچی کردن یک سلول از وظیفه اش در بدن، سلامت انسان به خطر می افتد و جسم از رشد و شکوفایی باز می ماند. اگر در یک اجتماع، هر کس به مسئولیت و وظیفه خویش آگاهی و تعهد داشته باشد و آن را به بهترین شکل انجام دهد، زمینه رشد فراهم می آید. به راستی، اگر همه وظیفه شناس باشند و پس از شناخت مسئولیت به آن نیز عمل کنند، همه نابسامانی ها سامان می یابد و موانع برطرف می شود.

اگر یک فرد اداری، وظیفه شناس باشد و در کارش وجدان اخلاقی را در نظر بگیرد، به زودی اداره ها اصلاح خواهد شد، کاغذبازی ها، رشوه خواری ها و مسامحه کاری ها از میان خواهد رفت و به دنبال آن، دل خوری ها نیز برطرف خواهد شد. اگر یک کاسب، بازاری و تاجر، وظیفه شناس باشد، یعنی بداند که معنای کسب چیست و انگیزه همتش را خدمت به خلق خدا قرار دهد، گران فروشی نکند، احتکار نکند، غش در معامله نکند و تقلب نداشته باشد، طولی نخواهد کشید که جامعه اصلاح خواهد شد. بنابراین، شناخت وظیفه در نخستین مرحله نقش اساسی دارد. پس اگر کسی شایستگی عهده داری کاری را ندارد و آن را بپذیرد، جامعه را از سعادت منحرف می کند و مایه ناراحتی و رکود آن خواهد شد. با این کار، در حقیقت، وی برای دیگران دردسر و ناراحتی می تراشد. در مقابل، اگر توانایی انجام دادن کاری را دارد، باید آن مسئولیت را بپذیرد و خود را از صحنه کنار نکشد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

لَا يَزُولُ الْعَبْدُ قَدَمَا عَنِ قَدَمٍ حَتَّى يُسْتَلَّ عَنْ شَبَابِهِ فِي مَا أَبْلَاهُ وَعَنْ عُمُرِهِ فِي مَا أَفْنَاهُ. (۱)

هیچ بنده ای در قیامت قدم از قدم بر نمی دارد، مگر اینکه از جوانی او پرسیده می شود که آن را چگونه گذرانده و از عمرش که آن را در چه چیز فنا کرده است.

فضیلت های اخلاقی جوان

فضیلت های اخلاقی جوان

نقش اخلاق در ایجاد زندگی سالم فردی و اجتماعی و فراهم کردن آسایش بشری، زیربنایی و ضروری است. اخلاق، غذای روح انسان است و فرد بی بهره از اخلاق و ارزش های اجتماعی و فردی، فقط زنده است. زندگی انسان و رشد هر فرد، بر پایه میزان درک درست و مقدار آموزش و دریافت اخلاقی اوست. بدین ترتیب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سرآمد فرستادگان الهی بود، راز بعثت خود را کامل کردن ارزش های اخلاقی معرفی می کند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (۱).

از نظر اسلام، شناخت ارزش های اخلاقی، وظیفه ای است که عمل به آن، مایه آرایش معنوی است. از امام علی علیه السلام در این باره چنین روایت شده است: «الْجَهْلُ بِالْفَضَائِلِ مِنْ أَقْبَحِ الرِّذَائِلِ؛ ناآگاهی از ارزش ها و فضیلت های اخلاقی، بدترین فرومایگی هاست.» (۲) اهمیت و ارزش آداب و فضیلت های اخلاقی، در سیره معصومان چنان است که می فرمایند: «اگر انسان فقط دو روز در این جهان وقت داشته باشد، سزاوار است که یک روز آن را در آموزش ادب و اخلاق صرف کند تا در آخرت از آن بهره گیرد.» (۳) ویژگی های نیک اخلاقی، مایه حفظ شخصیت آدمی و پاسخی به فراخور فطرت فضیلت خواه بشر است. در این میان، رعایت ارزش ها در دوران جوانی، اهمیت و جایگاه فراتری دارد و عامل ثبات شخصیت فردی و اجتماعی جوان به شمار می رود. امام علی علیه السلام می فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَانِ حَصِّنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِالْأَدَبِ؛ ای جوانان! شخصیت و آبروی خود را در پرتو آداب و ارزش های اخلاقی

۱- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴، چ ۲، ص ۱۲۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۳.

۳- کافی، ج ۸، ص ۱۳۲.

حفظ کنید» (۱).

سعادت و خوش بختی جوان، در سایه دوری از رذیلت ها و کسب فضیلت ها، امکان پذیر و بلکه دوری از پستی ها، خود، راه گشای رسیدن جوان به نیک بختی است؛ زیرا بر اثر دوری از زشتی ها فطرت و پاکی خود را حفظ کرده است. از امام علی علیه السلام نقل می کنند: «مِنْ سَعَادَةِ الْوَجَدِ أَنْ لَا يَتَمَّ لَهُ فَضِيلَةٌ فِي رَذِيلَةٍ؛ این از سعادت جوان است که هیچ برتری در زشتی ها برای او صورت نگیرد.» (۲) ناگفته نماند که آرامش روحی، شخصیت اجتماعی و رضایت الهی، از جمله آثار بسیار نیک فضیلت های اخلاقی است.

۱- ترجمه تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۳۱.

خوش خلقی

خوش خلقی

خوش خلقی، از مهم ترین و پیش برنده ترین ویژگی های اخلاق پسندیده برای انسان هاست که سعادت فردی و اجتماعی را در پی دارد. حسن خلق برای جوانان نیز از جمله فضیلت های روحی و برتری های انسانی است؛ زیرا منشأ خیر و برکت فراوان در اجتماع می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

وَاعْلَمِي أَنَّ الشَّابَّ الْحَسَنَ الْخُلُقِ مِفْتَاحٌ لِلْخَيْرِ مَغْلَاقٌ لِلشَّرِّ وَأَنَّ الشَّابَّ الشَّيْخَ الْخُلُقِ مَغْلَاقٌ لِلْخَيْرِ مِفْتَاحٌ لِلشَّرِّ. (۱)

بدان که جوان خوش اخلاق، کلید خیر و نیکی و قفل شر و بدی است و جوان بد اخلاق، قفل نیکی و کلید بدی و زشتی است.

در سخن امام صادق علیه السلام، خوش خلقی، مایه خیر و نیکی و فضیلت بزرگ برای جوان خوانده شده است. حسن خلق که از نشانه های ظاهری آن، خوش برخوردی، گشاده رویی، بردباری، گذشت و بزرگواری است، از صفای درون و طبیعت زیبای باطنی و ملکات نفسانی آدمی برمی خیزد که به دو گونه در انسان پایدار می شود: نوعی از آن خدادادی است و بر اثر آموزش رشد می یابد، ولی نوع دوم آن اکتسابی است. خوش خلقی جوانان، نه تنها فضیلت و زینت اخلاقی است، یک ضرورت اجتماعی نیز به شمار می رود. جوان خوش خلق، مایه برکت است و برخورد زیبایی او، بسیاری از تنش های میان افراد را می زداید. چه بسا مشکلی که با برخوردی نیکو حل می شد، با بد خلقی و نادانی یک جوان یا دیگران به گرفتاری های بسیاری انجامیده و همین، بیان کننده آثار زشت و ناخوشایند بد خلقی است. خوش اخلاقی، محبت انسان را در دل های مردم می پرورد و آدمی را به درگاه الهی نزدیک می کند. امام باقر علیه السلام این دو را از آثار حسن خلق و خوش برخوردی خوانده است. آن بزرگوار در حدیثی فرمود: «البِشْرُ

الْحَسَنُ وَ طَلَاقَهُ الْوَجْهَ مَكْسِبَهُ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَهُ مِنَ اللَّهِ ؛ خوش اخلاقی و لبخند به لب داشتن دوستی و نزدیکی به خداست».(۱)
حسن خلق، یک فضیلت ضروری در کمال دین است(۲) و نخستین چیزی است که در میزان عمل قرار می گیرد.(۳) این
فضیلت، عامل زیبایی و آراستگی معنوی جوانان نیز به شمار می آید.

۱- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۶۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۵.

فروتنی

فروتنی

بی شک، فروتنی یکی از ویژگی های ارزشمند اخلاقی است، ولی داشتن این صفت خوب برای جوانان، خوب تر است. از آن جا که جوانان به ویژه پس از دوران بلوغ، در دوران شکوفایی قوای جسمی قرار می گیرند و وضع و شرایط روحی آنان وارد مرحله جدیدی می شود، ممکن است ناخواسته از این صفت پرارزش غفلت کنند. با این حال، باید توجه داشته باشند که فروتنی، در شخصیت اجتماعی جوان نقش اساسی ایفا می کند. ضمن آنکه این صفت الهی، از ویژگی های برجسته اهل بیت علیهم السلام و بزرگان و اولیای الهی است. در روایتی آمده است:

روزی امام هشتم وارد حمام شد. شخصی در حمام بود که آن حضرت را نمی شناخت، گفت: بیا مرا کیسه بکش! امام رفت و به کیسه کشیدن او مشغول شد. در این میان، چند نفر وارد حمام شدند که امام را شناختند. پس جلو رفتند و از امام برای کردار آن مرد عذر خواستند. حضرت به آنان گفت که نگران نباشید و همان طور ادامه داد. تا کیسه کشیدن آن مرد تمام شد. (۱)

جوانان عزیز باید توجه داشته باشند، اگر به دنبال محبوبیت اجتماعی هستند، اگر دوست دارند در نظر خلق خدا عزت و بزرگی بیابند و اگر مایلند هرگز از کسی شکست نخورند، فروتنی را از دست ندهند. مبدا به خاطر غرور و تکبر جوانی، دست به کارهای ناشایست بزنند. مبدا برای فرونشاندن شهوت ها و خواسته های نفسانی خود، در برابر مردم متکبرانه بایستند. کوچک ترین نتیجه این کار، از بین رفتن شخصیت اجتماعی است که برای به دست آوردن دوباره آن، سال ها باید کوشید. مگر نه اینکه در پرتو تواضع، آدمی بزرگی می یابد. در زندگی مقدس اردبیلی آمده است:

در سفری یکی از زوار که وی را نمی شناخت، به او گفت: لباس های مرا نزدیک آب ببر و بشوی و چرک آنها را بگیر. ملا احمد مقدس اردبیلی، این عالم وارسته، بدون آنکه حرفی

بزند، لباس های آن مرد را می گیرد و کنار آب شست و شو می دهد. در این میان، آن مرد ایشان را شناخت و مردم نیز او را توبیخ کردند. مرحوم مقدس اردبیلی فرمود: «چرا او را ملامت می کنید، اتفاقی نیفتاده، حقوق برادران مؤمن بر یکدیگر بیش از اینهاست».^(۱)

۱- رضا مختاری، سیمای فرزنانگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۹۵.

متانت و بخشندگی

متانت و بخشندگی

بهترین جوان، جوانی است که همچون بزرگان، بردبار و متین باشد و مستی جوانی را در بند عقل و تدبیر مهار کند. پیامبر رحمت، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می فرماید:

خَيْرُ شَبَابِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِكُهُولِكُمْ وَ شَرُّ كُهُولِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ شَبَابِكُمْ. (۱)

بهترین جوانانتان، کسانی هستند که خود را مانند بزرگ ترها قرار می دهند و بدترین پیرانتان، کسانی هستند که خود را شبیه جوانان می کنند.

بی شک، از این روایت چنین بر نمی آید که جوان در ویژگی های خاص پیران شبیه آنان شود، بلکه باید بکوشد در وقار، بردباری و دانایی مانند آنان باشد و به شیوه و سیره آنان عمل کند. جوانی که از تجربه و آگاهی پیران بهره می گیرد، همانند پیران، نظر درستی خواهد داشت و در نتیجه، شبیه او تصمیم می گیرد و مانند او دیدگاه های پخته و ارزشمند ارائه می دهد.

از سوی دیگر، سخاوت از آن نظر که رهاننده انسان از بند دنیاطلبی و تثبیت کننده صفای درونی و روحیه نوع گرایی و دگردوستی است، در اخلاق بشری و در گاه خداوندی ارزشمند است. ملا احمد نراقی می نویسد:

ضد صفت بخل، سخاوت است و آن، از ثمره زهد و بی مبالاتی به دنیا و مشهورترین ویژگی های پیغمبران خدا و معروف ترین اخلاق اصفیا و اولیاست. از معالی اخلاق و صاحب آن پسندیده آفاق است؛ چنان که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «مَنْ جَادَ سَادَ؛ هر که جود ورزد، بزرگ شود». (۲)

این فضیلت، در دوران جوانی به قدری نیک و مهم است که جوان با آراستگی به این صفت، حتی اگر گناه کار هم باشد، شامل توجه خداوند می شود و بیشتر از عابد پیری که

۱- حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، مؤسسه دارالحججه، ۱۴۲۱ هـ. ق، ص ۱۱۸.

۲- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا، ص ۲۲۹.

بخل می ورزد، نزد خدا ارج و قرب دارد. در روایت های اهل بیت علیهم السلام می خوانیم:

شَابُ سَخِيٍّ مُرَهَّقٍ فِي الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَيْخِ عَابِدٍ بَخِيلٍ. (۱)

جوان سخاوتمندی که در گناهان فرو رفته، نزد خدا از پیرمرد عابد بخیل محبوب تر است.

تهذیب نفس

تهذیب نفس

جوانی که به قدر و منزلت جوانی آگاه است، هرگز آینده خود را از نظر دور نمی دارد و بسیار می کوشد تا از رهگذر جوانی، توشه های گرانی برای باروری و بالندگی آینده اش بگیرد. از جمله گنج ها و ذخیره های دوران جوانی، خودسازی و اصلاح نفس است که پایه و اساس انسانیت خوانده می شود و تلاش در این زمینه، از سفارش های پیاپی پیشوایان معصوم علیهم السلام بوده است:

لَا تَتْرُكِ الْإِجْتِهَادَ فِي إِصْلَاحِ نَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يُعِينُكَ عَلَيْهَا إِلَّا الْجِدُّ. (۱)

کوشش و تلاش در اصلاح درون و خودسازی را رها نکن؛ زیرا جز تلاش و جدیت، چیزی تو را در برابر نفست یاری نمی کند.

امام علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندش، او را به سعی و اهتمام در دوری از اهل فکر دستور می دهد؛ زیرا هم نشینی با اهل گناه، انسان را به فساد می کشاند. یکی از مؤثرترین عوامل در رشد محیطی و برای شخصیت فرد، گروه هم سالان و محیط دوستان است. امام علی علیه السلام با توجه به این ویژگی تربیتی انسان، به فرزند جوان خود چنین سفارش می کند:

وَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنَ مَيْنَ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. (۲)

به نیکی امر کن تا اهل آن باشی. زشتی و منکر را با دست و زبانت انکار کن، با کوشش و تلاش خود از زشت کاران دوری کن، در راه خدا جهاد کن و هرگز سرزنش عیب جویان و ملامت گران تو را از یاد خدا باز ندارد.

بنابراین، در راه آزادی نفس و نیالودن آن به زشتی ها و تباهی ها باید کوشید؛

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

همان گونه که آدمی برای تأمین نیاز مادی و معاش دنیوی به زحمت می افتد. از نظر اسلام، جوانی مطلوب و محبوب است که در کنار تلاش برای امور مادی زندگی و فراهم کردن نیازهای جسمی، در امور دینی و دانش و اخلاق نیز فعال باشد و مانند پیکری سالم و کامل، در همه اعضا و ابعاد، رشد کند.

امیدواری به آینده

امیدواری به آینده

داشتن امید به آینده در هر برهه ای از زندگی بشر، عامل پویایی، نشاط و پیشرفت بوده است و انسان بدون امید به آینده، نمی تواند، در حیات فردی و اجتماعی گام های تعیین کننده ای بردارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أَلْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا. (۱)

امید و آرزو، برای امت من، رحمت است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری، فرزندش را شیر نمی داد و هیچ فردی، درختی نمی کاشت.

این عامل مهم، در دوره جوانی برای حفظ روحیه رشد و تعالی، بسیار مؤثر است؛ زیرا جوان بر اثر کمبود تجربه و دانش، با روی آوردن اندکی از ناگواری های روزگار، تاریکی وحشتناک ناامیدی بر او چیره می شود و توان حرکت را از او می گیرد؛ به گونه ای که جوان هرگز نمی تواند به آینده اش نیک بیندیشد. از این رو، یا باید روح خود را تقویت کرده باشد یا اطرافیان آگاه و دل سوز او را یاری کنند و روشنایی آینده را به او بنمایانند. جوانان باید از راهنمایی های دل سوزانه آگاهان بهره گیرند و امیدشان به آینده را تقویت کنند تا در راه رشد، استوار گام بردارند. امام سجاد علیه السلام هرگاه به جوانان دانش جو برخورد می کرد، آنان را به پیمودن راه خوبی که برگزیده بودند، تشویق می کرد و امید می داد:

كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَنْظَرَ إِلَى الشَّبَابِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ أَدْنَاهُمْ إِلَيْهِ وَقَالَ: مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ وَدَائِعِ الْعِلْمِ وَ يُوشِكُ إِذْ أَنْتُمْ صِغَارٌ قَوْمٌ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ آخِرِينَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَلْيَضَعْهُ فِي

امام سجاد علیہ السلام هنگامی که با دانشجویان و طالبان علم برخورد می کرد، آنان را نزد خود فرا می خواند و می فرمود: آفرین بر شما! امانت های دانش هستید و اکنون که فرزندان کوچک اجتماعید، به زودی، بزرگان اجتماع دیگر خواهید بود. پس دانش بیاموزید و هر کدامتان نمی تواند حفظ کند، بنویسد و در خانه نگه دارد.

خودشناسی

خودشناسی

مسئله شناخت و آگاهی از خود، از وظایف نخستین و ریشه‌ای در رسیدن به رشد و تعالی آدمی است. انسان تا زمانی که خود و ارزش واقعی خود را نشناسد، توانایی‌ها و ویژگی‌های ذاتی خود را نیابد، ناتوانی و نیازهای خویش را درک نکند و درباره جایگاه اجتماعی و مقام الهی خود و ارزش ذاتی و اکتسابی خویش غفلت یا جهالت ورزد، در حقیقت جز در چهره انسانی، شباهتی به انسان تکامل یافته ندارد. خودشناسی، لازمه کمال‌شناسی و کمال‌جویی است. به مقام برتر انسانی نمی‌توان دست یافت، مگر اینکه واقعیت‌های نفسانی خود را بشناسیم. نخستین و نزدیک‌ترین واقعیت زندگی، واقعیت «خود» است. در درون واقعیت خود، بزرگ‌ترین واقعیت‌ها و حقیقت‌ها جلوه‌گری می‌کند و آن‌هم، حقیقت شناخت «خداوند» است. درباره اهمیت خودشناسی، همین بس که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ الْمَعْرِفَةُ الْإِنْسَانَ نَفْسَهُ؛ بهترین شناخت و معرفت، آگاهی و شناخت انسان از خود است»^(۱). امام علی علیه السلام در سخنی دیگر فرمود: «هَلَمَّكَ امْرَأٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ کسی که ارزش خویش را ندانسته، تباه شده است»^(۲). برای جوانان، شناخت مرتبه و ارزش والای جوان نزد خدا و اجتماع و آگاهی از اهمیت دوران جوانی، بسیار مهم است. شناخت عیب‌ها و نقص‌های خود، در سازندگی و بهبود وضع انسان‌ها نقش اساسی دارد. در واقع، یکی از عوامل بدبختی انسان‌ها و غرور و گمراهی جوانان، غفلت از عیب‌ها و کمبودهای خویش است. اگر جوانان از توانایی‌ها یا ناتوانی‌های خود آگاه شوند و محدودیت زمان و توان خویش را دریابند، هرگز جوانی خود را به تباهی نمی‌کشانند. شناخت عیب‌های خود، به قدری مهم است که امام علی علیه السلام، بزرگ‌ترین

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹.

خطا را بی خبری از عیب های خویشان می داند و می فرماید: «مِنْ أَشَدِّ عُيُوبِ الْمَرْءِ أَنْ تَخْفَى عَلَيْهِ عُيُوبُهُ؛ بدترین عیب های انسان این است که عیب هایش بر او پوشیده باشد» (۱).

پاک دلی

پاک دلی

جوانان به طور طبیعی، کمتر از بزرگ ترها در تاریکی های روحی و قساوت قلبی غوطه ورنند و بیشترشان دلی روشن، قلبی پاک، روحی روان و فکری جوان دارند. به همین دلیل، زودتر و بیشتر از بزرگ ترها به سوی حق و فضیلت رومی آورند. رقت قلب و پاکی دل، از فضیلت های پرارزش اخلاقی است و وجود این فضیلت در نهاد جوانان، آنان را به خیر و نیکی هدایت می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَصْبَحْتُ قُلُوبُهُمْ. (حدید: ۶)
 أَصْبَحْتُ قُلُوبُهُمْ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرَا وَنَذِيرًا فَوَافَقَنِي الشُّبَّانُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ، ثُمَّ قَرَأَ: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ

درباره جوانان به خیر و نیکی سفارش می کنم؛ زیرا قلب آنان رقیق و مهربان است. خداوند مرا برای بشارت و بیم دادن فرستاد که جوانان با من موافق شدند و پیران به مخالفت پرداختند؛ عمرشان طولانی شد. پس دل هایشان قساوت پیدا کرد.

از آموزه های روایی چنین برمی آید که هر چه انسان از روزهای جوانی فاصله گیرد، قلب او نیز غلیظ و انعطاف ناپذیر می شود که این، دلیل بر لزوم تربیت بهنگام جوانان است. نرمی و زلالی دل جوان، مایه هدایت اوست. جوانان باید بکوشند این حالت را برای همیشه حفظ کنند؛ زیرا رقت و مهربانی، همواره مایه عفو و گذشت، تعالی و تربیت، گرایش به حق و حقیقت و در نتیجه، مایه سازندگی اجتماع خواهد بود. وجود این ویژگی، منشأ صفا، صمیمیت و عشق است و هرگز نباید چنین روحیه پرارزشی را به قیمتی ناچیز و با بی توجهی از دست داد. محیط سالم خانه، مدرسه و جامعه، هر یک

به نوعی در ایجاد و تقویت این روحیه مؤثر است. از سوی دیگر، وجود این روحیه میان افراد جامعه، در حفظ محیط سالم، اثر بسزایی دارد. پاک‌ی دل، کلید رهایی از زنجیرهای سیاه نفس و گمراهی است. اسلام با برنامه‌های دقیق و روشنگر اخلاقی، در پی حفظ این نیروی پاک و زلال در دل و جان جوانان است. (۱)

۱- محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر فرهنگ، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۸، به نقل از: شباب قریش، ص ۱.

فضیلت خواهی

فضیلت خواهی

جوانان بر اساس فطرت پاک انسانی، به ندای حق و فضیلت های اخلاقی گرایش دارند و خواستار جهانی هستند که حق و فضیلت انسانی در آن حاکم باشد. جوانان تا زمانی که روح پاکشان را به گناهان نیالوده اند، همواره در پی رسیدن به برتری های انسانی اند. ابو جعفر آحول که از یاران امام صادق علیه السلام و مبلغان دین بود، روزی به حضور حضرت مشرف شد. امام از او پرسید: «مردم بصره در امر دین و اهل بیت چه گونه اند؟» گفت: تعداد کمی تمایل نشان داده اند. امام صادق علیه السلام فرمود:

عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ. (۱)

به جوانان رو آور و ایشان را تبلیغ کن؛ زیرا ایشان به سوی هر خیر و نیکی بیشتر سرعت می گیرند.

وجود همین ویژگی در جوانان بود که گرویدن تعداد زیادی از جوانان مکه و مدینه به دین مقدس اسلام را در پی داشت؛ به گونه ای که با وجود محدودیت های فراوان و آزار مشرکان، حاضر نشدند دست از اسلام بردارند. جوانان مکه، حتی در دوران پیش از ظهور اسلام نیز بر اثر همین غریزه الهی، پیمان «حلف الفضول» را بستند. تاریخ بشر، همواره از توجه جوانان به فضیلت و حقیقت گواهی می دهد. نوجوانان از هر ملت و نژاد به طور فطری خواهان معرفت الهی و سجایای اخلاقی هستند. این خواهش عمیق و طبیعی سبب شده است که دانشمندان، دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعی بنامند و در مباحث روان شناسی جوان، جداگانه درباره آن گفت و گو کنند. (۲)

اگر جوانی از دیدن ناهنجاری ها و بی عدالتی ها لذت می برد یا حتی رنج نمی برد، به یقین، در تربیت و حفظ فطرت وی کوتاهی شده یا هوای مسموم محیط، او را بیمار و

۱- کافی، ج ۸، ص ۹۳.

۲- جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۳۴۲.

فطرتش را بی رمق ساخته است؛ و گرنه، جوانان از هر ملت و نژاد، به طور طبیعی و فطری خواهان معرفت الهی، سجایای اخلاقی، عدالت و فضیلت فراگیر هستند.

دین گرایی

دین گرایی

گرایش فطری جوانان به مذهب، آن قدر شدید است که همه روان شناسان می گویند: «بین بحران تکلیف و جهش های مذهبی، ارتباط انکارناپذیری وجود دارد.»^(۱) در کنار این فطرت و سرشت، آفرینش آدمی بر اساس دین خواهی و خداجویی است که این روح فطرت، به همراه دیگر نیروهای بشری در زمان جوانی رشد می کند و قدرت بیشتری می یابد. بر اساس آموزه های دینی، نوزاد آدمی با زمینه فطری خدانشناسی به دنیا می آید و اثرگذاری محیط است که در مراحل بعد، او را گمراه یا پایدار در راه دین می سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودًا أَوْ نَصْرَانِيَةً. (۲)

هر مولودی بر اساس فطرت خدانشناسی به دنیا می آید، تا اینکه والدینش او را به دین یهودی یا نصرانی (تحریف شده) در می آورند.

جوانان بر اثر آمادگی پذیرش آموزه های دینی، به شهادت تاریخ، پیوسته نخستین گروندگان به پیامبران بودند و این، بهترین آزمایش آنان در عرصه تاریخ به شمار می آید. دلیل این امر، گرایش فطری جوانان به دین است. تقاضای مذهب، یکی از خواهش های فطری بشر است که با فرا رسیدن بلوغ، مانند دیگر خواسته های طبیعی، در نهاد جوانان بیدار می شود و آنان را به مجاهده و کوشش وادار می دارد. جوانان به طور طبیعی، شوق و رغبت فراوانی به درک مسائل مذهبی دارند و گفتارهای دینی را با کمال علاقه مندی و رضای خاطر می شنوند. «موقعی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مکه قیام کرد و دعوت خود را میان مردم آشکار ساخت، شور و هیجان عظیمی در نسل جوان پدید آمد. آنان بنا بر تمایل فطری مذهب گرایی، در اطراف حضرت محمد صلی الله علیه و آله اجتماع کردند و به شدت،

۱- جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲- بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۹.

تحت تأثیر گفتارش قرار گرفتند. این امر، سبب بروز اختلاف ها و درگیری های شدیدی در خانواده ها میان جوانان و سالمندان شد.^(۱)

مصعب، فرستاده پیامبر نیز در مدینه، مشغول تبلیغ دین بود و آنجا نیز جوانان از پیش گامان پذیرش دین اسلام بودند. او هر روز برای تبلیغ به میان مردم می رفت و بیش از همه، جوانان نارس و نوجوانان دعوتش را می پذیرفتند.^(۲)

۱- جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲- محمدعلی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۶۵.

باریک بینی و مشورت

باریک بینی و مشورت

به واسطه تیزبینی و دقیق بودن جوانان، بسیار سفارش شده است که از آنان نظر بخواهید. امام علی علیه السلام می فرماید:

إِذَا أَحْتَجَجْتُ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسِدٌ يَبْدِيهِ بِيَدَايِهِ الشُّبَّانُ؛ فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسِيرٌ حَدْسًا ثُمَّ رُدَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ لِيَسْتَعْقِبُوهُ وَ يُحْسِنُوا الْإِحْتِبَارَ لَهُ فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ. (۱)

هرگاه در مسئله ای محتاج مشورت شدی، آن را به جوانان عرضه کن؛ زیرا آنان با فراست تر و تیزفهم ترند. سپس آن را به نظر پیران و سالخورده ها برسان تا آن را بررسی کنند و به خوبی آن را بسنجند؛ زیرا تجربه پیران، بیشتر است.

در نظرخواهی ها نباید جوانان را کنار گذاشت، بلکه باید از توانایی های ویژه آنها به بهترین شکل بهره گرفت. هوش و دقت نظر برتر جوانان همواره می تواند یاری گر بزرگ ترها در تصمیم گیری ها و گمانه زنی ها باشد. نظرخواهی از جوانان، افزون بر بهره گیری از فکر جوان و ذهن باز آنان، مایه رشد جوان و پی بردن وی به ارزش اجتماعی و فردی خود می شود. البته عنصر هوش و فکر دقیق، در مراحل تصمیم گیری باید با عنصر تجربه در هم آمیزد. تجربه و نظر پیران دنیادیده در انتخاب نظر درست، نقش نهایی و انتخاب کننده را ایفا می کند. این امر به معنای پیوند فکر و تجربه و به عبارت دیگر، پیوند پیر و جوان است. البته در مقام درجه بندی، تجربه پیران ارزش برتر و نمره بالاتری در مقایسه با تیزهوشی جوانان دارد، ولی با این همه، تجربه پیران، بدون فکر جوانان، ناقص است. البته نظرخواهی نهایی از پیران، افزون بر بهره گیری از تجربه ایشان، مایه حفظ حرمت آنان است و نوعی قدردانی از ایشان به شمار می رود.

مبارزه با مشکلات

مبارزه با مشکلات

اگر به دقت بیندیشیم، درمی یابیم هیچ مشکلی وجود ندارد مگر اینکه موفقیتی را نوید می دهد. مشکلات، پله های پیشرفت هستند و کلید حل این مشکلات نیز استقامت و پایداری است. جوانان باید با آگاهی یافتن از برکت های مبارزه با مشکلات، با همه نشاط و توان، به رویارویی با گرفتاری ها برخیزند. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

يُسْتَحَبُّ غَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ. (۱)

شایسته است فرزند در کوچکی، سختی را تحمل کند تا در بزرگی، بردبار شود.

امام علی علیه السلام هم درباره آثار گران بار مشکلات و سختی ها در سازندگی انسان می فرماید:

گویا می شنوم که گوینده ای می گوید: اگر غذای فرزند ابوطالب این است که جز نان جوین نیست، پس باید ناتوان باشد. آگاه باشید که درختان صحرایی سخت ترند و درختان جویبار پوستشان نازک و ناتوان است. درختان صحرایی که به آب باران آبیاری می شوند، آتشی سوزاننده تر تولید می کنند. (۲)

در کنار آثار مثبت ایستادگی در برابر سختی ها، آدمی باید بیاموزد که چگونه با مشکلات روبه رو شود تا سیل خروشان و مخرب آن را کنترل و از این رهگذر، مزرعه جاننش را آبیاری کند. برخی از پی آمدهای راه گشا و ارزشمند مشکلات را می توان چنین برشمرد: بیداری باطنی و آگاهی از جایگاه واقعی انسان و شناخت جهان پیرامون، آزمون عملی و فرصت کسب تجربه های مهم زندگی، پی بردن به نقص ها و آگاهی از توانایی های فردی و اجتماعی خود، به کارگیری اندیشه و عمل در رفع موانع و سختی ها، راه اندازی بسیاری از توانایی های بالقوه در انسان، پی بردن به هشدارهای الهی و بیداری

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

از غفلت ها، احساس نیاز به نیروی برتر الهی و پرداختن به دعا و نزدیکی به خدا. نکته پایانی اینکه بیشتر پیامبران و پیشوایان و مردان بزرگ در سطح بسیار گسترده ای، با انواع مشکلات و مصیبت ها روبه رو بودند و در واقع، مردان بزرگ بدان سبب به بزرگی رسیده اند که بر مشکلات بزرگ، با نیکي و آرامش چیره شده اند.

صبر و پشتکار

صبر و پشتکار

مهم ترین عوامل تداوم بخشی حرکت، پیشرفت و تعالی آدمی، صبر و استقامت و پشتکار انسان است که وجود آن در همه فعالیت های زندگی و در همه موفقیت های بشر، عنصری اصلی و ضروری به شمار می رود. در سیره پیشوایان و آموزه های قرآنی، بر داشتن روحیه صبر و استقامت تأکید بسیار شده است. خداوند در قرآن افزون بر اینکه بارها پیامبر گرامی خود را به صبر و استقامت فرا می خواند، با بیان سفارش لقمان به فرزندش، جوانان را به پایداری دعوت می کند و وصیت گهربار لقمان را برای همه جوانان و فرزندان آدمی هدیه می دهد:

فرزند عزیزم! نماز را به پادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبت هایی که به تو می رسد، شکیبایی داشته باش که این روش، از امور مهم و نشانه همت بلند است. (لقمان: ۱۷)

امام علی علیه السلام نیز در رهنمودهای ارزشمند خود به فرزند جوانش می فرماید:

عَوِّذُ نَفْسِكَ الصَّبْرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ. (۱)

خویشتن را به پایداری و صبر در برابر مشکلات عادت بده و چه خوب است شکیبایی در راه حق!

درباره اهمیت صبر نیز از امام علی علیه السلام می خوانیم:

عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ. (۲)

به صبر و شکیبایی رو کنید که صبر در برابر ایمان، مانند سر برای تن است. نه در تن بی سر، ارزشی هست و نه در ایمان بدون صبر.

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۲.

دوران جوانی که لحظه های ساختن نهایی شخصیت و یافتن جایگاه شایسته فردی و اجتماعی است، بیش از هر زمان دیگر به پایداری و صبر در برابر نارسایی ها و مشکلات نیاز دارد. بی شک، تداوم و پشتکار در تحمل سختی ها، پیوند دهنده کوشش جوانی با موفقیت های آینده و عامل ثمردهی تلاش و فعالیت دوران جوانی است. هرگز نباید با دیدن مشکلات، ناامیدی در جوانان ایجاد شود، بلکه با همه اراده و آگاهی باید در برابر آنها به پا خاست و به امید طلوعی روشن نشست که: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا». (شرح: ۵ و ۶)

کنترل خشم

کنترل خشم

خشم در جوان، حالتی تهاجمی و دفاعی است که هرگاه منافع و مصالح شخصی اش به خطر افتد یا مانعی در رسیدنش به هدف ایجاد شود یا در انجام دادن کاری ناتوان باشد، در او پدیدار می شود. واکنش های خشم در جوان به ویژه در اوایل بلوغ بسیار متفاوت است، در عده ای به صورت سرکشی و سرپیچی و در برخی به صورت داد و فریاد کشیدن و در گروهی دیگر به صورت سکوت همراه با اخم، گوشه گیری و افسردگی نمایان می شود. جوان در همه این حالت ها باید با خون سردی بکوشد تعادل خود را از دست ندهد و پیش از هر عمل یا واکنش، عاقلانه بیندیشد؛ زیرا میدان دادن به غضب، اندک اندک انسان را در زندگی به حساسیت عصبی می کشاند. در این هنگام، عقل رو به ضعف می گراید و زیاده روی در خشم و غضب، شخص را به نوعی جنون دچار می کند و هر عملی را که عقل، مجاز نمی داند، از او صادر می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ؛ غضب، ایمان را فاسد می کند؛ چنان که سرکه، عسل را.» (۱) از امام صادق علیه السلام نیز نقل می کنند که درباره غضب فرمود: «الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ خشم، کلید هر شر و بدی است.» (۲) البته جوان هنگام برخورد با والدین، دوستان و زبردستان باید خشم خود را به خوبی کنترل کند. در مقابل، هنگامی که می بیند حقی ناحق می شود، دیگر نباید دم فروبندد، بلکه در این صورت باید خشم خود را به طور طبیعی و معقول نشان دهد و از حق دفاع کند و در عین حال، از جاده عدالت و اعتدال خارج نشود. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَغْضَبُ لِلدُّنْيَا فَإِذَا أَغْضَبَهُ الْحَقُّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَ

۱- کافی، ج ۳، ص ۳۰۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶.

لَمْ يَقُمْ لِعُضْبِهِ شَيْءٌ حَتَّىٰ يَنْتَصِرُ لَهُ. (۱)

ایشان به خاطر دنیا خشمگین نمی شد، ولی هرگاه پای حق به میان می آمد و حقی ناحق می شد، غضبناک می گردید و کسی را نمی شناخت و آرام و قرار نمی گرفت؛ تا اینکه حق را به حق دار برگرداند و ستم را از ستمدیده برطرف کند.

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۴۰.

درک روحیه جوان

درک روحیه جوان

جوانان از اینکه بزرگ ترها نمی توانند احساسات آنان را درک کنند، ناراضی اند و گاه اعتراض خود را نشان می دهند. رعایت روحیات جوانی و نیازهای روحی و جسمی جوان، وظیفه اطرافیان است. چه بسا سرکوبی یک روحیه سبب شود فرزند عقده ای بار آید و درگیر گرفتاری های شدید روحی شود و در نهایت، به جوانی طغیانی و لجوج تبدیل گردد. از این رو، رعایت و درک کردن روحیات جوانان ضروری است. امام علی علیه السلام وقتی از بازار پارچه فروشان دو لباس خرید، آن را که گران تر و زیباتر بود، به غلام خود داد و فرمود:

تو جوان هستی و شور و نشاط جوانی در توست و من از خدا حیا می کنم که (جوانی تو را رعایت نکنم و) بر تو برتری جویم. (۱)

در این فرمایش، نکته های آموزنده بسیاری وجود دارد: نخست اینکه امام بدون تقاضای غلام جوانش، متوجه وی بود و روحیه او را رعایت کرد؛ زیرا «خَيْرُ الْعَطَاءِ مَا كَانَ عَنْ غَيْرِ طَلَبٍ؛ بهترین بخشش آن است که بی درخواست باشد.» (۲) چنین برخورد کریمانه، در ساختار روحی جوان و ایجاد محبت در وی مؤثر است. دوم اینکه جوانان نیاز به آموزش های عملی دارند. امام به مصداق: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» (۳) به جوانان که پدران آینده اند، راه زندگی و روش برخورد با جوانان را می آموزد. سوم اینکه امام دلیل رفتار خود را نیز بیان می کند. متأسفانه گاه دیده می شود پدران کاری شایسته را با انگیزه ای نیکو برای فرزندان انجام می دهند، ولی از گفتن دلیل آن سر باز می زنند و بدتر

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۸۵.

از آن اینکه بر اثر بی حوصلگی، از پاسخ گویی به پرسش جوانان طفره می روند؛ در حالی که اگر دلیل کارشان را بیان کنند، تشویقی برای فرزند و آموزشی درست برای آنان خواهد بود تا همه کارها را از روی انگیزه و دلیل منطقی و عاطفی انجام دهند، نه از روی احساسات و بی هدف و بدون توجیه شرعی، عقلانی یا عاطفی.

نیکی به جوانان

نیکی به جوانان

احسان و نیکی، به اندازه ای در ایجاد روابط استوار مؤثر است که گفته شده است: «الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ؛ انسان در برابر نیکی و احسان، بنده و اسیر است.» (۱) امام علی علیه السلام می فرماید: «احسان کن تا دیگران را به اطاعت خویش درآوری.» (۲) در میان گروه های جامعه، جوانان بیش از دیگر گروه ها در عرصه اجتماعی، به نیکی و نگاه پرمهر و لطف بزرگ ترها نیاز دارند. بدون توجه و احسان بزرگ ترها، زمینه شکفتن و بالندگی بر جوانان تنگ می شود. بنابراین، باید رفتاری شایسته و سازنده با جوانان داشته باشیم و پیوسته در نظر بگیریم که حساسیت روح و پاکی دل جوان، یکی از زمینه های نیاز آنان به خوبی و احسان است. در همین باره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَوْصِيَكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا؛ درباره جوانان، به شما سفارش می کنم که به ایشان خوبی کنید؛ زیرا قلبی نازک تر و پاک تر دارند.» (۳) امام صادق علیه السلام می فرماید:

پیامبر خدا فرمود: خدا پیامرزد کسی را که فرزندش را در نیکی و نیکوکاری اش یاری کند. راوی از امام پرسید: چگونه؟ امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: آنچه فرزند در توان داشته و انجام داده است، بپذیرد و از آنچه توانایی نداشته است، در گذرد و او را به گناه و معصیت و ندارد و با مدارا و برخورد سنجیده، با او رفتار کند. (۴)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۸۵.

۲- غررالحکم و دررالکلم، فصل دوم، ح ۸.

۳- جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۲، ص ۲۴۸ به نقل از: شباب قریش، ص ۱.

۴- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

رسول الله صلى الله عليه و آله در کلامی دیگر چنین رهنمود می دهد:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَأْدِيبِهِ. (۱)

خداوند رحمت کند بنده ای را که فرزندش را با نیکی و احسان به او، هم خوشدن با او و آموزش علم و ادب، در انجام دادن خوبی ها یاری کند.

رفتار شایسته با جوان

رفتار شایسته با جوان

رفتار نیک و درست پدران، مادران و بزرگان جوانان، مهم ترین محبت و یاری در حق آنان است و این، چیزی فراتر از سلام و کلام و ساخته های لفظی است. سرپرستان امور جوانان باید با فرزندان و جوانان، در عین صداقت و تدبیر و مدارا برخورد کنند و هرگز آنان را بدون در نظر گرفتن مصلحت واقعی شان، به دنبال خواسته نفسانی خود نکشانند. متأسفانه گاه برخی پدران و مادران در برخی موارد مانند شغل، ازدواج، محل تحصیل و محل سکونت، تنها به خواسته های نفسی و عاطفی خود می اندیشند و مصلحت آینده فرزند خویش و حتی نیاز جامعه را از یاد می برند. خوبی و احسان به جوانان، یکی از راه های موفقیت آنان و یاری کردنشان در رسیدن به خوبی هاست. بر اثر نیکي و احسان به جوان، روحیه ای در وی پدیدار می شود که خواست جامعه و خانواده را بر خواست فردی خود مقدم می دارد. این روحیه، هم پی آمد محبت و عشق جوان به خانواده و جامعه و نیز زاینده برخورد شایسته، صداقانه و نیک جامعه و خانواده با جوان است. روحیه گذشت و فداکاری، نیکي، صبر و بردباری و بسیاری از ویژگی های خوب انسانی، همه در خانه شکل می گیرد.

انس و الفت و دم ساز بودن با جوان، یکی دیگر از راه های یاری او در رسیدن به کمال و خوبی هاست. بزرگان هرگز نباید جوان خود را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به گناه و ناهنجاری وادارند. خداوند در قرآن فرموده است: «اگر جوانان شما پاک دامن هستند، آنها را به گناه و ناپاکی وادارید.» (نور: ۳۳) همچنین پذیرش عملکرد ناقص جوان در وظایف واگذار شده، در صورت تلاش او به مقدار توان، یاری گر جوان در موفقیت های بعدی اوست. بنابراین، ناکامی جوان در انجام دادن وظیفه نباید سرزنش شدید دیگران را در پی داشته باشد. نکته پایان اینکه آموزش ادب و اخلاق به جوانان، از وظایف بزرگان آنهاست که راه رشد و کمال را به روی جوانان می گشاید.

چشم پوشی از خطای جوانان

چشم پوشی از خطای جوانان

از آنجا که دوران جوانی، با بحران غریزه ها و هجوم نیروهای مختلف شهوانی به جوان همراه است، بیشتر جوانان بر اثر غلیان احساس و سادگی، دچار گمراهی و اشتباه می شوند. از این رو، نیاز بیشتری به سعه صدر و گذشت بزرگ ترها دارند. برخورد نسنجیده با جوان به ویژه در عرصه اجتماعی، گاه چنان در عمق جان او اثر می کند که برای همیشه از میدان تربیت بیرون می رود. برخورد با جوان خطاکار، ظرافت و دقت ویژه ای می طلبد. در گفتار حکیمانه امام علی علیه السلام آمده است:

إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِنَيْلِ الْإِخْرَاجِ عَلَى الْمُكَابَرَةِ. (۱)

هرگاه جوانی را بازخواست کردی، مقداری از گناهان او را نادیده بگیر تا بازخواست تو، او را به طغیان و لج بازی وادار نکند.

آن حضرت در جای دیگر می فرماید:

لَا تَكُونَنَّ عَيْبَا وَلَا تَطْلُبَنَّ لِكُلِّ زَلَّةٍ عِتَابًا وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عِقَابًا. (۲)

زیاد عیب جو نباش و برای هر لغزشی در پی سرزنش و بازخواست نباش و به دنبال هر گناهی مجازات نکن.

متأسفانه گاه دیده می شود برخی از اولیا، فرزندشان را به شدت آماج سرزنش ها و توهین سخت و پیاپی قرار می دهند، در حالی که سرزنش بیش از اندازه، برخلاف اصول تربیتی است که نه تنها اثر نکوهش را از بین می برد، بلکه سبب لجاجت فرد سرزنش شده می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ؛ زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را برمی انگیزد.» (۳) از ایشان در کلامی دیگر نقل است:

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۸۱۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۲۳.

إِيَّاكَ أَنْ تُكَرِّرَ الْعُتْبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ وَيُهَوِّنُ الْعُتْبَ. (۱)

از تکرار عتاب و سرزنش دوری کن؛ زیرا مایه واداشتن به گناه می شود و نکوهش را بی اثر می کند.

امام سجاد علیه السلام نیز در رهنمودی می فرماید:

كَانَ آخِرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْخِضْرُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: لَا تُعَيِّرُ أَحَدًا بِذَنْبٍ. (۲)

آخرین سفارش حضرت خضر علیه السلام به حضرت موسی بن عمران علیه السلام این بود که فرمود: هیچ کس را به خاطر گناه سرزنش نکن.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۲۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۴.

مدارا با جوان

مدارا با جوان

نرمی و مدارا با دیگران، از رفتارهای بسیار پسندیده اخلاقی است و آثار تربیتی فراوانی دارد. در اسلام، افرون بر اینکه به مدارا با عموم مردم سفارش شده، به رفق و مدارا با جوانان به گونه ویژه ای دستور داده شده است. همچنین یکی از عوامل یاری فرزند در داشتن رفتار نیک و رسیدن به خوبی ها نیز نرمی و کنار آمدن با اوست. امام صادق علیه السلام یکی از روش های نیکی به فرزند را مدارا با او می داند. وقتی از ایشان پرسیده می شود: راه یاری فرزند چیست؟ پاسخ می دهد:

يَقْبَلُ مَيْسُورَةً وَيَتَجَاوَزُ عَنِ مَعْسُورَةٍ وَلَا يُزْهِقُهُ وَلَا يَحْزَنُ بِهِ. (۱)

آنچه در توان فرزند بوده، بپذیرد و از آنچه بر او مشکل بوده است، درگذرد و او را به گناه و اندارد و با او مدارا کند.

مدارا به معنای نرمش و سازگاری با مردم و خوش رویی و تحمل آنهاست؛ تا از هم نشینی با فرد، دل زده و ناراحت نشوند. بنابراین، مدارا یکی از جلوه های صبر انسان است که هدف از آن، حفظ آرامش عمومی و گذشت و ایثار از حقوق شخصی است. حقیقت مدارا، برگزیدن منافع عموم بر منافع شخصی در سایه عقل و عاطفه و بیرون آمدن از تاریکی خودبینی و بهره مند شدن در روشنایی دگرخواهی و نوع دوستی است. برخی از ابزارهای مدارا عبارتند از: دوری از عیب جویی و سرزنش، صبر و تحمل، عفو و گذشت و چشم پوشی بجا و سنجیده که با رعایت مصلحت و درک موارد درست آن باید انجام گیرد. مدارا، نوعی تدبیر در عمل است و تنها کسانی می توانند از این شیوه بهره مند شوند که فردی مدیر و مدبر باشند و رسالت خود را به نیکویی انجام دهند. تربیت جوان نیز بسیار سخت و دقیق است؛ به اندازه ای که امام سجاد علیه السلام در این باره، در یکی از دعاهای خود می فرماید:

۱- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، بی تا، ج ۱، ص ۵۷.

وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ. (۱)

خداوندا! مرا در تربیت و تأدیب و نیکی به فرزندان یاری کن.

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

احسان مشترک با جوان

احسان مشترک با جوان

جوانان، موهبت های الهی جامعه امروز و آینده اند. از این رو، بر افراد جامعه لازم است با جوانان همراه باشند و آنان را از خود بیگانه نپندارند. بدین ترتیب، با آنان همچون فرزندان و برادران خود دل سوزی کنند تا روح لطافت و زندگی در جامعه انسانی حاکم شود و نویدبخش آسایش و بالندگی آینده باشد؛ چون لازمه زندگی اجتماعی سالم، احساس برادری میان افراد جامعه است. امام صادق علیه السلام در رهنمودی گران بار، درباره برادری با جوانان و میان سالان می فرماید:

أَوْصِيكَ أَنْ تَتَّخِذَ صَغِيرَ الْمُسْلِمِينَ وُلْدًا وَ أَوْسَطَهُمْ أَخَا وَ كَبِيرَهُمْ أَبًا فَارْحَمْ وُلْدَكَ وَ صِلْ أَخَاكَ وَ بَرِّ أَبَاكَ. (۱)

سفارش می کنم که خردسالان مسلمانان را فرزند، جوانان و میان سالان را برادر و کهن سالان را پدر خویش بدانید. پس به فرزند خود رحم کن و با برادرت پیوند و هم دلی داشته باش و به پدرت نیکی و خوبی کن.

این دستور دینی درباره جوان آثار و نتایج بسیار مهم اجتماعی را در پی دارد که مهم ترین آنها، ایجاد جوّ نوع دوستی، صفا و صمیمیت، هم دلی و وفاق ملی است. احساس برادری، رمز وحدت و تفاهم اجتماعی است که مردم را به هم نزدیک می کند.

انس و الفت با جوان

انس و الفت با جوان

انس و الفت، حجاب های بی اعتمادی و بیگانگی را پاک می کند و عامل ایجاد رابطه ای گرم و متحد می شود. در چنین وضعی، جوان به راحتی مشکلات و ناراحتی های خود را با اهل خانه در میان می گذارد و با استفاده از تجربه بزرگ ترها، راه درست و منطقی را درمی یابد. آن گاه با آسایش خیال در مسیر جوانی گام برمی دارد. الفت و هم دلی پاک و صادقانه، غذای روح انسان است؛ غذایی که روح، اشتهاى فراوان به آن دارد و هیچ گاه از آن خسته نمی شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالًَ وَإِدْبَارًا فَأَتُوا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ. (۱)

همه دل ها دارای میل ها و گرایش ها و واگرایش هایی هستند. پس پیش از گرایش های آن، بدان رو کنید؛ زیرا اگر به دل اجبار گردد، کور می شود.

شایسته است مریبان و اولیای جوانان، با الفت و هم دلی و همراهی، ارتباط صمیمانه و نزدیک تری با آنان برقرار کنند. در غیر این صورت، محیط خانه برای جوان، همچون قفس و مدرسه و محیط های آموزشی نیز مانند قفسی بزرگ تر خواهد بود. به راستی که انس و الفت، قلب انسان را تسخیر و بر آن حکومت می کند. امام علی علیه السلام می فرماید:

قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّتُهُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ. (۲)

دل های مردم، وحشی است. پس هر که با آنها الفت گیرد، به سوبش روی آورند.

به طور کلی، ذات انسان به گونه ای است که اگر از کسی انس و الفت ببیند، شیفته او می شود و در این میان، جوانان از این طبیعت انسانی بیشتر بهره مندند. در واقع، هر گونه

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

نیکی که با طبیعت افراد سازگاری داشته باشد، جوانان را به سوی نیکی کننده جذب می کند. از آنجا که انس و الفت، رفتاری نیک و هم خوان با روح انسان است، نقشی اثرگذار بر عهده دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَأْدِيبِهِ. (۱)

رحمت الهی شامل بنده ای باشد که فرزندش را با نیکی و احسان به او، هم خوش شدن (انس و الفت) با او و آموزش علم و ادب، بر انجام دادن خوبی ها یاری کند.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹.

نشاط و آراستگی جوانی

نشاط و آراستگی جوانی

جوان سرشار از شور و نشاطی ویژه است؛ به گونه ای که دوست دارد همواره تازه، زیبا و بانشاط در اجتماع دیده شود. البته این امر، واکنش ساده جوان در برابر حس خوددوستی اوست که در برخی از روایت ها با عنوان شَرَّةُ الشَّبَابِ از آنها یاد شده است. امام علی علیه السلام خطاب به قبر، خدمت کار خود پس از هدیه دادن لباس بهتر به وی فرمود:

أَنْتَ شَابٌ وَلَكَ شَرَّةُ الشَّبَابِ وَ أَنَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَتَفَضَّلَ عَلَيْكَ. (۱)

تو جوانی و نشاط جوانی در تو هست و من از خدا حیا می کنم که در این زمینه بر تو برتری جویم.

در اسلام، همراه با رعایت دقیق روحیه زیباخواهی افراد به ویژه جوانان، راه کارهایی برای حفظ جمال جوانی سفارش شده است. به کارگیری رنگ برای مو و استفاده از روغن برای حفظ طراوت چهره و بدن، از نمونه های سفارش شده در اسلام برای آرایش و بهداشت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اخْتَصَّ بُؤَا فَأِنَّهُ يَزِيدُ فِي شَبَابِكُمْ؛ موهای خود را رنگ کنید که جوانی و زیبایی شما را زیادتر می کند.» (۲) البته جوان باید توجه داشته باشد که روحیه نشاط جوانی نباید او را به خودباختگی فرهنگی بکشانند و ظاهر آراسته مذهبی و ملی خود را رها و همچون افراد لابلالی و بی شخصیت جلوه کند. امام علی علیه السلام می فرماید:

قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ. (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۴۳.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

کمر کسی، خود را شبیه گروهی کرده است که از همان گروه نشده باشد.

از این رو، جوانان باید بکوشند خود را مانند افراد باوقار و باشخصیت قرار دهند که همچون افراد فاضل بودن، مایه فضیلت و رسیدن واقعی به اخلاق نیک است و بر اساس همین قاعده کلی و شبیه سازی است که در علم اخلاق به آن، همانندی نام نهاده اند. به راستی کیست که در همه کارها و امور زندگی، برای خود بهترین الگوها را نگزیند.

علاقه مندی جوان به زیبایی و آراستگی

علاقه مندی جوان به زیبایی و آراستگی

عشق به زیبایی، یکی از گرایش های فطری بشر است. جوان دوست دارد هر چه می نگردد، زیبا باشد و یکی از بزرگ ترین ملاک های دل بستگی و شیفتگی به چیزی را زیبایی آن به شمار می آورند. این میل و علاقه، در جوانان به ویژه در دوران بلوغ بیشتر نمود پیدا می کند. جوانان دوست دارند آخرین مد لباس را بپوشند و از زیباترین امکانات ظاهری بهره برند. در اسلام نیز بسیار به زیبایی توجه شده است، به گونه ای که امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِلْسٌ وَ تَجَمُّلٌ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لِيَكُنْ مِنْ حَلَالٍ. (۱)

لباس زیبا بپوش؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، ولی باید از حلال باشد.

ایشان در سخنی دیگر فرمود:

خداوند زیباست و زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و بینوایی و قیافه فقرآلود را ناخوش دارد. هرگاه خداوند به بنده ای نعمتی داد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: چگونه؟ فرمود: لباسی تمیز بپوشد، خود را خوشبو سازد، خانه اش را گچ کاری کند، جلو در حیاط خود را برود؛ حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب خورشید، فقر را می برد و روزی را زیاد می کند. (۲)

آن حضرت همچنین خطاب به گروهی دیگر از مسلمانان می گوید:

أَحْسِنُوا لِبَاسِكُمْ وَ أَصْلِحُوا رِحَالَكُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَأَنَّكُمْ شَامَةٌ فِي النَّاسِ. (۳)

۱- وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۷۴.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۷۴.

لباس خوب بپوشید و خانه هایتان را آباد کنید تا در میان مردم، مانند خال رخساره باشید.

در کنار این همه سفارش، اسلام به میانه روی در آراستگی نیز توجه داشته و در عین اهمیت دادن به زیبایی های ظاهری و مادی، آن هم در حد میانه، بر زیبایی معنوی و باطنی تأکید کرده است. اسلام در این زمینه، روش معتدلی دارد؛ نه جمود دارد و نه بر اعمال تجمل پرستان صحنه می گذارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «زَيْنَةُ الْبُؤَاطِنِ أَجْمَلُ مِنْ زَيْنَةِ الظَّوَاهِرِ؛ زینت دادن به باطن و درون، زیباتر از زینت دادن ظاهر است».^(۱)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۷۵۹.

نوگرایی و جوان

نوگرایی و جوان

روحیه انسان به گونه ای است که پیوسته از چیزهای جدید و مناظر تازه لذت می برد. این، همان روحیه نوگرایی است. این روحیه در دوران جوانی که سال های رشد و شکوفایی غریزه هاست، حالت شتاب داری می یابد و سبب دگرگونی افکار و ظهور خواسته های جدید می شود. روحیه نوگرایی در برخی زمینه ها مانند آداب و رسوم اجتماعی، در دوران جوانی بیشتر به چشم می خورد. به همین دلیل، جوانان نیز پیوسته از ظواهر جدید و الگوهای نو در رفتار، گفتار، پوشش ظاهر و حتی افکار جدید لذت می برند. این ویژگی درونی، از نظر اسلام برای جوانان ناپسند نیست و تا زمانی که در آن زیاده روی نشود و از حد طبیعی خود نگذرد، امری طبیعی است. این ویژگی، زاییده همان روحیه نشاط جوانی و تبلوری دیگر از روحیه خوددوستی جوان است. در رهنمودهای گران بار امام علی علیه السلام درباره فرزندان و جوانان، تأکید بر این روحیه و رعایت آن آشکارا آمده است:

لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. (۱)

جوانان خود را به رعایت آداب و رسوم خودتان مجبور نکنید؛ زیرا ایشان برای زمانی غیر از زمان شما به وجود آمده اند.

منظور از آداب و رسوم، روش های اجتماعی هر زمان است و این، غیر از آداب و ارزش های ثابت اخلاقی است که در همه زمان ها یکسان و پایدار است. در حقیقت، نوگرایی همان حرکت به همراه زمان است؛ به این صورت که مردم با گذر زمان و دگرگونی آن، به نوعی تغییر و تحول در شیوه های زندگی دچار هستند و به راستی هر زمان مقتضیات ویژه خود را دارد. بر این اساس، امام علی علیه السلام می فرماید: «الْأَنسُ بِزَمَانِهِمْ»

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ؛ مردم به زمانشان بیشتر از پدرانشان شباهت دارند». (۱)

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۰۹.

برابر خواهی جوان

برابر خواهی جوان

جوانان، حس رقابت شدیدی با یکدیگر دارند و این ویژگی میان هم کلاسی ها، هم سالان و فرزندان بسیار دیده می شود. بی شک، داشتن روحیه رقابت سالم، مایه نشاط بیشتر و عامل موفقیت های بسیار است، ولی خوبی رقابت در مسیری جز هدایت و تعالی، به انحراف می رود و گاه به حسادت های شدید می انجامد. این گونه حسادت ها در میان فرزندان، به ویژه جوانان شدیدتر است و بیشتر رواج دارد. رفتار پدر و مادر و مربیان هنگام توجه بیشتر به برخی از فرزندان و جوانان، عامل مهمی در ایجاد این حس و حالت ضد اخلاقی میان آنهاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره رعایت یکسان نگری و عدالت در توجه کردن به فرزندان، بسیار سفارش می کرد. روزی پیامبر خدا دید فردی که دو فرزند داشت، به یکی از آن دو توجه می کرد، ولی به دیگری بی اهمیت بود. در این حال، پیامبر به او فرمود: «فَهَلْ مَا آتَيْتَ بَيْنَهُمَا؛ چرا بین آن دو برابری را رعایت نکردی؟» (۱) با این سخن، حضرت همه مردم را به رفتاری برابر با فرزندان فرا خواند. رسول رحمت در کلامی دیگر می فرماید:

إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ. (۲)

در نیکی و عطف میان فرزندان به عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید آنها نیز میان شما به عدالت رفتار کنند. هرگونه برخورد تبعیض آمیز میان فرزندان، ممکن است کینه و حسادت آنان را برانگیزد. بنابراین، گاه باید برای حفظ فرزندان، از ادای حق واقعی در معاشرت و احترام به بعضی از آنان پرهیزیم و با برخی دیگر، فراتر از شایستگی شان رفتار کنیم. امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوار خود، امام باقر علیه السلام نقل می فرماید که ایشان فرمود:

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۳.

به خدا سوگند، رفتار من با برخی از فرزندان، ساختگی و از روی بی میلی است. برخی از آنها را بر روی پایم می نشانم، زیاده به او محبت می کنم و بسیار از او قدردانی می کنم، در حالی که حق احترام و محبت، از آن فرزند دیگر است، ولی برای حفظ او از شرّ فرزندان و افراد دیگر چنین می کنم، تا اینکه در حق فرزندم آن چنان نکنند که برادران حضرت یوسف علیه السلام با او کردند. سوره یوسف را خداوند فقط برای نمونه نازل کرده است تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسادت نکنیم؛ آن سان که برادران یوسف علیه السلام به او حسادت کردند و ظلم روا داشتند. (۱)

رعایت حقوق و احترام به والدین

رعایت حقوق و احترام به والدین

یکی از مسائل بسیار مهم که جوانان باید بدان عمل کنند، رعایت حرمت و بزرگی والدین و حفظ حقوق آنان است. خداوند متعالی در قرآن مجید در آیه های بسیاری به رعایت این حقوق اشاره کرده و در سوره های بقره، انعام، اسرا و مریم، نیکی و احسان به آن دو را پس از اطاعت از خویش، لازم دانسته و چنین فرموده است:

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ - وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا. (بقره: ۸۳)

زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

در برخی از آیه ها، چگونگی رفتار و برخورد با والدین، چنین بیان شده است:

هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو آنها نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو و بال های فروتنی خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، ایشان را مشمول رحمت خود قرار ده. (اسراء: ۲۳ و ۲۴)

این روشن است که هرگز آیه مبارکه به دوران پیری آنها نظر ندارد، بلکه این حق در سراسر عمر برای والدین، مسلم و محفوظ است و فرزندان نیز ملزم به رعایت این حقند، ولی چون دوران پیری، دورانی است که توقع و انتظارهای والدین بالاتر می رود، خداوند از فرزندان خواسته است که در این دوران، بیش از پیش رعایت حال آنها را در نظر داشته باشند و سبب رنجش خاطر آنان نشوند. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر که دوست دارد خداوند مرگ و جان کندن را بر او آسان کند، به خویشان خود رسیدگی و به پدر و مادر خود نیکی کند. پس اگر چنین بود، خداوند سکرات مرگ را بر او آسان می کند و هیچ گاه در دنیا فقر و پریشانی به او نخواهد رسید. (۱)

ابراهیم بن شعیب نیز می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پدرم سالخورده و بسیار ضعیف شده است و هرگاه قصد بیرون رفتن دارد، او را به دوش می گیرم و بیرون می برم. حضرت فرمود: اگر می توانی خودت به تنهایی این کار را به عهده بگیری، چنین کن و با دست خود بر او لقمه بگیر و به دهانش بگذار که فردا، بهشت برای تو خواهد بود. (۱)

اطاعت از والدین

اطاعت از والدین

نکته مهمی که جوانان، در زمینه اخلاق اجتماعی باید در نظر بگیرند، احترام و نیکی به پدر و مادر است. در قرآن کریم به کمتر مسئله ای به اندازه بزرگ داشت والدین توجه شده است. خداوند در قرآن کریم حتی کمترین بی احترامی را در برابر پدر و مادر به فرزندان اجازه نداده است. برای نمونه، در آیه ۳۶ سوره نساء می خوانیم: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ - وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ خدا را عبادت کنید و برای او شریکی نگیرید و به والدین نیکی کنید.» در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من جوان بانشاط و ورزیده ای هستم و جهاد را دوست دارم، ولی مادری دارم که از این موضوع ناراحت می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برگرد و با مادر خود باش، سوگند به خدایی که مرا به رسالت برگزید، اگر یک شب مادرت با تو مانوس شود، از یک سال جهاد در راه خدا برایت بهتر است. (۱)

پیامبر گرامی در روایتی دیگر فرمود: «رَضِيَ الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُهُ فِي سَخَطِهَا؛ رضایت خداوند، در خشنودی پدر و مادر و خشم خداوند، در غضب آنان است.» (۲)

از امام باقر علیه السلام نیز نقل می کنند:

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَعْظَمَ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ؟ قَالَ: وَالِدَاهُ. (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد: چه کسی بزرگ ترین حق را بر آدمی دارد؟ فرمود: پدر و مادر.

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۷.

۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۲.

امام صادق علیه السلام نیز نتیجه خوبی و نیکی به پدر و مادر را برخوردار از احترام فرزندان می داند و می فرماید: «بُرُّوا آبَائَكُمْ تَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ؛ به پدر و مادر خود نیکی کنید تا فرزندان شما هم به این سنت مقدس عمل و به شما نیکی کنند.»^(۱) بر این اساس، در کتاب شریف تحف العقول نیز حقوق والدین چنین شمرده شده است: ۱. اطاعت بی قید و شرط، مگر درباره شرک به خدا؛ ۲. هرگز پدر را به نام صدا نزنند؛ ۳. جلوتر از پدر راه نروند؛ ۴. قبل از پدر ننشینند؛ ۵. در همه حال سپاس گزار آنها باشند، حتی اگر گفتار و رفتار والدین بنا بر میل آنها نباشد؛ ۶. کاری نکنند که مردم به والدین بدبین و بدگو شوند؛ ۷. برخاستن محترمانه در برابر پدر و مادر.^(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۸۴.

۲- تحف العقول، ص ۲۳۸.

حفظ حریم جوانی

حفظ حریم جوانی

حفظ سلامت دوران جوانی از گزندها و بلاها، اصلی حیاتی است و گناه، بزرگ ترین سم وجود جوان است. هنوز بانگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برحذر داشتن جوانان از گناه به گوش می رسد که می فرماید:

يَقُولُ اللَّهُ: أَيُّهَا الشَّابُّ التَّارِكُ شَهْوَتَهُ فِي الْمُبْتَدَلِ شَبَابُهُ: أَنْتَ عِنْدِي كَبْعُضٍ مَلَأْتِكِي. (۱)

ای جوانی که شهوت های خود را در راه من ترک گفته ای، آن شهوت هایی که جوانی را به ابتذال می کشاند، بدان که تو در پیشگاه من، همانند بعضی از فرشتگانم هستی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر، با زشت انگاشتن گناه، به تمثیل آن می پردازد و می فرماید:

عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذُّنُوبِ مَخَافَةَ النَّارِ. (۲)

در شگفتم از کسی که از بیم درد، از غذا پرهیز می کند، چگونه از ترس آتش، از گناهان نمی پرهیزد.

پاداش دست کشیدن از خواهش های نفسانی و به جان خریدن رنج ترک گناه، بهشت موعودی است که ارزانی خدادوستان می شود؛ زیرا «خُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ خُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ؛ بهشت، به سختی ها و دوزخ، به خواهش ها پیچیده شده است.» (۳) مراقبت از کردارها

۱- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۴۷.

۳- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۷۲.

و رفتارها و حساب رسی و دقت در آن، شرط محوری پاسداری از حریم جوانی است؛ زیرا آدمی همواره در محضر خداست. امام کاظم علیه السلام نیز چنین گوشزد می کند:

يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ مُعَزَّوَجَلَّ فِي مَعْصِيَةِ نَهَاكَ عَنْهَا. (۱)

پسرم! بپرهیز از اینکه خداوند تو را در گناهی ببیند که تو را از آن باز داشته است.

چیره شدن بر هوای نفس، نتیجه منطقی مراقبت از خود و درنگ درباره رفتارها و حساب رسی از خویشتن است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سفارشی پرفر می فرماید:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَزِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرَضِ الْأَكْبَرِ. (۲)

پیش از آنکه به حساب شما برسند، خود به حساب خویش برسید و پیش از آنکه در میدان سنجش قرار گیرید، خویشتن را بسنجید و خود را برای بزرگ ترین امتحان آماده سازید.

۱- علی رضا صابری یزدی، الحکم الزاهره، ترجمه: محمدرضا انصاری، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۵۴۶.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۳.

دوری از محیط های فاسد

دوری از محیط های فاسد

حفظ جوانان از منجلاب فساد اخلاقی و کج روی فکری، وظیفه مهمی است که بر دوش افراد جامعه اسلامی سنگینی می کند. این یک مسئولیت و تکلیف همگانی است و تنها بر عهده پدران و مادران نیست. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِحْذَرُوا عَلَى شَبَابِكُمُ الْغَلَاةَ لَا تُفْسِدُوهُمْ. (۱)

جوانانتان را از گمراهان و تندروهای اعتقادی بیم دهید و دور کنید تا آنها را فاسد نکنند.

بی شک، جوانان وقتی با افراد منحرف فکری و اخلاقی همراه و هم نشین شوند، ناخواسته اثر می پذیرند و این، یک قانون طبیعی و اثر وضعی در روابط انسان هاست. امام علی علیه السلام می فرماید: «با بدان منشین که بدون آنکه بدانی، طبیعتت از طبع و خوی آنان اثر می گیرد.» (۲) دوستان ناباب، بیشترین اثرگذاری را در انحراف فکری و کج روی اخلاقی و رفتاری جوان دارند. هنگام روی آوردن فساد اخلاقی و فساد فکری به جوان که بی اعتنایی به احکام دینی نوعی از آن است، توجه کردن به جوانان و هدایت آنان در دوست یابی و زندگی اجتماعی، یک ضرورت در شناخت جوان و تربیت اوست. حفظ جوان از محیط های آلوده و گماشتن او در جایگاه خوب و نیکو یکی از عوامل بازدارنده از فساد و عاملی مهم در تربیت و شخصیت سازی جوان است. شخصی به همراه فرزندش به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و گفت: حق این فرزندم بر من چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ فرمود:

تُحْسِنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ زَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا. (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۵.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۱۴۷.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

نام نیکو بگذاری، خوب تأدیش کنی و او را در محیط و جایگاه خوبی قرار دهی.

فراموش نکنیم که شخصیت جوان در این سال ها در حال شکل گیری است و هرگونه آموزش و اثرگذاری نامناسب با او رشد می یابد و در خوی و طبعش تثبیت می شود. هرگز جوانان را نمی توان به سبب اطمینان داشتن از فضیلت و پاکی آنان، در محیط آلوده تنها گذاشت؛ زیرا از شیطان ها در امان نخواهند بود و همواره باید دانست که فرزند، در محیط سالم تر بهتر رشد می کند. به عقیده روان شناسان، کشش های اجتماعی به اندازه ای نیرومند و تواناست که عموم مردم به استثنای افراد بزرگ و نوابغ، از همه مقرراتش پیروی می کنند و بدون اندیشه و فکر، خود را با آداب و سنت های آن هماهنگ می سازند. محیط نیرومند اجتماع به آسانی می تواند جوان را هم رنگ خود سازد و خلیقات خانوادگی او را که هم سو با رویش های اجتماعی نیست از ذهنش بزدايد. (۱)

دوری از اعتیاد

دوری از اعتیاد

برخی از جوانان بر اثر بی دقتی، بهره نداشتن از بینش درست و هم نشین بودن با افراد فاسد و شرور، به بلای خانمان سوز اعتیاد دچار می شوند. دشمنان، مهم ترین عامل به زانو در آوردن جامعه ما را نابود ساختن نیروی کار و نسل جوان آن دانسته و برای آن هدف شوم، هزاران برنامه تبلیغی و فرهنگی را با خرج پول های کلان و اشاعه فحشا و فساد تدارک دیده اند. یکی از بزرگ ترین و خطرناک ترین نمونه فعالیت دشمنان، پخش مواد مخدر و تشویق نسل جوان ما به استفاده از آن است. بدیهی است افرادی که به این درد خانمان سوز دچارند، در پی از دست دادن قوای جسمی، از کار و کوشش و فعالیت نیز بازمی مانند. در نتیجه، برای تأمین پول مواد خود، به هر کاری دست می زنند و حتی آبرو و حیثیت خود را نیز خرج می کنند. در این حال، شخصیت اجتماعی جوان نابود می شود. این کار او جز آسیب و زیان، چیز دیگری برای جامعه به همراه ندارد.

اعتیاد برای جوان، اسارت و خفت می آورد و او را از کانون گرم خانواده محروم می سازد. شخص معتاد با از دست دادن شخصیت اجتماعی اش، خوار و بی مقدار می شود. اعضای خانواده نیز از داشتن پدر یا برادری چون او خجالت زده می شوند. بدین ترتیب، کانون گرم خانواده به دوزخی سوزان تبدیل می شود که معنا و مفهوم محبت و عشق را هرگز در آن نمی توان دید. پدر و مادر، در موفقیت و تباهی فرزندان نقش مهمی دارند. آنها می توانند با ایجاد کردن وضع و شرایط مناسب، فرزندان خود را در راه رسیدن به موفقیت، یاری کنند و برعکس، قادرند با تبدیل کردن کانون پرمهر خانواده به دوزخی سوزان، فرزندان خود را دامن گیر شعله های سوزان شکست سازند. پس بی شک، شخص معتاد، از درک واقعی هرگونه موفقیتی در زندگی بازمی ماند.

نفی سرکشی و نافرمانی

نفی سرکشی و نافرمانی

پروردگار، آدمیان را به ترک گناه و دوری از نافرمانی از خود فراخوانده است. در این میان، جوانان، مخاطبان اصلی و محوری این پیغام الهی اند:

يَا بَنِي آدَمَ! اجْتَنِبْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنَ أَوْرَعِ النَّاسِ. (۱)

ای پسر آدم! از آنچه بر تو حرام کرده ام، دوری کن تا از پارساترین مردم باشی.

بزرگ ترین زیان لذت گذرای گناه، نافرمانی خدایی است که هیچ خطایی در محضر او زینده نیست؛ حتی کوچک ترین گناه. در حدیث است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ابوذر می فرماید:

يَا أَبَا ذَرٍّ! لَا تَنْظُرْ إِلَى صَغْرِ الْخَطِيئَةِ وَ لَكِنْ انْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ. (۲)

ای اباذر! به کوچکی گناه نگاه مکن، بلکه به کسی بنگر که نافرمانی اش کرده ای.

حضرت با زشت خواندن عمل گناه، همواره جوانان را به نفی نافرمانی خدا فراخوانده و ایستادگی در برابر گناه را جهاد دانسته و فرموده است:

مَنْ صَبَرَ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۳)

کسی که در برابر گناه صبوری و ایستادگی کند، مانند مجاهد در راه خداست.

ایشان در سخنی دیگر می فرماید:

هر کس کار زشت یا چیزی که به آن تمایل دارد، برای او پیش بیاید و از ترس

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۸.

۲- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

خدا از آن دوری گزیند، خداوند آتش را بر او حرام می کند و او را از ترس بزرگ ایمن می دارد و به وعده ای که کتاب خدا به او داده، عمل خواهد کرد. آنجا که فرموده است: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ؛ کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت دارد». (الرحمن: ۴۶) (۱)

شایسته است جوان در مسیر اطاعت الهی حرکت کند و در برابر گناهان، به راحتی تسلیم نشود. مولوی می گوید:

ترک شهوت ها و لذت ها، سخاست

هر که در شهوت فرو شد، برنخاست

این سخا شاخی است کز سرو بهشت

وای او کز کف چنین شاخی بهشت

عروه الوثقا است این ترک هوا

برکشد این شاخ جان را بر سما

گناه گریزی

گناه گریزی

گناه و معصیت، مانند شعله آتش، اعمال انسان را از بین می برد. منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله این بوده است که گناهان، مانند شعله آتش، کارهای نیک انسان را از میان می برند. (۱)

چشم چرانی، گوش دادن به آهنگ های مبتذل، پرداختن به حرام و فسادهای اخلاقی، آتشی سوزاننده است. باید با توکل به خدا و ایمان قوی، در برابر ندهای شیطانی بایستیم، تا لذت ایمان را در عمق جان خود بیاییم. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «أَعْيُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَسِدَادٍ؛ با پرهیزکاری و تلاش و کوشش فراوان و پاک دامنی و راستی مرا یاری کنید.» (۲) امام صادق علیه السلام در روایتی زیبا می فرماید: «کسی که گناه و عصیان می کند، خدا را دوست ندارد.» حضرت به دنبال این سخن در قالب شعری می فرماید:

خداوند را نافرمانی و با او اظهار دوستی می کنی؟ به جان خودم! این رفتاری شگفت است. اگر دوستی ات صادق بود، اطاعتش می کردی؛ زیرا دوست دار، پیرو کسی است که او را دوست دارد. (۳)

بنابراین، کسانی که پس از انجام دادن کارهای نیک و شایسته، به گناه تن می دهند، هرگز نباید انتظار حفظ و باقی ماندن آثار آن کارها را داشته باشند. دروغ، غیبت، ترک واجبات و در یک جمله، دریدن پرده های حیای موجود میان خود و خدا به وسیله گناهان، همچون باروتی همه کارهای نیک را از بین می برد. بنابراین، از گناهان پرهیزید و آثار معنوی کارهای نیک خود را حفظ کنید.

۱- صدوق، امالی، ص ۶۰۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳- شهید مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران، ۱۳۶۶، ص ۶۷.

کنترل نگاه

کنترل نگاه

یکی از بیماری های بزرگ اجتماعی، چشم چرانی است. خداوند در قرآن مجید و سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام در روایت های متواتر، مسلمانان را از چشم چرانی بازداشته اند. همان گونه که انسان ها هر یک بر دیگری حقی دارند، اعضا و جوارح خود انسان نیز بر او حقی دارند که اگر امروز این حق رعایت نشود، فردا به هنگام سؤال از چشم، در مقام پاسخ گویی در دادگاه عدل الهی، به یقین، انسان شرمنده خواهد شد؛ زیرا این عضو در مقام اقرار، چیزی را پنهان نخواهد کرد. از امام صادق علیه السلام در توضیح این حق آمده است:

خدای تبارک و تعالی ایمان را بر اعضا و جوارح بنی آدم فرض و آن را بر همه اعضا و جوارحش قسمت کرد. از جمله این امر، دو چشم اوست که با آن دو نگاه می کند و همچنین دو پای او که به وسیله آن دو راه می رود. پس بر چشم فرض کرده است که به سوی آنچه بر او حرام است، نگاه نکند و از آنچه خداوند نهی کرده است، چشم فروپوشاند. پس آن بزرگوار به آیه شریفه زیر استدلال کرد:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. (اسراء: ۳۶)

هرگز آنچه را به آن علم و اطمینان نداری، دنبال مکن که چشم و گوش و دل ها همه مسئولند. (۱)

در توضیح همین حق واجب، امام سجاد علیه السلام می فرماید: «وَحَقُّ الْبَصَرِ أَنْ تَغْضَهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَعْتَبِرُ بِالنَّظَرِ بِهِ؛ و اما حقی که چشم بر تو دارد، این است که آن را فروپوشانی از آنچه به تو حلال نیست و به وسیله آن، از گذشته و حال عبرت بگیری.» (۲) بدیهی است

۱- محمد حسین طباطبایی، المیزان، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

۲- ذرایع البیان، ج ۱، ص ۲۰۶.

چشم چرانی، آثار بسیار بدی بر روی سلامت روح انسان دارد. پس چه نیکوست که آدمی به وسیله کنترل نگاه، سلامت فکر و طهارت روح خود را حفظ کند و زندگی باصفای خویش را با بسیاری از گناهانی که به وسیله چشم ناپاک صورت می گیرد، آلوده نسازد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِيَّاكُمْ وَالنَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي قَلْبِ صَاحِبِهَا الشَّهْوَةَ وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً. (۱)

از نگاه به نامحرمان بپرهیزید؛ زیرا تخم شهوت را در دل می کارد و همین بس که بیننده را در فتنه می اندازد.

چه بسیار افرادی که به وسیله چشم خود، چیزی را اراده کردند، ولی برای همیشه حسرت آن بر دلشان نشست و هیچ گاه به آرزوی خود نرسیدند. برای اینکه در دام این لذت های زودگذر گرفتار نشویم، امام صادق علیه السلام ما را چنین راهنمایی می کند:

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً. (۲)

نگاه، تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است و چه نگاه هایی که به دنبال آن حسرت بسیار زیادی را برای بیننده بر جای گذاشته است.

شیطان به وسیله تیرهای زهر آگین نگاه، آدمی را به گناه وا می دارد. از جمله سفارش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام به منظور آماده ساختن او برای ارشاد و راهنمایی پیروانشان، این بود: «يَا عَلِيُّ أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَالثَّانِيَةُ لَالِكَ؛ نخستین نگاه از آن توست، ولی نگاه دوم از آن تو نیست (زیرا دومین نگاه به وسیله شیطان هدایت می شود)» (۳)

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۵، ص ۱۱۷. «يَا عَلِيُّ لِمَكَ أَوَّلُ نَظْرَةٍ وَالثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ؛ ای علی، نخستین نگاه از آن توست و دومی بر ضرر توست و به سود تو نیست». من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۹، ح ۴۹۷۱.

چشم چران، هیچ گاه آسایش فکری ندارد و پیوسته فکر و ذهنش مشغول دیده های چشمش است؛ به گونه ای که اگر از منظره ای خود را برهاند، گرفتار فکر و منظره ای دیگر می شود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَطْلَقَ نَظْرَهُ أَتَعَبَ حَاطِرَهُ؛ هر که دید خود را رها سازد، آسایش خود را سلب کرده است.»^(۱) و از پیامبر گرامی نیز نقل می کنند:

مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ حَرَامًا يَحْشُوهَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسَامِيرَ مِنْ نَارٍ ثُمَّ حَشَاهُمَا نَارًا إِلَى أَنْ تَقُومَ النَّاسُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ.^(۲)

هر که چشم خود را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت، میخ های آتشی در آن چشم فرو می برد. سپس آن را پر از آتش می کند تا حساب مردم تمام شود. آن گاه دستور می دهد تا او را به آتش دوزخ درافکنند.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

آثار مثبت حفظ نگاه

آثار مثبت حفظ نگاه

همان گونه که چشم چرانی آثار بدی دارد، پرهیز از این بیماری نیز پی آمدهای نیک و زیبایی بر روح و روان جوانان خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام، کنترل چشم از نامحرمان را سود بسیار بزرگی می داند که بالاتر از آن تصور نمی شود. آن امام بزرگوار می فرماید:

مَا اغْتَنَّمَ أَحَدٌ بِمِثْلِ مَا اغْتَنَّمَ بَعْضُ الْبَصَرِ، فَإِنَّ الْبَصَرَ لَا يُعْضُّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ إِلَّا وَقَدْ سَبَقَ إِلَى قَلْبِهِ مُشَاهَدَةُ الْعَظْمَةِ وَالْجَلَالِ. (۱)

هیچ کس سودی بالاتر از سود فروپوشاندن چشم به دست نیاورده است؛ چون هر اندازه که چشم را از محارم خدا فروپوشاند و کنترل کند، دریچه قلبش باز می شود تا آثار عظمت و جلال را ببیند.

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است:

الْظُّرَّةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهَا إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ. (۲)

نگاه به نامحرم، تیری است زهرآگین از تیرهای شیطان. پس هر کس به خاطر ترس از خدا از آن چشم بپوشد، خداوند ایمانی را به او می بخشد که شیرینی آن را در قلب خود احساس کند.

یکی دیگر از آثار مثبت ترک نگاه به نامحرم، چشیدن لذت واقعی عبادت خالصانه است. قطب راوندی از پیامبر گرامی نقل می کند که فرمود:

الْظُّرُّ إِلَى مَحَاسِنِ نِسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادِهِ

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۹.

نگاه به زیبایی های زنان، تیری از تیرهای شیطان است. پس هر که از آن چشم پوشد، خداوند به او شیرینی عبادتی را می چشاند که شادمان شود.

البته همه می دانیم که نعمت های دنیا، زودگذر و نعمت های آخرت باقی و جاودانی است و همواره خداوند پاداش بسیار بزرگی برای بندگان فرمان بر و رستگار خود آماده کرده است. در این باره نیز از امام صادق علیه السلام روایت می کنند:

مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ غَمَضَ بَصَرَهُ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ بَصَرَهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ. (۲)

هر کس که نگاهش به زن نامحرمی افتد، پس چشم خود را به سوی آسمان بالا برد یا آن را ببندد. همانا هنوز چشم خود را باز نکرده است که خداوند حورالعینی را به همسری او در می آورد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۲.

چشم چرانی

چشم چرانی

خداوند در برخی از آیه های قرآن مجید، از مردان و زنان می خواهد:

به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرم بپوشانید و دامن خود را حفظ کنید. این برای آنها پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (نور: ۳۰)

و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) حفظ کنند و دامن خویش را پاک نگه دارند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار نسازند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار نکنند. (نور: ۳۱)

کوچک ترین نتیجه دنیوی چشم چرانی، حسرت و غصه ای است که برای شخص چشم چران پیش می آید. دختران و پسران جوان، از چشم چرانی و نگاه با شهوت بیرهزید که رسول گرامی اسلام فرمود:

چشم چرانی، از تیرهای زهر آلود شیطان است. هر کس دیدگان خود را از نامحرم بپوشاند، خداوند ایمانی به او می بخشد که شیرینی و لذتش را در دل احساس می کند. (۱)

مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: فلانی به زن همسایه اش به قصد لذت و شهوت نگاه می کند. حضرت سخت ناراحت شد و فرمود: او را بیاورید. در این بین، مردی عرض کرد: یا رسول الله! او از شیعیان شماس است و ادعا می کند که شما و علی بن ابی طالب علیه السلام را دوست دارد و دشمنان شما را دشمن می دارد. حضرت فرمود: «نگو از شیعیان ماست؛ چون در این ادعا دروغ می گوید. شیعه ما کسی است که از ما پیروی می کند و این عمل و کردار او (چشم چرانی) از ما نیست.» (۲) اینها نمونه هایی از آموزه های

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۳.

۲- اخلاق اجتماعی جوانان، ص ۱۲۶، به نقل از: نمونه معارف اسلامی، ج ۳، ص ۲۶.

قرآنی و روایی برای پرهیز دادن از نگاه بد به نامحرم است. بی شک، کسی که از پنجره دیدگان خود پاسداری می کند و تصویر هیچ نامحرمی را در آن جای نمی دهد، پاداشی بی پایان و آسودگی خیالِ دنیوی و اخروی، ارمغان راهش خواهد بود.

عفت و پاک دامنی

عفت و پاک دامنی

آدمی، دربردارنده مجموعه ای از نیروهاست. در زندگی انسانی و اخلاقی بشری، در سایه هدایت الهی، برای هر یک از این نیروها حد و مرزی تعیین شده است که گذر کردن از آن، گناه و مایه بدبختی و تباهی خواهد بود. از جمله نیروهایی که در انسان طغیان گری می کند و به ویژه در دوران جوانی فعال تر می شود، نیروی شهوت است که باید با در پیش گرفتن عفت، آن را متعادل ساخت. عفت، حالتی نفسانی است که از چیرگی شهوت جلوگیری می کند و ریشه اصلی آن، بسنده کردن به چیز اندک است. در آموزه های دینی، درباره اهمیت عفت و پاک دامنی، مطالب و رهنمودهای بسیاری آمده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ. (۱)

پاداش رزمنده شهید راه خدا، بالاتر از پاداش کسی نیست که قدرت برخلاف عفت داشته، ولی عفت خود را حفظ کرده است. به راستی که فرد عفیف، نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان باشد.

درباره آثار عفت در روایت های اسلامی آمده است:

عَفُوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّ نِسَاؤُكُمْ. (۲)

درباره ناموس مردم عفت داشته باشید تا درباره ناموس شما عفت رعایت شود.

همچنین خداوند در آیه ۳۵ سوره احزاب، کسانی را که بر شهوت جنسی چیره می شوند و آن را از حرام حفظ می کنند، در گروه افرادی قرار داده است که ضمن بهره مندی از غفران الهی، به پاداش بزرگ می رسند: «أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.» در

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

روایتی دیگر نیز می خوانیم:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ عَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِبَادَةٍ. (۱)

نخستین کسی که وارد بهشت می شود، فرد عفیف و پاک دامنی است که اهل عبادت بوده است.

ناگفته نماند که عفت و پاک دامنی، نتیجه مبارک تقوای الهی و مایه ارزش معنوی و قرب خداوندی است که در هر جامعه، نشانه شخصیت و مایه سعادت و فزونی منزلت اجتماعی به شمار می رود.

تقوای جوان، عامل دوری از گناه

تقوای جوان، عامل دوری از گناه

جوانان باید برای ارتقای معنوی خود، از گناهان و زشتی های اخلاقی بپرهیزند و خود را به زیور تقوا بیارایند. امام علی علیه السلام به فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام وصیت می کند:

بهترین چیزی که تو از توصیه های من برمی گزینی و به آن عمل می کنی، تقوا و پای بندی به واجبات الهی است. (۱)

امام صادق علیه السلام نیز درباره رعایت تقوا در پیروی از باطن، گروه جوانان را به نوعی ویژه خطاب قرار می دهد و می فرماید: «یا مَعْشَرَ الْأَخْدَانِ اتَّقُوا اللَّهَ؛ جوانی که از کرامت و شخصیت ویژه خود نزد خدا و رسول آگاه است، باید آن را حفظ کند.» (۲) و به فرموده امام علی علیه السلام، آن را با گناه و معصیت از بین نبرد. آن حضرت فرمود:

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ. (۳)

کسی که بزرگی و کرامت نفس دارد، آن را با گناه، خوار و تباه نمی کند.

همچنین ایشان به فرزندش سفارش زیبایی فرموده است که برای جوانانی که آزادمردی و شرافت را دوست دارند، بسیار راه گشاست:

أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ ذِيئِهِ وَإِنْ سَاقَتَكَ إِلَى الرِّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. (۴)

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۶.

۴- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

با دوری از زشتی و پلیدی ها، کرامت نفس داشته باش؛ اگرچه گناه و پلیدی تو را به خواسته های نفسانی برساند؛ زیرا نمی توانی در مقابل آنچه از خود می دهی، عوض دریافت کنی. بنده و برده غیر خودت نباش، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است.

از این سخن پربرار امام علی علیه السلام درمی یابیم در درجه نخست، ارزش نفس بسیار بالاتر از رعایت هوا و هوس است و دوم اینکه، ارتکاب پلیدی ها، مایه بردگی انسان است و این، با آزادگی انسان سازگاری ندارد. برای دوری از گناه، جوانان باید از عوامل، دوستان و محیط تحریک کننده پرهیزند، هماره خدا را ناظر همیشگی بر اعمال خویش ببینند، یاد مرگ کنند و با شرکت در مجالس دعا و زیارت قبر بزرگان و توجه و دقت در آیه های قرآن و روایت های اخلاقی، اراده خود را تقویت کنند.

جوان و توبه

جوان و توبه

جوان در قبال اشتباه ها و کج روی های گذشته، نباید خود را در کنج تاریک اندوه و پشیمانی زندانی کند و غل و زنجیر شکست و نابودی را بر گردن اندازد، بلکه باید از فرصت جوانی برای رفع نادانی و شکستن حصر دانش بهره برد. او هنوز روزهای بسیاری را پیش رو دارد و باید آن را غنیمت شمارد. امام علی علیه السلام می فرماید:

بَقِيَّتُهُ عُمُرُ الْمَرْءِ لَا تَمَنَّ لَهُا يُدْرِكُ بِهَا مَا فَاتَتْ وَيُحْيِي بِهَا مَا أَمَاتَتْ. (۱)

برای باقی مانده عمر انسان، قیمت و ارزشی نمی توان تعیین کرد؛ زیرا به وسیله آن، از دست رفته را می توان بازیافت و توانایی های مرده را می توان زنده کرد.

توبه، یکی از بهترین و زیباترین چیزهایی است که مایه رشد و شکوفایی روح خداجوی انسان های خطاکار است. توبه، بازگشت به پاکی و جبران ناپاکی است. توبه و بازگشت، عامل ناامیدی شیطان است؛ چون بنده ای که تا دیروز در گناه و تباهی، روزگار سیاهی را در برابر خود می دید، با ندای ربّانی به آغوش گرم رحمانی بازمی گردد و در پناه حضرت سبحان، به آرامش روح و روان و شروع زندگی دیگری می رسد و همه بافته های شیطان انس و جن را در هم می ریزد.

در فرهنگ پویای اسلامی، به توبه جوان بسیار اهمیت داده شده است. این جوان است که باید بکوشد جایگاه خود و محبت خداوندی را حفظ و مهر و شفقت الهی را بر خود بیشتر کند که خداوند به جوان توبه کار، نظری پرمهر و محبت دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ؛ خداوند بلندمرتبه، جوان توبه کار را دوست دارد.» (۲) بلکه جوان توبه کار، ارزشی فراتر از این می یابد؛ چنان که آن حضرت می فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ شَابِّ تَائِبٍ؛ هیچ چیزی در نزد خدا محبوب تر از

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۶.

۲- نهج الفصاحه، ح ۷۴۹.

جوان توبه کار نیست.» (۱) همچنین در سخنی دیگر از ایشان می‌خوانیم: «التَّوْبَةُ حَسَنَةٌ لِّكِنَّهَا فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ؛ توبه نیکوست، ولی در جوانی نیکوتر است.» (۲)

۱- مشکات الانوار، ص ۱۵۵.

۲- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۸.

جوان و دوری از محیط آلوده

جوان و دوری از محیط آلوده

بی تردید، یکی از عوامل اثرگذار در وضع انسان ها، محیط زندگی آنان است. از این رو، سفارش شده است که از محیط نامناسب به شدت دوری کنیم. زندگی بزرگان الهی نشان می دهد که آنها در سال های جوانی برای رسیدن به بالندگی و کمال دل خواه خدایی، خود را از محیط آلوده دور می کردند. حضرت ابراهیم علیه السلام که جوانی مبارز در برابر بت پرستی بود، دوری از محیط بت پرستی و دوری از باورهای باطل بت پرستان را راه نیک بختی و رسیدن به جوار رحمت الهی می خواند:

از شما و آنچه غیر از خدا می خوانید، کناره گیری می کنم و پروردگارم را می خوانم تا بلکه با خواندن خدایم، بدبخت نباشم و به سعادت برسم. هنگامی که از آنها و معبودهایشان، غیر از خدا، کناره گرفت، به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را پیامبر قرار دادیم. (مریم: ۴۸ و ۴۹)

پیامبر گرامی اسلام نیز برای حفظ ارتباط الهی و دوری از ناپاکی محیط، در سال های جوانی، هر از گاهی در دامنه طبیعت و میان کوه ها و درون غار در خلوتی روحانی، فطرت خدایی خود را جلا می داد. بی شک، محیط آلوده، ناخواسته در افراد اثر می گذارد. بسیاری از آموخته های رفتاری انسان، برگرفته از محیط زندگی اوست. چنانچه جوانان که میوه های شیرین زندگی هستند، در خطر مکان های آلوده قرار گرفتند، باید از آنها دوری کنند تا محفوظ بمانند. در آموزه های دین اسلام، به اندازه ای اثرگذاری محیط های آلوده بااهمیت دانسته شده است که در برخی موارد، از زندگی کردن با موارد آلوده، با عنوان حرام و گناه یاد می شود. انسان در پی اثرپذیری از محیط، افزون بر اینکه از انجام دادن تکالیف دینی بازمی ماند، گاه به طور عمیق در اصول اعتقادی نیز دچار انحراف و سستی می شود. در این صورت، بر او لازم است از محیط آلوده بیرون رود و هجرت کند. به خواست خداوند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، محیطی مناسب برای رشد و تعالی همگان فراهم آمده است، ولی گاه بر اثر رفتار نادرست و زیان بار بعضی از افراد، همین محیط سالم نیز ممکن است آلوده شود. شرکت کردن در برخی از گروه ها و

برنامه های کوچک و آلوده، برای جوانان بسیار خطرناک است؛ همان گونه که مسافرت های خارج از کشور و نیز حضور در بعضی از مراکزی که امکان فساد بیشتری دارند، آسیب زا خواهد بود.

خویشتن داری جوان

خویشتن داری جوان

ارزش هر انسان پیش از هر چیز، به میزان دل بستگی او به آرزوها و هدف های زندگی اش برمی گردد. جوان هنگامی می تواند خود را صاحب اراده ای قوی فرض کند که بتواند در برابر خواسته های نفسانی اش بایستد و با صبر و بردباری و به کارگیری عقل و اندیشه، مشکلات زندگی را یکی پس از دیگری از سر راه خود بردارد و بر هوا و هوس خود چیره شود. او باید بداند که همواره در معرض لغزش ها قرار دارد. باید توجه داشت که آدمی، جز از راه خویشتن داری نمی تواند به مقام پاک انسانی دست یابد؛ زیرا نفس و غریزه به طور طبیعی به طرف لذت ها و شهوت ها گرایش دارد و اگر انسان در برابر این کشش های غریزی مقاومت نکند، گام به گام به ورطه حیوانیت می افتد و به تباهی نزدیک تر می شود. انسان بودن واقعی از اینجا آغاز می شود که انسان در برابر کشش های نفسانی ایستادگی و پایداری کند و تسلیم میل ها و شهوت های زودگذر خود نشود تا زمینه برای رشد و پرورش استعداد های روحی و ملکوتی در او فراهم آید. بدون چنین خویشتن داری، راه به روی بندگی و معنویت خالص به کلی بسته است. از این رو، لازمه هر کمالی در انسان، خویشتن داری در برابر خواسته ها و شهوت هاست. اگر جوانی هم با فراموش کردن خدا مرتکب انحراف و گناه شد، باید توبه کند و تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد تا رفتار ناشایست، به شکل ویژگی زشت و ناروا در وجود او جای گزین نشود و به صورت عادت ثانوی در نفسش راه نیابد. او باید بداند که توانایی های لازم را برای اصلاح رفتار خویش دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

أَكْرَهَ نَفْسِكَ عَلَى الْفَضَائِلِ فَإِنَّ الرِّذَائِلَ أَنْتَ مَطْبُوعٌ عَلَيْهَا. (۱)

نفس خود را به خوبی ها وادار کن؛ زیرا نفس تو، به طرف بدی ها گرایش دارد.

بنابراین، جوان با رعایت خویشتن داری، باید خود را برای زندگی آینده آماده سازد و به بهترین شکل ممکن، مسئولیت اجتماعی را عهده دار شود.

مبارزه با شهوت جنسی

مبارزه با شهوت جنسی

در انسان کشش‌ها و خواسته‌های گوناگون وجود دارد. خداوند این کشش‌ها، خواهش‌ها و غریزه‌های طبیعی را برای هدف و مقصودی عالی در وجود بشر به امانت نهاده است. جوان در مرحله بلوغ، افزون بر میل به غذا، استراحت و غریزه جنسی، به قوه عقلانی مجهز است. نیروی عقل و اندیشه او در این زمان، از نظر آمادگی برای فعالیت، به کمال خود می‌رسد. جوان نباید به همه خواسته‌ها و گرایش‌هایی که در ذهن و خاطره اش وارد می‌شود، بی‌درنگ، جامه عمل بپوشاند، بلکه باید درباره کارها، پس از اندیشه کافی و بررسی همه جانبه، عاقلانه تصمیم بگیرد؛ زیرا نفس انسان همواره از سویی در معرض دعوت به کارهای خیر و عقلانی و از سوی دیگر در معرض وسوسه به کارهای شر و شهوانی است. کسی در این صحنه مبارزه داخلی پیروز می‌شود که جانب عقل را مراعات کند. در قرآن مجید نیز بر سامان دهی کارها بر اساس عقل و اندیشه تأکید شده است: «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» و خداوند این گونه آیات خود را باز می‌نماید. شاید که بیندیشید». (بقره: ۲۴۲)

در واقع، با پیدایش خواهش‌های جنسی در دوران جوانی، وسوسه‌های شیطانی نیز به او هجوم می‌آورند و پاک ماندن جوان در این دوران ارزش فراوانی دارد. در روایتی آمده است:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ لِلْمَلَائِكَةِ يَقُولُ: أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجَلِي. (۱)

خداوند به جوان پرهیزکار مباحثات می‌کند و به فرشتگان می‌گوید: به بنده من نظر کنید که شهوتش را به خاطر من ترک کرده است.

جوان با کنترل نگاه‌ها و همچنین مهار نیروهای خیال و اندیشه خود، پیروز میدان

مبارزه با فشارهای جنسی است. وی همان گونه که چشم خود را از نگاه های بی مورد و حرام بازمی دارد، اندیشه و ذهنش را نیز از هرگونه تصور بی جا حفظ می کند. به محض خطور چنین افکاری، خود را با فکر دیگری مشغول می سازد تا از چنگال این خواسته ها و کشش ها رهایی یابد و عقل و منطق بر سرتاسر وجودش فرمانروا باشد و آن را با ایمان به خدا و انجام دادن نیایش و عبادت تقویت کند.

جوان و بازگشت

جوان و بازگشت

پیشوایان معصوم علیهم السلام، مردم را به بازگشت به خدا و توبه از گذشته خود دعوت کرده اند. این بزرگواران، ناامیدی از رحمت خدا را یکی از گناهان بزرگ و نابخشودنی دانسته اند؛ به گونه ای که در برابر کسانی که مردم را از رحمت الهی ناامید می کردند، به مقابله برمی خاستند. امام باقر علیه السلام در یکی از این برخوردها فرمود:

كُلَّمَا أَعَادَ الْمُؤْمِنُ بِالْإِسْتِغْفَارِ وَ التَّوْبَةِ، عَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَ يَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَقْطَعَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. (۱)

هر چه مؤمن به وسیله طلب مغفرت و توبه به سوی پروردگار خویش بازگردد، خدا نیز توبه او را می پذیرد. خداوند، بخشنده و مهربان است. اوست که توبه را می پذیرد و گناهان را می بخشد. پس مراقب باش فردی را از رحمت خدا ناامید نسازی.

پیشوایان معصوم علیهم السلام، ناامیدی از درگاه الهی را گناهی بالاتر از خود گناه می دانند. سبب آن نیز این است که اگر فردی از روی فراموشی و نادانی گناهی کرد، در صورت پشیمانی، اگر راه بازگشت را به روی خود بسته ببیند، طغیان می کند و دست به جنایت بزرگ تری می زند. آدمی باید بداند که اگر کسی گناه کرد، ولی سپس آمرزش طلبید، خداوند توبه اش را می پذیرد. در این میان، پشیمانی جوان از کرده های خویش، از دوست داشتنی ترین کارها نزد خداوند است؛ زیرا خود جوان شامل علاقه و محبت خاص خداوند است.

طبیعی است هر چه یک دوست به دوست واقعی خود نزدیک تر باشد و علاقه و ارتباط بهتری با هم داشته باشند، این دوستی، پایدارتر و صمیمی تر خواهد بود. خداوند، دوست و یار صمیمی جوانان است و آنان باید هر چه بیشتر حرمت او را پاس دارند

و

در محضرش گناه نکنند. اگر هم بر اثر غفلت یا اشتباه مرتکب گناهی شدند، زود از او عذر بخواهند و همین پوزش، نوعی توبه است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا فِي الدُّنْيَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ شَابِّ تَائِبٍ؛ هیچ کس در دنیا برای خداوند، محبوب تر از جوان پشیمان نیست.»^(۱) از این رو، اگر جوان بداند خداوند در برابر این بازگشت چه قدر به او مهر می ورزد، حتی اگر گناهی از او سرزد، به سرعت پشیمان می شود. بدین ترتیب، درهای توبه را به روی خود می گشاید. با این حال، گناه نکردن، همیشه از طلب توبه آسان تر است.

راه های بیدار باش

راه های بیدار باش

وجود وسوسه های شیطانی و نفس امّاره در انسان، سبب ساز گناه بسیار در او می شود. پس همان گونه که شیطان و نفس اماره برای منحرف کردن جوانان بسیج شده اند، باید همه نیروها را به کار گرفت تا از رخ دادن جرم و گناه جلوگیری شود. امامان معصوم علیهم السلام همراه با برخورد شدید با گناه و گناه کار، در برابر کارهای خلاف جوانان، رفتار سنجیده و ملایمی داشتند؛ زیرا هنوز بهار جوانی امید و نوید می داد. این گونه رفتارهای ملاحظت آمیز معصومان علیهم السلام، جوان را از گناه پشیمان می کرد. یکی از بهترین شیوه های رویارویی با گناه کار این است که راه نصیحت را بر روی او بازگذاریم. به یقین، توهین به جوان، برای کنار گذاشتن گناهش آن هم در جمع، نه تنها مایه فاصله گرفتن از گناه نمی شود، بلکه او را به انحراف بیشتر می کشاند. پس اگر بخواهیم همانند معصومان علیهم السلام عمل کنیم، باید خلوص نیت و دل سوزی را پیشه سازیم.

روزی امام حسن مجتبی علیه السلام از محلی عبور می کرد. چشمش به جوانی افتاد که خنده های مستانه ای می کرد. امام نزد آن جوان رفت و فرمود: «ای جوان! آیا شنیده ای که در روز قیامت همه مردم وارد دوزخ می شوند؟» جوان گفت: آری شنیده ام و دانسته ام. امام حسن علیه السلام فرمود: «از کجا شنیده و دانسته ای؟» جوان گفت: از اینکه خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا-وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا؛ و همه شما وارد دوزخ می شوید، این امری حتمی و قطعی بر پروردگار است.» (مریم: ۷۱) امام حسن علیه السلام فرمود: آیا مطمئنی که تو را در جهنم نگه نمی دارند؟ جوان گفت: نه، چنین اطمینانی ندارم. امام حسن علیه السلام فرمود: «پس کسی که نمی داند بهشتی است یا جهنمی، این گونه نمی خندد. نصیحت دل سوزانه امام چنان بر دل جوان نشست که دیگر کسی او را بدان حال ندید.» (۱)

گاه می شود که جوان آلوده به گناه، از پی آمدهای آن خبر ندارد و بر زشتی های خود

اصرار می ورزد؛ چه بسا اگر خبر داشت، خود را دچار و تباه نمی کرد. از این رو، یکی از شیوه های مقابله با گناه و جوان گناه کار، بیان آثار ویرانی گناهان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که گاه با برخی از جوانان هم نشین بود، از همین شیوه بهره می گرفت. روزی به جوانی که در محضرش نشستہ بود، فرمود:

يا شَابُّ تَزَوَّجْ، إِيَّاكَ وَ الزَّنا فَإِنَّهُ يَنْزِعُ الْإِيمَانَ مِنْ قَلْبِكَ. (۱)

ای جوان! ازدواج کن و از کارهای زشت و منافی عفت پرهیز کن؛ زیرا این کار ایمان را از تو بازمی ستاند.

همچنین می توان با استفاده از نقاط قوت افراد، به درماتشان همت گماشت؛ چنان که آورده اند:

جوانی نزد امیر مؤمنان علی علیه السلام آمد و به دزدی اعتراف کرد. حضرت به او فرمود: من تو را جوانی خوش سیما می بینم، آیا چیزی از قرآن به یاد داری؟ جوان گفت: آری، سوره بقره را یاد دارم. حضرت فرمود: دستت را به خاطر سوره بقره به تو بخشیدم. (۲)

چون جوان، خود اعتراف کرده و نشان از پشیمانی و بیداری وجدانش بود، حضرت او را بخشود. در غیر این صورت، اگر دو شاهد عادل بر دزدی او شهادت می دادند، حکم خدا را جاری می ساخت. در حقیقت، اگر در آدمی فطرت پاک و خدایی باقی بماند، به سوی گناه و انحراف متمایل نخواهد شد. فطرت پاک انسانی به گونه ای است که همیشه از کارهای زشت و ضد اخلاقی گریزان است.

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲- استبصار، ج ۴، ص ۲۵۲.

ازدواج

ازدواج

از جمله مسائلی که در اسلام بسیار بر آن تأکید شده، ازدواج و ایجاد کردن کانونی پر از مهر و محبت و صفا و صمیمیت بین زن و شوهر و فرزندان است که آثار و فایده های بسیار ارزنده ای دارد. نخستین بهره مبارک و بالاترین دست آورد خجسته این پیوند الهی، پاسداری نیمی از دین جوان به عنوان بزرگ ترین توشه و برداشت او از این دنیا است. جوان ازدواج کرده با به دست آوردن این نعمت خداوندی، با آرامش خاطر و اطمینان قلبی بیشتر، به حفظ نیمی دیگر از دینش می پردازد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النُّصْفِ الْآخِرِ أَوْ الْبَاقِي. (۱)

کسی که ازدواج کند، نصف دینش را دریافته است. پس تقوای الهی را پیشه سازد تا نصف دیگرش را حفظ کند.

رسول رحمت در جای دیگر، ازدواج را سیره و سنت خویش معرفی می کند و کسانی را که بدون عذر از آن روی برتابند، از گروه مسلمانان خارج می داند: «الْكَأْحُ سُنَّتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي، فَلَيْسَ مِنِّي.» (۲) خداوند تبارک و تعالی نیز در قرآن مجید در خطابی صریح به جامعه اسلامی، ازدواج را گوشزد می کند و مسلمانان را از توجه نکردن به این مسئله مهم و حساس، تنها به سبب مسائل مادی و مالی بر حذر می دارد که او خود، از دریای بی کرانه فضل و رحمتش، آنها را در این امور، بی نیاز می سازد:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. (نور: ۳۲)

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۲- کافی، ج ۵، ص ۴۹۶.

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست کارتتان را؛ خدا از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد.

بنابراین، کسانی که توان لازم را دارند، باید وسیله ازدواج را فراهم آورند تا جوانان نیز از این سیره نبوی فاصله نگیرند و بدانند خیر دنیا و نگه داری از دین، در پرتو ازدواج فراهم می شود. با این کار، زمینه فساد و عوامل خطر ساز و تهدید کننده از بین خواهد رفت.

تشویق به ازدواج در جوانی

تشویق به ازدواج در جوانی

خداوند به بنده اش بسیار علاقه مند است و فراوان محبت می ورزد و جز خیر و خوبی برای او چیزی نمی خواهد. از این رو، او را به سوی خوبی ها، زیبایی ها و فضیلت های اخلاقی هدایت و راهنمایی می کند؛ از جمله اینکه خداوند دوست دارد بنده اش در سایه اسلام و قرآن به تشکیل کانون گرم خانواده همت گمارد. پیامبر اسلام به دلیل علاقه ویژه ای که به جوانان داشت، همواره می کوشید آنها را به وسیله ازدواج و تشکیل خانواده، از دام شیطان و وسوسه های او رهایی بخشد. بدین منظور می فرماید:

هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است. پس در نصف باقی مانده دین خود، از خدا بترسد. (۱)

معصومان علیهم السلام نیز در پی برشماری فضیلت ازدواج و تشویق بر آن، نماز جوان متأهل را بر نماز غیر متأهل برتری داده اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

دو رکعت نمازی که متأهل می خواند، برتر از هفتاد رکعتی است که غیر متأهل می خواند. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

متأهلی که در حال استراحت است، نزد خداوند، برتر از روزه دار و نمازگزار است که بی زن و غیر متأهل است. (۳)

از مطالعه سیره بزرگان درمی یابیم که آنها نیز در دوران جوانی تأهل اختیار کرده اند. رسول الله صلی الله علیه و آله در ۲۵ سالگی، امیر مؤمنان علی علیه السلام در ۲۲ سالگی، امام سجاد علیه السلام در ۱۹ سالگی، امام باقر علیه السلام در ۲۶ سالگی، امام جواد علیه السلام در ۱۷ سالگی و به همین

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

۲- روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

ترتیب دیگر امامان معصوم علیهم السلام در عنفوان جوانی به تشکیل خانواده اقدام کرده اند. در روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره تشویق جوانان به ازدواج آمده است:

هر جوانی که در ابتدای جوانی ازدواج کند، شیطان به خروش می آید و فریاد می زند: وای بر او، وای بر او که دو ثلث دینش را از دست من حفظ کرد. (۱)

پیامبر اکرم در خطبه ها و سخنرانی های خویش نیز جوانان را به ازدواج تشویق می کرد و می فرمود: «جوان ها، ازدواج کنید». (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

۲- قطب راوندی، نوادر، ص ۱۱۳.

همسرگزینی

همسرگزینی

ازدواج، فصل زیبا و شیرین دوران جوانی است. آورده اند که: «يَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالنَّكَاحِ... عِنْدَ النِّكَاحِ؛ هنگام ازدواج، درهای رحمت آسمان گشوده می شود.» (۱) ازدواج، کمال است و در منظر دین، جایگاه والایی دارد تا جایی که رسول رحمت آن را بهترین بنیاد معرفی می کند:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ. (۲)

هیچ بنیادی در اسلام نزد خداوند، محبوب تر از ازدواج نیست.

ایشان این زیباترین بنیاد را سنت می داند و جوانان را در روی آوردن بدان تشویق می کند. آن بزرگوار می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ. (۳)

هر کس مرا دوست دارد، از سنت من پیروی و بدان عمل کند. از سنت من، ازدواج است.

تمایل مرد و زن جوان به یکدیگر، واقعیتی درونی است که در پرتو پاسخ گویی درست به آن، در وهله نخست، آرامش روح و سکونت روان به دست می آید. این بنای مقدس، زمینه رشد جوان را برای کسب فضیلت های انسانی فراهم می آورد و سیرت های آنان را نیکو می سازد. رسول خاتم صلی الله علیه و آله در توصیه ای می فرماید:

زَوِّجُوا أَيَّامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ. (۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۳۰.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۲۹.

۴- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.

پسران و دختران مجرد خود را همسر دهید که خداوند مروتشان را افزون و سیرتشان را نیکو کند.

ازدواج، وسیله ای برای پاک ماندن از آلودگی های جنسی است؛ چنان که باز هم سخن رسول الله صلی الله علیه و آله در این باره بسیار گویاست:

هُوَ أَغْضٌ لِلْبَصْرِ أَعْفٌ لِلْفَرْجِ وَ أَكْفٌ وَ أَشْرَفٌ. (۱)

ازدواج، بهترین وسیله برای نفی نگاه شهوانی، عفت جنسی، پاک دامنی و شرافت انسانی است.

ناگفته نماند بقای نسل و به وجود آوردن فرزندان صالح نیز از آثار پیوند مبارک ازدواج است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ - يَرْزُقُهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ. (۲)

چه چیزی مؤمن را از انتخاب همسر بازمی دارد. هر آینه در پرتو ازدواج، خداوند فرزندی به او ببخشد که زمین را با شعار لا اله الا الله سنگین کند.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲.

معیارهای همسرگزینی

معیارهای همسرگزینی

دقت در انتخاب همسر، ضرورت است و بی توجهی در این امر، پشیمانی در پی خواهد داشت. انتخاب همسر دین دار بسیار مهم است؛ زیرا دین داری دختر و پسر جوان، حفظ حریم عفت، حیا، نجابت و غیرت را در پی خواهد داشت. جوانی نزد پیامبر آمد و از ایشان درباره ازدواج رهنمود خواست. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «نَعَمْ أَنْكِحْ وَ عَلَيْكَ بِذَوَاتِ الدِّينِ؛ آری، ازدواج کن و بر تو باد که همسر دین داری برگزینی.»^(۱) ایشان همسرگزینی بر محور ثروت یا زیبایی منهای دین داری را نهی می کند و می فرماید:

هر که با زنی برای مالش ازدواج کند، خداوند او را به حال وی واگذار خواهد کرد.^(۲)

ایشان در جایی دیگر می فرماید:

هر که با او [زنی] برای زیبایی اش ازدواج کند، در او چیزی که خوشایند نیست، خواهد دید و هر که با وی برای دینش ازدواج کند، خداوند همه این مزایا را برای او جمع خواهد کرد.^(۳)

بی شک، در کنار دین داری، بهره مندی از اخلاق نیک و شایسته بسیار مهم است. اخلاق نازیب، بی احترامی و نامهربانی به دنبال دارد. از این رو، رسول رحمت و مهربانی می فرماید:

إِنْ جَاءَكُمْ مَنْ تَرَضَّوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوِّجُوهُ إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ فَسَادٌ

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

۲- کنز العمال، ح ۴۴۵۳۷.

۳- وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۳۱.

کَبِيرٌ (۱)

هرگاه برای دختر شما خواستگاری آمد که دین و اخلاقش را می پسندید، بپذیرید؛ و گرنه در سطح جامعه، فتنه و فساد بسیار می شود.

اصالت خانوادگی نیز در جای خود امری بااهمیت است؛ زیرا کسی نمی تواند اثرپذیری دختر و پسر را از محیط خانواده انکار کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور پوشیده، از ازدواج با سبزه ای که در لجن زار روییده باشد، پرهیز می دهد و می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ _ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَشَنَاءُ فِي مَثَبِ السَّوَاءِ. (۲)

شما را از سبزه مزبله پرهیز می دارم. گفته شد: سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در مکان و خانواده زشتی باشد.

همتایی نیز از دیگر شرایط ازدواج موفق است. این همتایی می تواند دینی، فرهنگی، اخلاقی، علمی، جسمی، زیبایی، سنی، مالی، خانوادگی، اجتماعی، روحی و روانی باشد و از این شرط نمی توان غفلت کرد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَنْكَحُوا الْأَكْفَاءَ وَ أَنْكَحُوا فِيهِمْ؛ به همتایان خود زن بدهید و از همتایان همسر بگیرید». (۳)

۱- وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۵۱.

۲- وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۹.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۹.

ناپسندی تجرد

ناپسندی تجرد

پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره جوانان را به ازدواج و از نوع مناسب آن تشویق می کردند و از تجرد جوانان ناخرسند بودند. رسول گرامی اسلام می فرماید:

الْكَاحُ سُنتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (۱)

ازدواج، سنت من است. پس هر کس از سنت من روی گردان شود، از من نیست.

پی آمدهای منفی تجرد چنان زیاد است که بستر رخنه شیطان و وسوسه های او را فراهم و جوان را اسیر خواهش هایش می سازد و با مختل کردن آرامش روانی اش، همواره او را در نگرانی قرار می دهد. مجردان گاه ضمن آسیب رسانی به روح و جسم خود، جامعه را نیز به فساد می کشانند. ناگفته نماند بعضی از جوانان به دلیل واهمه از ناتوانی خویش در اداره کامل زندگی، ازدواج را به تأخیر می اندازند تا پس از گردآوری مال، گام پیش نهند. البته باید دانست که بیشتر این دغدغه ها روا نیست؛ زیرا با کمترین ها نیز می توان آغاز کرد؛ چون رزق و روزی در گرو ازدواج است، آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اتَّجِدُوا الْأَهْلِيلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ؛ خانواده تشکیل دهید که آن برای شما روزی آور است.» (۲) در کلام شیرین دیگری نیز می فرماید: «تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِينَ بِالْمَالِ؛ با زنان ازدواج کنید. آنان ثروت و روزی می آورند.» (۳) مگر نه اینکه خداوند وعده می دهد:

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (نور: ۳۲)

اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۷.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳.

گشایش گر داناست.

به منظور بهره مندی کامل از دوران شیرین و بانشاط جوانی، ازدواج بهنگام، پسندیده ترین نوع پیوند است و باید در انجام دادن آن، به سرعت اقدام کرد تا مشمول سخن رسول الله صلی الله علیه و آله نشد که: «مَنْ كَانَ مُوسِرًا وَ لَمْ يَنْكِحْ فَلَيْسَ مِنِّي؛ هر کس توانایی ازدواج را داشته باشد و این عمل را انجام ندهد، از من نیست.»^(۱) نکته دیگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله، روش دخترانی را که از ازدواج دوری می کنند و خود را دیگر معطل می گذارند نکوهیده است.^(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۴۳۰.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

انتخاب دوست

انتخاب دوست

هر انسانی در دوران زندگی، همواره نیازمند همراهی و دوستی با دیگران است و همان گونه که از داشتن رفیق خوب احساس شادی و امیدواری می کند، از تنهایی رنج می برد و از نداشتن هم صحبت شایسته و مناسب آزرده خاطر می شود. گاه برخی افراد بر اثر کم توجهی و نداشتن بینش درست، هنگامی که بر سر دو راهی انتخاب قرار بگیرند، با عجله تصمیم می گیرند و مقدمه های سقوط خود را فراهم می آورند. بنابراین، داشتن دانشی درست و توجه کافی به مسئله انتخاب، از لوازم اصلی موفقیت در امور گوناگون زندگی است. پس جوانان عزیز ابتدا باید برای گزینش انتخابی درست، خود را به سلاح عاقبت اندیشی مسلح سازند و جنبه های کار را بررسی کنند و آن گاه بسیار جدی، راه درست سعادت را برگزینند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ای به حارث همدانی توصیه کرده است که:

وَاحْذَرْ صَحَابَهُ مَنْ يَفِيْلُ رَأْيَهُ وَ يُنْكَرُ عَمَلُهُ فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ. (۱)

از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و کارهایشان ناپسند است، بر حذر باش؛ زیرا آدمی به راه روش رفیقش خو می گیرد و به افکار وی معتاد می شود.

امامان معصوم علیهم السلام در روایت های اسلامی، ملاک خوبی و بدی را در هم نشینان می جویند. حضرت سلیمان علیه السلام می فرماید:

لَا تَحْكُمُوا أَعْلَى رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ يُصَاحِبُ فَإِنَّمَا يُعْرِفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَ أَقْرَانِهِ. (۲)

درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا هم نشینانش را ببینید؛ زیرا انسان از راه نزدیکان خود شناخته می شود.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۷.

پس بر اساس توصیه امام صادق علیه السلام، باید در انتخاب دوست دقت کرد. ایشان در هشدار فرمود: «مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ الشُّوْرِ لَا يُسَلِّمْ؛ کسی که با رفیق بد هم نشین شود، سالم نمی ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می شود».^(۱)

دوستان جوان

دوستان جوان

یکی از عوامل اثرگذار در زندگی و سرنوشت جوانان، دوستی و هم دلی است. هر جوانِ کمال خواه، برای کسب مدارج بالای رشد و شخصیت، باید در انتخاب دوست دقت کند. همان گونه که انسان برای امور مادی مانند خریدن لباس و پوشاک اهمیت می دهد، درباره دوست نیز باید همان گونه عمل کند؛ زیرا دوست افزون بر اینکه همانند لباس بیان گر شخصیت ظاهری فرد است، آثار بسیار عمیق و پنهانی بر وجود انسان دارد که در روایت های اسلامی توجه زیادی به آن شده است. آزمایش دوست پیش از دوستی و رعایت حدود دوستی بعد از آن و توجه به ویژگی های خوب دوست، همه از مواردی است که در آموزه های روایی تأکید بسیار شده است. خداوند در قرآن مجید، زبان حال افرادی را که در انتخاب دوست بی توجهی کردند، در روز قیامت چنین یاد می کند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ کاش با فلانی دوستی نکرده بودم». (فرقان: ۲۸)

جوانان به آسانی از دوستان خود اثر می پذیرند و همچنین به راحتی با افراد طرح دوستی می ریزند. از این رو، در برخی از موارد نیز آسیب های جدی می بینند. بیشتر دوستی هایی که بدون شناخت شکل گرفته است، مایه پشیمانی و شکست در زندگی فردی و اجتماعی می شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارٍ أَلْجَأَهُ الْإِثْمَ ضُطْرَارًا إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ. (۱)

هر که بدون سنجش با کسی دوستی کند، به ناچار با فاسدان هم نشین می شود.

نیز درباره اثرگذاری دوستان فاسد روی انسان می فرماید:

لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. (۲)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۶.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، کلمه ۱۴۷.

با بدکردار دوستی نکن؛ زیرا طبع و خوی تو از خوی او به طور پنهانی اثر می پذیرد، بدون اینکه بدانی.

در هر حال، دوستی، عاملی نیرومند در تعیین جایگاه اجتماعی و سرنوشت انسان است که آثار بسیاری در پی دارد. در روایتی بسیار زیبا از امام صادق علیه السلام، ویژگی های دوست خوب چنین آمده است:

الْصَّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودَ فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى كَمَالِ الصَّدَاقَةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ. أَوْلَاهَا: أَنْ يَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِيَةُ: أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنُهُ وَ شَيْنَكَ شَيْنُهُ وَ الثَّلَاثَةُ: لَا يُغَيِّرُهُ عَنكَ مَالٌ وَ لَا وِلَايَةٌ وَ الرَّابِعَةُ: أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئًا مِمَّا تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدَرَتُهُ وَ الْخَامِسَةُ: لَا يُسَلِّمُكَ عِنْدَ النَّكَبَاتِ. (۱)

دوستی ویژگی هایی دارد که در هر کس آن ویژگی ها به طور کامل نباشد، او را دوست کامل به شمار نیاور و هر کس هیچ یک از آن ویژگی ها را ندارد، هیچ گونه دوستی با او نداشته باش:

۱. نمان و آشکار با تو به یک گونه باشد؛

۲. خوبی تو را خوبی خود و بدی تو را بدی خود بدانند؛

۳. مال و مقام، در دوستی اش با تو اثر نگذارد؛

۴. از توان خود برای تو دریغ نرزد؛

۵. در سختی ها تو را تنها نگذارد.

کناره گیری از دوستان ناشایست

کناره گیری از دوستان ناشایست

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمود:

مسلمانان باید از دوستی با سه کس پرهیزند: نخست، هرزه بی باک؛ زیرا او کار خود را برای تو زینت می دهد و دوست دارد تو هم، مانند او باشی و در زمینه دین و آخرت، تو را یاری نمی کند. هم نشینی با او قساوت قلب می آورد و رفت و آمد با او مایه ننگ و عار است. دوم، احمق؛ زیرا او به خیر و خوبی تو دستور نمی دهد و شرّی را هم نمی تواند از تو دفع کند و چه بسا بخواهد به تو سودی برساند، ولی به دلیل حماقتش، به تو ضربه زند. پس مرگ او، بهتر از زندگی و سکوتش بهتر از سخن گفتنش است. سوم، دروغ گو؛ زیرا او وبال توست. گفته دیگران را برای تو و از تو را برای دیگران بازگو می کند. هرگاه ماجرای را کامل بیان کرد، به دنبالش کلام دیگری را می گوید. چه بسا راست می گوید و کسی باور نمی کند و میان مردم دشمنی اندازد و موجب کینه میان مردم شود. پس، از خدا بترسید و مواظب کارهای خود باشید. (۱)

در روایتی دیگر، امام علی علیه السلام، ما را از نزدیکی به این افراد نیز برحذر داشته است:

إِيَّاكَ وَصُحْبَةَ مَنْ أَلْهَاكَ وَأَعْرَاكَ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ وَيُوبِقُكَ. (۲)

پرهیز از دوستی با کسی که تو را به بازی وادارد و فریب دهد؛ زیرا او تو را به خواری و نابودی می کشاند.

هم نشینی با دوستان، در آماده سازی روحیه کوشش و انگیزه یابی برای پیمودن راه های موفقیت یا شکست اثرگذاری بسزایی دارد. شهید مرتضی مطهری در این باره می نویسد:

در باب معاشرت (هم نشینی و رفاقت) آن چیزی که اثرش فوق العاده است، پیدا

۱- کافی، ج ۴، ص ۸۵.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۵۲.

شدن ارادت است. مسئله ارادت و شیفتگی به یک شخص معین، بالاترین و بزرگ ترین عامل است در تغییر دادن انسان و این اگر بجا بیفتد، فوق العاده انسان را خوب می کند و اگر نابجا بیفتد، آتشی است که آدمی را آتش می زند. (۱)

۱- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۹۰.

دوستی ها جوان

دوستی ها جوان

جوان بنا بر کشش طبیعی و ذاتی، عاشق دوستی است و خواهش دل، او را به ایجاد عمیق ترین روابط دوستانه با یک یا چند نفر از هم سالان خود می کشاند و این مهرِ دوست نیز عطیه ای الهی است. جوان باید بداند دوست، آینه تمام نمای دوست است و دقت در گزینش پاکان و دوری از دوستان ناپاک، به حدی مهم است که دغدغه چگونگی انتخاب یار خوب و یک دل، برای جوان کمال و ارزش به شمار می رود. در واقع، هم نشینی با دوست، یکی از عوامل مؤثر در پی ریزی ویژگی های اخلاقی و ایجاد شخصیت آدمی است و در کنار وراثت و تربیت، در شکل دهی و پرورش خلق و خوی انسان، سهم بسیار دارد از این رو، کسی که ناسنجیده با دیگران پیمان دوستی می بندد، ناچار باید به دوستی با افراد فاسد تن در دهد. (۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه ای می فرماید:

الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ. (۲)

شخص به آیین دوست خود است. پس باید هر کدام از شما بنگرد که با چه کسی دوستی می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله زیباترین ویژگی های گزینش دوست را این گونه بیان می کند:

إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْحَيَاءَ وَالْأَمَانَةَ وَالصُّدْقَ وَإِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجُهُ. (۳)

اگر این سه ویژگی را در دوست خود دیدی، به او امید داشته باش: حیا، امانت و راستی. در غیر این صورت، به او امیدوار مباش.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۹۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

۳- کنز العمال، ج ۹، ص ۲۶.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین دوستان را کسانی می داند که آدمی را به یاد خدا و معنویت نزدیک سازند. روزی ابن عباس از ایشان پرسید: بهترین هم نشین کیست؟ حضرت نیز در پاسخ فرمود: «کسی که دیدنش شما را به یاد خدا آورد و سخن او بر دانش شما بیفزاید و عمل او رغبت به آخرت را در شما ایجاد کند.»^(۱) در دیده پیامبر، مَثَلُ هِمِ نَشِينِ خُوبٍ، مَثَلُ عَطْرِ فُرُوشٍ اِسْتِ اِکْرَازِ عَطْرِشْ بَه تُو نَدَهْدُ، اِز بُوی خُوشِشْ بَه شَمَا مِی رَسْدُ: «مَثَلُ الْجَلِیسِ مَثَلُ الْعَطَّارِ اِنْ لَمْ یَأْتِکَ مِنْ عَطْرِهٖ اَصَابَکَ مِنْ رِیحِهٖ».^(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۸۳۹.

دوستی های پایدار

دوستی های پایدار

زیباترین هنر جوان، پایدار ساختن دوستی هاست و می توان با ریشه دار کردن و عمق بخشی به دوستی های به دست آمده، آنها را جاودانه کرد. البته رسیدن به این مهم، رعایت برخی اصول را می طلبد. خداوند نیز به اصل دوستی و پایداری توجه می دهد:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُدَاوِمَةَ عَلَى الْإِخَاءِ الْقَدِيمِ فَدَاوِمُوا عَلَيْهِ. (۱)

خداوند پایداری بر رفاقت با دوستان قدیمی را می پسندد. پس دوستی های خوب خود را تداوم بخشید.

پس برای حفظ دوستی ها و ماندگار ساختن آن باید بایسته های زیر را مدنظر قرار داد. پیش از همه، اعلام دوستی است. ابراز محبت به دوست و اعلام آن، در ماندگار ساختن و استواری دوستی اهمیت بسیار دارد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند:

إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمُهُ فَإِنَّهُ أَبْقَى فِي الْأُلْفَةِ وَ اثْبُتْ فِي الْمَوَدَّةِ. (۲)

هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشته باشد، به او اعلام کند؛ زیرا این کار، مایه بقای الفت و استواری محبت است. بر آوردن نیاز دوست و سودمند بودن برای او، به ویژه هنگام درماندگی، اساس دوستی را شکل می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره نیز می فرماید:

مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۳)

اگر کسی درصدد بر آوردن نیاز دوستش باشد، خداوند درصدد بر آوردن

۱- کنز العمال، ج ۹، ص ۲۷.

۲- الحکم الزاهره، ص ۳۹۸.

۳- کنز العمال، ج ۶، ص ۴۴۴.

حاجتش برمی آید. اگر کسی گرهی از مشکلات مسلمانی را بگشاید، خداوند به موجب آن، گرهی از گره های روز قیامت را از او می گشاید.

لطف دوستی، در گرو یاری رساندن به دوست در ناگواری ها و سختی هاست. البته کمکی که به فرموده امام صادق علیه السلام بدون درخواست باشد، ارزش بیشتری دارد. ایشان فرمود:

هر گاه فهمیدی دوست تو حاجتی دارد، پیش از اینکه بگویی، آن را انجام بده و وی را ناگزیر نکن که انجام کار را از تو درخواست کند. (۱)

خیرخواهی و دل جویی از دوستان

خیرخواهی و دل جویی از دوستان

صداقت دوستی، در پرتو بیان ضعف ها و کاستی های یکدیگر است و تکامل نیز که دستاورد هر دوستی است، در گرو تذکر و راهنمایی دو دوست تحقق می یابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه زیبا می فرماید:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَ أَخِيهِ كَمَثَلِ الْكَفَّيْنِ تَنْقَى أَحَدُهُمَا الْأُخْرَى. (۱)

مَثَل دو دوست مؤمن، مَثَل دو کف دست است که یکی از آنها دیگری را تمیز می کند.

آن بزرگوار به دوستان توصیه می کند همواره در راه درستی و رستگاری یاری گر هم باشند: «لِيَنْصِيحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ؛ انسان باید دوست دینی خود را نصیحت کند، همان گونه که خیر خود را می خواهد.» (۲) دهلوی می گوید:

دوست آن است که معایب دوست

همچو آینه روبه رو گوید

دوست، زینت و آبروی خود را آبرو و زینت دوست و عیب خود را عیب او می داند. بدین ترتیب، همواره در صدد رفع و اصلاح عیب خود و دوستش اقدام می کند. در غیر این صورت، اگر او در تغییر روش ناپسند دوست بر نیاید و با وجود توان، او را بازنگرداند، به او خیانت کرده است. از سوی دیگر، لازمه حفظ دوستان و ایجاد صمیمیت بیشتر در آن است که همواره سراغ دوستان را بگیریم و از احوال آنان جويا شویم و به دیدارشان برویم؛ زیرا به فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله: «الزَّيَارَةُ تُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ؛ دیدار دوست، بذر

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۸۳۷.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۰.

محبت و دوستی را می نشانند.»^(۱) سیره و منش رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز دل جویی و سرکشی به دوستان بود. او هر گاه سه روز دوستان خود را نمی دید، از حالشان جويا می شد و از آنان به خانه خویش دعوت می کرد و اگر از بیماری آنان آگاه می شد، به دیدارشان می شتافت.^(۲)

همچنین ایشان مرز دیدارهای دوستانه را یک روز در میان می دانند و این روش را سبب افزایش محبت می خوانند؛^(۳) چون دیدارهای پی در پی از اشتیاق آدمی می کاهد و رنجش و دل گیری در پی دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «كَثْرَةُ الزَّيَارَةِ تُورِثُ الْمَلَالََةَ»^(۴) البته از هدیه دادن به هم نباید غافل شد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ»؛ هدیه، محبت و دوستی را به همراه دارد.^(۵)

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۱۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸.

۳- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۱۹۳.

۴- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۳۷.

۵- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶.

شادی در زندگی و شاد ساختن دیگران

شادی در زندگی و شاد ساختن دیگران

شادی و خوشی، نعمتی خدادادی است و همو شادمانی در زندگی را برای آدمی ارزانی داشته است: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا؛ بگو به فضل و رحمت خداست که مؤمنان باید شاد شوند.» (یونس: ۵۸) در فرهنگ دینی، بخشی از زندگی به امور عبادی، قسمتی برای تلاش و کار و بخشی نیز به منظور استفاده از لذت های مشروع و حلال اختصاص یافته است و این نشاط و سرور برخاسته از این لذت ها، کمکی برای پیشبرد دیگر برنامه هاست؛ زیرا بدن و روان خسته را ترمیم می کند و نیرو و تلاش او را دوچندان می سازد. نشاط و شادی، از سویی با تفریح و سرگرمی سالم، بوی خوش، نگریستن به سبزه و گل، دیدار دوستان، شوخی مناسب و به اندازه، ورزش و سیر و سفر به دست می آید و گاه نیز مرهون شادمان ساختن دیگران است؛ به ویژه شادی دل غمگنان و کودکان. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَائِرًا يُقَالُ لَهُ دَائِرُ الْفَرَحِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرِحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

در بهشت قصری است که به آن کاخ شادی می گویند. همانا در آن، شادمان کنندگان کودکان و یتیمان از اهل ایمان، جای خواهند داشت.

فردوسی می گوید:

بکوشید تا رنج ها کم کنید

دل غمگنان شاد و خرم کنید

جوان برای آرامش روح و روان و فرح بخشی به دوره جوانی، به تفریح سالم و شادی حلال نیاز دارد تا او را در برابر امواج سهمگین مشکلات ریز و درشت زندگی حفظ کند. جوان اگر پاک و با آرامش باشد، روح و روان او در آسایش است و از هر گونه دغدغه خاطر به دور خواهد بود.

شوخی

شوخی

سیرت نیکو و اخلاق خوش، جوان را نزد خداوند محبوب می کند و اگر این حسن خلق، شادی دیگران را در پی داشته باشد، پیامبر و خدا را خرسند خواهد کرد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ. (۱)

هر کس مؤمنی را مسرور کند، همانا مرا شاد کرده و هر کس مرا شادمان کند، خداوند را خوش حال ساخته است.

شوخی طبعی، از گونه های شیرین و زیبای شادمانی است که آن را از ویژگی های دین داران دانسته اند: «الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ؛ مؤمن، شوخ و اهل سرگرمی است.» (۲) روزی امام صادق علیه السلام از یونس شیبانی پرسید: در برخورد با یکدیگر چه مقدار مزاح می کنید؟ گفت: خیلی کم. امام این شیوه را نپسندید و فرمود:

مزاح کردن، جزو اخلاق نیک و وسیله ای برای خوش حال ساختن دیگران است. روش پیامبر این بود که برای خوش حال کردن افراد، با آنان مزاح می کرد. (۳)

شوخی کردن نیز حد و مرزهایی دارد و زیاده روی در شوخی، ضعف و سستی اندیشه را در پی دارد و ابهت و شخصیت آدمی را خرد می سازد. از این رو، رسول الله صلی الله علیه و آله زیاده روی در شوخی را نکوهش می کند و می فرماید: «لَا تَمَزُحْ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ؛ از

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

شوخی پرهیز که مایه ریختن آبروست.» (۱) همچنین برای خنداندن دیگران باید از دروغ پرهیز کرد. سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله را از یاد نبریم که فرمود:

وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيَيْلٌ لَهُ وَيَيْلٌ لَهُ. (۲)

وای بر کسی که کلام دروغی را نقل کند تا دیگران بخندند، وای بر او! وای بر او!

از سوی دیگر، باید شوخی، از زشتی گفتار و ناراستی رفتار به دور باشد. در این باره باز هم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَنْتِي أَمْزُحٌ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا؛ من شوخی می کنم، ولی سخنی نمی گویم، مگر آنکه در چارچوب حق باشد.» (۳) یکی از یاران حضرت از ایشان پرسید: آیا در اینکه با دوستان خود شوخی می کنیم و می خندیم، اشکالی هست؟ فرمود: «اگر سخن ناشایست در میان نباشد، اشکالی ندارد.» (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۸.

۳- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۱۶.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۹۲.

اوقات فراغت جوان

اوقات فراغت جوان

ایام جوانی به سرعت سپری خواهد شد و دیگر بار بازنمی گردد. جوان باید به گونه ای برنامه خویش را تنظیم کند که از اوقات فراغت خود به نفع سازندگی روحی و روانی خویش بهره گیرد و برای تشکیل خانواده و تربیت فرزند در آینده، آمادگی لازم را به دست آورد. باید قدر فرصت ها و روزهای پرارزش جوانی را بداند و آن را بیهوده هدر ندهد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بَادِرْ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ؛ پیش از آنکه دوره پیری ات فرا برسد، از جوانی خود استفاده کن.» (۱) باز می فرماید: «الْشُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَ يُبَيِّرُ النَّشَاطَ؛ فرح و شادمانی سبب وجد و نشاط روح می شود.» (۲)

کسی که وقت خود را به کسالت و بیهودگی صرف کند، زیان می بیند. جوان باید در زندگی اش برنامه و نظم داشته باشد تا اوقاتش، چراگاه و سوسه های شیطانی نشود. او باید از تفریح و ورزش برای سالم سازی بدن به منظور پرورش روح استفاده کند؛ زیرا تفریح سالم، انسان را از خستگی کارهای یک نواخت زندگی، رهایی می بخشد. متأسفانه بعضی از جوانان نمی دانند که چگونه از اوقات فراغت خود بهره جویند. گاه در خلال ایام تعطیل و فراغت، مرتکب گناه می شوند و دست به کارهای ناشایست می زنند. در نتیجه، زمینه کسالت و پشیمانی خود و دیگران را فراهم می سازند. جوان می تواند بخشی از فرصت های خود را پس از مطالعه دروس، به ورزش و نیز فعالیت های فکری و هنری با دوستان خوب اختصاص دهد. در زندگی برنامه ریزی همه جانبه داشته باشد و به پرورش استعداد های فکری، ذوقی، هنری و علمی بپردازد. فرد در پرتو برنامه ریزی درست و استفاده شایسته از اوقات فراغت می تواند شخصیتی جامع بیابد و به کمال انسانی نزدیک

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۰.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۵۷.

شود. نباید وقتی را که می توان در مسیر درست قرار داد، بی توجه و بدون فایده گذرانند. پر کردن این اوقات طلایی با کتاب ها و فیلم های ناپسند سبب آشفتگی روحی و گسستگی شخصیتی جوان می شود. باید به جوانان کمک کرد تا بهترین راه و عالی ترین وسیله را برای گذران اوقات فراغت خود برگزینند. (۱)

۱- رضا فرهادیان، آنچه یک جوان باید بداند، قم، بوستان کتاب، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۵، ص ۴۹.

تفریح و سرگرمی

تفریح و سرگرمی

خدای مهربان بر اساس حکمت و مصالحی که خود بهتر می داند، انسان را به گونه ای آفریده است که پیوسته روح و بدنش باید استراحت کند. خواب و استراحت را برای رفع خستگی بدن آدمی قرار داده، ولی برای برطرف ساختن خستگی روح، تفریح نیز لازم است. یکی از بهترین نمونه های تفریح سالم و حلال، مسافرت است. سیر و سفر، شادی آور و فزاینده نشاط و زداینده غم و گرفتگی های روحی است. مسافرت، افزون بر ایجاد شادی و نشاط در انسان، گاه او را به رشد و کمال مطلوب می رساند. سیر در زمین، سبب دست یابی به عبرت های تاریخ و آگاهی از سرنوشت خوب و بد پیشینیان است. در کنار مسافرت، حضور یافتن در کنار دوستان خوب نیز می تواند آرامش آفرین باشد. گفت و گو با دوست همراه و هم دل، به کم شدن فشارهای روحی و زدودن اندوه و نگرانی و انبساط روح خسته فرد می انجامد. امام صادق علیه السلام فرمود: «تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ؛ به ملاقات یکدیگر بروید که سبب زنده شدن قلب هایتان است.»^(۱) همچنین مطالعه کتاب ها و آثار دیگران نیز نشاط آدمی را فراهم می کند. امامان معصوم علیهم السلام در کنار خواندن و تفکر در آیه های قرآن، به مطالعه کتاب، بسیار اهتمام داشته و توصیه کرده اند. مهم تر آنکه حفظ کتاب و نگه داری آن را بسیار لازم و ضروری می دانستند. امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمرو فرمود:

بنویس و علمت را در میان دوستان منتشر کن و چون مرگت فرارسد، آنها را به پسرانت میراث ده؛ زیرا برای مردم، زمان فتنه و آشوب فرا می رسد که آن هنگام، جز با کتاب انس نگیرند.^(۲)

ایشان در کلامی دیگر می فرماید: «إِحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا؛ از

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۶.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۲.

کتاب های خود کاملاً مراقبت کنید؛ زیرا به آنها نیاز خواهید داشت.»^(۱) مطالعه و کتاب خوانی برای جوانان بسیار مفید و سازنده است. مقام معظم رهبری می گوید:

من در جوانی زیاد مطالعه می کردم. غیر از کتاب های درسی مطالعه می کردم و می خواندم، هم کتاب های تاریخ، هم کتاب ادبیات، هم کتاب شعر و هم کتاب قصه و رمان می خواندم. به کتاب قصه و رمان خیلی علاقه داشتم و خیلی از رمان های معروف را در دوره نوجوانی می خواندم. شماها واقعا باید دوره نوجوانی را قدر بدانید. هر چه امروز مطالعه می کنید، برایتان می ماند و هرگز از ذهنتان زدوده نمی شود. این دوره نوجوانی برای مطالعه کردن و یاد گرفتن، دوره خیلی خوبی است؛ واقعا یک دوره طلایی است و با هیچ دوران دیگری مقایسه نمی شود.^(۲)

۱- منیه المرید، ص ۳۴۰.

۲- مروجی طبسی، جوان از منظر معصومان، ص ۹۳، به نقل از: خاطرات و حکایات از زندگی نامه مقام معظم رهبری، ص ۲۷.

ورزش پهلوانی

ورزش پهلوانی

سلامت جسم، نشاط روان، حفظ شادابی و طراوت جوانی و نیز تجدد قوای جسمی، با ورزش به دست می آید. برخی ورزش ها مانند کشتی، روحیه جوان مردی، شجاعت، حق طلبی و ستم ستیزی را پرورش می دهد و برخی همچون شنا، تیراندازی و سوارکاری، مقاومت جسمی و روحی را در برابر شرایط سخت زندگی و آسیب های اجتماعی افزایش می دهد، جوان را سالم و بدن را چابک و قوی برای رزم و دفاع می سازد. (۱) رسول گرامی اسلام، نیرومند ساختن قوای بدن را وسیله خوش بختی می داند و ورزش های یاد شده را تأیید می کند و می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالرَّمْيِ فَإِنَّهُ مِنْ خَيْرِ لَهْوٍ لَكُمْ؛ به تیراندازی پای بند باشید، چرا که آن از بهترین بازی های شماس است.» (۲) باز هم می فرماید: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ؛ به فرزندان خود تیراندازی و شنا یاد دهید.» (۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منظور تقویت روحیه مردانگی و جوان مردی جوانان، برای کسب امتیاز، به برپایی مسابقه می پرداخت. ایشان بر قهرمان پروری مثبت تأکید می ورزید و حتی در داوری مسابقه ها، یاران خود را به قهرمانی در رقابت های روحی تشویق می کرد. نوشته اند که «روزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله از محله ای در شهر مدینه می گذشت. گروهی از جوانان سرگرم زورآزمایی بودند. به این ترتیب که سنگ بزرگی را بلند کردند تا ببینند چه کسی بهتر می تواند آن را بلند کند. این مسابقه نیاز به داور نیز داشت. جوانان تا نگاهشان به رسول الله صلی الله علیه و آله افتاد، گفتند: هیچ داوری بهتر از پیغمبر نیست. یا رسول الله صلی الله علیه و آله، شما اینجا بایستید و برای ما داوری کنید که کدام یک از ما بهتر وزنه را بلند می کند. پیامبر پذیرفت و در آخر

۱- منشور تربیتی نسل جوان، صص ۹۵ _ ۹۷.

۲- پیام پیامبر، ص ۷۹۳.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۳۳۱.

فرمود: می خواهید بگویم که از همه شما قوی تر و نیرومندتر کیست؟ گفتند: آری. فرمود: از همه قوی تر و نیرومندتر کسی است که وقتی به خشم آید، خشم بر او غلبه نکند، بلکه او بر خشمش چیره شود خشم او را در راهی که رضای خدا نیست، نیندازد و بر خشم خودش مسلط شود. آن گاه که از چیزی خوشش می آید، آن خوش آمدن، او را به غیر رضای خدا نیندازد و بتواند بر رضا و میل و رغبت خودش مسلط شود».^(۱)

۱- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، بی تا، ص ۲۲۰.

سیر و سفر

سیر و سفر

گردش و گشت و گذار بیرونی، برای کسب تجربه و زدودن سستی و رخوت، کارآمد است و حس کنجکاوی جوانان را ارضا و روحیه جست و جوگری و عبرت آموزی را در آنان اقناع می سازد. پیامبر می فرماید:

سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْمُوا مَالًا أَفَدْتُمْ عَقْلًا. (۱)

مسافرت کنید! چه حتی اگر در سفر نفع مالی عایدتان نشود، از فایده های عقلی آن بهره مند خواهید شد.

در واقع، خروج از تنگنای محیط زندگی و بهره مندی از امکانات و موهبت های طبیعی و انس گرفتن با طبیعت سرشار از زیبایی و طراوت و سرسبزی، جوان را همواره سرزنده و شاداب نگه می دارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «سَافِرُوا تَصِحُّوا؛ سفر کنید تا سلامت باشید.» (۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جوانان را به سفر جمعی تشویق می کند و می فرماید: «الرَّفِيقُ نَتْمُ الطَّرِيقِ؛ نخست رفیق راه، آن گاه سفر کردن.» (۳) ایشان برای اینکه در سفر مشکلی برای گروه پیش نیاید، سفارش می کند که حتما یکی از آنان سرپرستی اعضا را به عهده بگیرد، تا هم سویی و هم نوایی لازم برقرار شود. آن بزرگوار می فرماید: «إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤْمُوا أَحَدَهُمْ؛ هرگاه سه نفر در سفری بیرون رفتند، باید کسی از خود را امیر گردانند.» (۴) حسن تفاهم و همکاری با هم نوعان، سازگاری با اطرافیان و هم زیستی و انس

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۳- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۱.

۴- کنز العمال، ج ۶، ص ۷۱۷.

گرفتن با دوستان، از بایدهای مسافرت است و در نگاه پیامبر:

أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَبَدَلِ الزَّادِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَالْمِزَاحِ فِي غَيْرِ الْمُعَاصِي. (۱)

بدل و بخشش توشه، خوش اخلاقی و شوخی کردن در چارچوب دوری از گناه، از آداب سفر است.

همکاری، هم یاری و تقسیم کار، در لطافت و خوشی سفر نقش مؤثری دارد. می گویند در سفری که رسول الله صلی الله علیه و آله با دوستان خود رفته بود، پس از اینکه هر یک از آنها کاری را بر عهده گرفت، خود حضرت وظیفه گردآوری هیزم را پیشنهاد داد و در برابر مانع شدن همراهان برای انجام دادن کار فرمود: «می دانم، همه شما کارها را به خوبی انجام می دهید، ولی خداوند از بنده ای که از هم سفران خود کناره گیرد، ناخرسند است.» آن گاه برخاست و به گردآوری هیزم پرداخت. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۶۶.

۲- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۷۳.

کار و تلاش

کار و تلاش

کار و پرداختن به حرفه، آثار بسیاری در پی دارد. بر اساس دیدگاه های شهید مطهری، کار سبب تمرکز و مهار قوه خیال می شود؛ یعنی اگر تو نفس را به کاری مشغول نکنی، او تو را به خودش مشغول می کند. همچنین عامل جلوگیری از گناه به شمار می رود. گناه بیشتر شبیه انفجار است. مثل یک دیگ بخار که اگر آن را حرارت بدهند و هیچ منفذ و دریچه اطمینانی نداشته باشد، سرانجام انفجار پیش می آید. بسیاری از حاکمان، جانی و بدخواه از آب درمی آیند و یکی از علت های جنایت کاری آنان، همین حالت تعطیل بودن و بی کاری است. (۱) بدیهی است اگر انسانی به ویژه جوانان تن به کار ندهند و مدام از دست طبیعت انرژی بگیرند و حاضر به دفع آن نباشند، سرانجام آنان از همین مسئله ضربه مهلکی می خورند و به منجلاب فساد افتند. در حدیثی آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی را می دید، از وی می پرسید: آیا کار داری یا نه؟ اگر می گفت: کاری ندارم و بی کارم، حضرت می فرمود: از چشم افتادی. می پرسید: وقتی دلیلش را حضرت می فرمود:

لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ. (۲)

اگر کسی کار و شغلی نداشته باشد، از دینش مایه می گذارد و آن را تباه می کند.

کار در عین اینکه ساخته فکر و روح و خیال و دل و جسم آدمی است، سازنده خیال، عقل و فکر، سازنده دل و قلب و به طور کلی، سازنده و تربیت کننده انسان است. (۳)

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲۰.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۹.

۳- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲۱.

متأسفانه برخی از افراد بر اثر بی‌کاری و تنبلی، رشد و موفقیت هم‌نوعان خود را با مسئله شانس و بخت توجیه می‌کنند. آنان به سبب تن‌ندادن به کار و فعالیت و تحمل نکردن سختی‌ها و مشکلات موجود بر سر راه و برای تسکین دل خود، به مسئله ذکر شده متوسل می‌شوند و خود را از عذاب وجدان می‌رهانند. در حالی که جوانان عزیز نباید دست روی دست بگذارند و منتظر فرود آمدن شاهین اقبال و بخت باشند.

جوانی، با کار و تلاش معنا می‌یابد و نیرو و توان این دوران را باید بدان مسیر سمت و سو داد؛ زیرا با این سرمایه، روحیه اعتماد به نفس و خودباوری در آن شکل می‌گیرد و ایشان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی آماده می‌سازد. پیامبر گرامی اسلام همگان را به کار فرا می‌خواند، در عین حال که بر ارتباط و استعداد فرد و نوع کار تأکید می‌کند و می‌فرماید: «اعْمَلُوا فَكُلُّ مَسَيِّرٍ لِّمَا خُلِقَ لَهُ؛ همه شما کار کنید و بکوشید، ولی متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده است و آن را به آسانی انجام می‌دهد.» (۱)

آورده اند که «روزی رسول الله صلی الله علیه و آله با یاران خود نشسته بود. جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر پیامبر بودند، سخن به کنایه گشودند و گفتند: این جوان اگر نیرومندی و توان خود را در راه خدا به کار می‌انداخت، شایسته ستایش بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به آنان فرمود: این سخن را نگویید. اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که در زندگی نیازمند دیگران نباشد، با این عمل در راه خدا گام برمی‌دارد. همچنین اگر کار می‌کند تا زندگی والدین ضعیف یا کودکان ناتوان خود را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد، باز هم به راه خدا می‌رود؛ ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود بر تهی‌دستان مباحثات کند و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، او به راه شیطان رفته و از راه حق منحرف شده است.» (۲)

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۳۲.

۲- محجه البيضاء، ج ۳، ص ۱۴۰.

جوان در پرتو اندیشه، توان بازو و سرمایه کار، به هدف خود می رسد و کلید کام یابی او، کار و کوشش است. حضرت محمد صلی الله علیه و آله، یکی از یاران خود را دید و از او پرسش هایی کرد و او هم پاسخ داد. سپس از شغل وی پرسید. او گفت: بی کارم! حضرت فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ از چشم من افتادی.»^(۱) مولوی چه زیبا می گوید:

مرغ با پر می پرد تا آشیان

پَرّ مردم همت است ای مردمان

دست داده استت خدا، کاری بکن

مکسبی کن، یاری یاری بکن

هر کسی در مکسبی پا می نهد

یاری یاران دیگر می کند

۱- محمد بن محمد سبزواری، جامع الاخبار، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ هـ. ق، ص ۳۹۰.

کتاب نامه

کتاب نامه

- * نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، سید علی نقی، تهران، جاویدان، بی تا.
- * نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ق.
- * نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، قم، انتشارات، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، بیروت، دارالکتاب، چاپ اول، ۱۴۰۱ هـ. ق.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۶. بروجردی، حسین، جامع احادیث شیعه، قم، مدینه العلم، بی تا.
۷. بن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، بی تا.
۸. پور امینی، محمد باقر، جوان در چشم و دل پیامبر، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، کتابچی، ۱۳۷۱.
۱۰. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۱. خادمی کوشا، محمد علی، جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۲. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۳. راوندی، فضل الله، نوادر المعجزات، قم، دارالکتب، بی تا.

۱۴. سیزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴هـ. ق.

۱۵. شهید ثانی، منیه المراد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.

۱۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، امالی، قم، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴هـ. ق.

۱۷. صابری یزدی، علی رضا، الحکم الزاهره، ترجمه: محمدرضا انصاری، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۸. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتاب خانه اسلامی، ۱۳۶۲.

۱۹. _____، من لا یحضره الفقیه، قم، منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۰۴هـ. ق.

۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷هـ. ق.

۲۱. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکات الانوار، نجف، کتاب خانه حیدریه، ۱۳۸۰ هـ. ق.
۲۲. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۲۳. طبرسی، علی بن حسن، مشکات الانوار، نجف، چاپ خانه حیدریه، بی تا.
۲۴. طبسی، محمدرضا، ذرایع البیان، نجف، چاپ خانه آداب، بی تا.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، بیروت، دارالصعب.
۲۶. _____، امالی، قم، دارالثقافه، بی تا.
۲۷. ظهیری، علی اصغر، اخلاق اجتماعی جوانان، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی انصاری، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۸. عابدینی، احمد، پلی به دنیای نسل جوان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۹. فرهادیان رضا و بتول فرهادیان، آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران)، قم، بوستان کتاب، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۵.
۳۰. فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر فرهنگ، بی تا.
۳۱. فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۵.
۳۳. گروهی از نویسندگان، منشور تربیتی نسل جوان، دبیرخانه شورای عالی جوانان، تهران، ۱۳۷۴.
۳۴. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا.
۳۶. محمدی اشتهاردی، محمد، داستان دوستان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحديث، ۱۳۶۲.
۳۸. مروّجی طبسی، محمد جواد، جوان از منظر معصومان علیهم السلام، قم، انتشارات سلسال، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳۹. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۴۰. مظاهری، حسین، اخلاق و جوان، قم، انتشارات شفق، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۴۱. موسوی خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، نجف، چاپ خانه آداب، بی تا.

۴۲. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق: محمد کلانتر، مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان، بی تا.

۴۳. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.

۴۴. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۴۵. نهج الفصاحه، ترجمه: پاینده، ابوالقاسم، تهران، انتشارات جاویدان، بی تا.

۴۶. نیشابوری، ابن فتال، روضه الواعظین، قم، انتشارات الرضی، بی تا.

۴۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

